



# صورت جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد

## گروه آموزشی: فرهنگ و زبانهای باستانی

با عنایت به آئین نامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد ناپیوسته، جلسه دفاعیه پایان نامه کارشناسی ارشد

خانم باخان عبدالرحمن به شماره دانشجویی ۱۴۱۰۹۹۲۰۳۱۴ در رشته

فرهنگ و زبانهای باستانی گرایش در ساعت ۱۰-۱۲ صبح تاریخ دوشنبه ۹۵/۴/۲۸

با عنوان بررسی توصیفی - تطبیقی ساخت فعل در زبانهای کردی سورانی و پهلوی ساسانی

در محل اتاق ۳۲۳ با حضور هیئت داوران تشکیل شد و بر اساس کیفیت پایان نامه، ارائه دفاعیه

و نحوه پاسخ به سوالات، رای نهایی به شرح ذیل اعلام گردید:

پایان نامه مورد قبول می باشد  پایان نامه با اصلاحات مورد قبول می باشد  پایان نامه مورد قبول نمی باشد

تعداد واحد پایان نامه ۴ نمره نهایی پایان نامه: ۲۰/۱ به عدد به حروف عالی درجه پایان نامه عالی

امضاء	مرتبه دانشگاهی و دانشگاه	نام و نام خانوادگی	میان داوران
	دانشیار دانشگاه تهران	دکتر محمود جعفری دهقی	۱- استاد راهنما:
	استادیار دانشگاه سمنان	دکتر شهرام نقشبندی	۲- استاد مشاور:
	استادیار دانشگاه تهران	دکتر علی شهیدی	۳- استاد داور:
			۴-
			۵- نماینده تحصیلات تکمیلی دانشکده یا گروه آموزشی:

معاون تحصیلات تکمیلی دانشکده: دکتر ابوالحسن امین هوسدسی

مدیر یا سرپرست تحصیلات تکمیلی گروه آموزشی: دکتر سید احمد رضا قائم مقامی

امضاء:  
تاریخ:

امضاء:   
تاریخ: ۹۵/۴/۲۸



دانشگاه تهران

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران

پایان‌نامه برای دریافت درجه‌ی کارشناس ارشد

در رشته‌ی فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران

عنوان

بررسی توصیفی-تطبیقی ساخت فعل در زبانهای کردی سورانی و پهلوی ساسانی

استاد راهنما

دکتر محمود جعفری دهقی

استاد مشاور

دکتر شهرام نقش‌بندی

نگارش

باخان عبدالرحمن

تیر ماه ۱۳۹۵

تقدیم به

پدر و مادر مهربانم که دعای خیرشان همواره پشت و پناهم بوده  
و همسر گرمی‌ام که در لحظه لحظه‌ی با هم بودنمان پشت گرمی‌ام بوده

هه والننامه‌ی کتیب

## تشکر و قدردانی

سپاسگزارم از آنچه که هرچه دارم از اوست. خالق یگانه و بی‌همتا که حمد و سپاس مخصوص اوست و بدون یاری و لطف او قدمی از قدم برداشته نمی‌شود.

فرصت را غنیمت می‌شمارم و از زحمات فراوان استاد راهنمای خویش جناب آقای دکتر محمود جعفری دهقی و همچنین استاد مشاورم جناب دکتر شهرام نقشبندی قدردانی می‌نمایم و از این که بنده را در تکمیل این تحقیق تحمل و یاری نموده‌اند سپاسگزارم و امیدوارم در سایه‌ی لطف الهی همواره سلامت و موفق باشند. همینطور از کلیه‌ی استادانی که همواره بنده را در طول تحصیل یاری نموده‌اند و با سعه‌ی صدر پاسخگوی سؤالات اینجانب بوده‌اند نهایت تشکر و قدردانی را دارم.

هه و النامه ی کتیب

حروف فارسی	حروف کردی	حروف ipa	
-----	بدون نشانه ( بزرۆکه )	I	واکه ها
-----	ی (کشیده)	ɪ	
-----	ئ	E	
ه	ه	Æ	
ا	ا	A	
و	و	ʊ	
-----	ۆ	O	
و	وو	U	
ب	ب	B	
پ	پ	P	
ت	ت	t	
د	د	d	
ک	ک	K	
گ	گ	g	
ع	ع	ɕ	
ق	ق	q	
غ	غ	ɣ	
ء(همزه)	ء(همزه)	ʔ	
س	س	s	
ش	ش	ʃ	
ز	ز	Z	
ژ	ژ	ʒ	
ف	ف	f	
-----	ڤ	V	

خ	خ	X
ه	ه	H
ح	ح	h
چ	چ	tʃ
ج	ج	dʒ
م	م	M
ن	ن	N
ل	ل	L
-----	ل	l
ر	ر	r
-----	پ	R
و	و	w
ی	ی	J

فدوانامه‌ی کتب

## فهرست مطالب

### فصل اول: کلیات

۱-۱- مقدمه	۳
۱-۲- بیان مساله	۸
۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش	۹
۱-۴- هدف پژوهش	۹
۱-۴-۱- اهداف اصلی	۱۰
۱-۴-۲- اهداف فرعی	۱۰
۱-۵- پرسش و فرضیه‌های پژوهش	۱۰
۱-۶- تعریف چند اصطلاح	۱۱
۱-۷- پیشینه‌ی پژوهش	۱۳
۱-۷-۱- محققان ایرانی	۱۴
۱-۷-۲- محققان غیرایرانی	۱۶
۱-۸- ساختار و روش پژوهش حاضر	۲۱

### فصل دوم: ساخت فعل در فارسی میانه (پهلوی)

۱-۲- مقدمه	۲۴
۲-۲- ماده: مضارع، مجهول، واداری، ماضی	۲۵

- ۲۵.....۱-۲-۲- مادهی مضارع.....
- ۲۶.....۲-۲-۲- مادهی مجهول، مادهی واداری.....
- ۲۷.....۳-۲-۲- مادهی ماضی.....
- ۲۸.....۴-۲-۲- رابطه‌ی میان ماده‌های ماضی و مضارع.....
- ۲۹.....۵-۲-۲- فعل‌های مشتق از مادهی مضارع.....
- ۳۴.....۶-۲-۲- فعل‌های مشتق از مادهی ماضی.....
- ۳۹.....۷-۲-۲- فعل مجهول.....
- ۴۲.....۳-۲- نشانه‌های نهی، نفی، استمرار و تاکید.....
- ۴۳.....۴-۲- مشتق‌های اسمی و صفتی.....
- ۴۳.....۱-۴-۲- از مادهی مضارع.....
- ۴۴.....۲-۴-۲- از مادهی ماضی.....
- ۴۵.....۵-۲- فعل‌های کمکی.....
- ۴۶.....۶-۲- پیشوندهای فعلی.....
- ۴۷.....۷-۲- فعل مرکب.....
- ۴۸.....۸-۲- عبارت فعلی.....

### فصل سوم: ساخت فعل در زبان گُردی گویش سورانی

- ۵۰.....۱-۳- مقدمه.....
- ۵۰.....۲-۳- ویژگی‌های فعل در زبان گُردی سورانی.....



۵۲.....	۳-۳- ماده.....
۵۳.....	۳-۴- مصدر.....
۵۵.....	۳-۵- بن مضارع و ماضی.....
۵۷.....	۳-۵-۱- مادهی مضارع.....
۶۱.....	۳-۵-۲- مادهی ماضی.....
۶۴.....	۳-۶- افعال لازم و متعدی.....
۶۶.....	۳-۷- مجهول.....
۶۷.....	۳-۸- وجه.....
۶۹.....	۳-۹- زمان.....
۷۶.....	۳-۱۰- شمار و شخص.....
۷۷.....	۳-۱۱- شناسه‌ها.....
۷۹.....	۳-۱۲- نشانه‌های نفی و نهی و استمرار.....
۷۹.....	۳-۱۳- افعال کمکی.....
۸۰.....	۳-۱۴- پیشوندهای فعلی.....
۸۳.....	۳-۱۵- فعل مرکب.....
۸۴.....	۳-۱۶- عبارت فعلی.....

#### فصل چهارم: مقایسه

۸۶.....	۴-۱- مقدمه.....
۸۷.....	۴-۲- مقایسه‌ی ماده‌های افعال در فارسی میانه و کردی سورانی.....

۸۷.....	۱-۲-۴- ساختمان مصدر.....
۹۰.....	۲-۲-۴- مادهی مضارع.....
۹۶.....	۳-۲-۴- مادهی ماضی.....
۹۸.....	۴-۲-۴- مادههای واداری.....
۹۹.....	۵-۲-۴- مشتقات مادهی مضارع.....
۱۰۳.....	۶-۲-۴- مشتقات مادهی ماضی.....
۱۱۴.....	۷-۲-۴- ساخت مجهول.....
۱۱۷.....	۳-۴- شناسه‌ها.....
۱۲۰.....	۴-۴- نشانه‌های نهی، نفی، استمرار.....
۱۲۰.....	۵-۴- فعل‌های کمکی.....
۱۲۱.....	۶-۴- پیشوندهای فعلی.....
۱۲۲.....	۷-۴- افعال مرکب.....

### فصل پنجم: نتیجه‌گیری

۱۲۴.....	۱-۵- نتیجه‌گیری.....
----------	----------------------

منابع

## چکیده:

زبان‌های ایرانی از لحاظ زمانی به سه دوره‌ی باستان، میانه و نو تقسیم می‌شود. هر سه دوره نیز به اعتبار جغرافیای گویش‌وران به چهار قسمت شمالی‌غربی و شرقی و جنوبی‌غربی و شرقی تقسیم می‌شود. زبان فارسی میانه ی زردشتی از دسته ی زبان های ایرانی میانه ی جنوبی غربی و گویش های کردی از دسته ی ایرانی نو شمالی غربی به حساب می آیند. دستگاه زبانی هر یک از این دو گونه ی زبانی تا به حال بارها مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است حال آنکه در زمینه ی پژوهش های تطبیقی ما بین نظام زبانی فارسی میانه و گویش های کردی فقدان بسیاری وجود دارد. اثر حاضر به بررسی و نیز مقایسه ی ساختمان فعل در زبان فارسی میانه ی زردشتی و زبان کردی گویش سورانی پرداخت. پس از بیان مقدمات در فصل نخست، در فصل دوم ساختمان فعل در فارسی میانه مورد بررسی قرار گرفت. به منظور انجام این بررسی ابتدا مقولاتی در نظر گرفته شد و ذیل هر مقوله (که در قوام ساختمان فعل مؤثر بودند) بررسی های خاص درون زبانی صورت گرفت. فصل سوم نیز حاوی بررسی نظام فعلی و ساختمان آن در زبان کردی گویش سورانی، با همان اسلوب و شیوه ی فصل گذشته بود. در فصل چهارم بررسی تطبیقی میان این دو گونه ی زبانی انجام شد. این بررسی ابتدا مقولات مختلف بررسی فعل، همچون فصول پیشین فهرست کرد. سپس توضیحات و مثال هایی از دو فصل پیش را ذکر کرده و در نهایت تا جایی که تحقیقات پیشین اجازه می داد، به بررسی ساختمان فعل در هر دو گونه ی زبانی در پرتو زبان ایرانی باستان دست یازید. در بخش نتیجه گیری نیز دوباره پرسش های اصلی مطرح شد و سعی شد تا به گونه ای موجز و مختصر آن چه که در مسیر تحقیق مورد بررسی قرار گرفت و نیز نتایج کار در جدولی معرفی شود.

کلمات کلیدی: فارسی میانه زرتشتی، گویش سورانی، ساخت فعل، مقایسه، زمان، شخص و شمار.

## فصل اول

کلیات

هه و النامه ی کتیب

زبان های ایرانی را بنا بر سنتی زبان شناسانه همواره با دو ملاک کلی تقسیم بندی کرده اند:

نخست ملاک زمانی است. دو مبدأ تاریخی تقریبی وجود دارد که برای ما سه دوره ی زبانی را تشکیل می دهد: نخستین مبدأ سال ۳۳۱ پیش از میلاد مسیح است که در آن سال داریوش سوم هخامنشی به قتل رسید. پیش از قتل او دوران "زبان های ایرانی باستان"<sup>۱</sup> (از حدود ۱۰۰۰ پیش از میلاد مسیح تا تاریخ مذکور) به حساب می آید. دومین مبدأ تاریخی بر تخت نشستن یعقوب لیث صفاری در ۸۶۷ میلادی است. حد فاصل این قتل داریوش سوم در ۳۳۱ پ.م تا سالی که یعقوب لیث صفاری به حکومت رسید یعنی ۸۶۷ م برابر با ۲۵۴ هـ را دوره ی "زبان های ایرانی میانه"<sup>۲</sup> نامیده اند. از بعد از تاریخ اخیر تا دوران ما دوران "زبان های ایرانی نو"<sup>۳</sup> به شمار می رود (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۳۶، ۴۳).

دومین ملاک جغرافیایی است. زبان های ایرانی از منظرگاه جغرافیایی را از دوران باستان به دو گروه شرقی و غربی تقسیم کرده اند. [سرحدات شرقی] «دشت کویر» مرز و محدوده ی جغرافیایی است که زبان های شرق آن را زبان های شرقی و زبان های غرب آن را زبان های غربی نامیدند (ارانسکی<sup>۱</sup>، ۱۳۷۹: ۱۳۷). آنچه را که در آن دوران (دوران باستان) زبان های ایرانی غربی نامیدند را به دو زیرگروه شمالی و جنوبی نیز مجزا کردند. گروه شمالی در غرب عبارت بود از "زبان مادی"<sup>۲</sup> و لهجه های آن و نیز در شرق عبارت بود از «زبان اوستای گاهانی و نیز با اندکی اغماض اوستای نو» (Skjaervo, 2009: 43) و گروه جنوبی عبارت بود از «فارسی باستان» و لهجه های آن علی الظاهر این تقسیم بندی جغرافیایی در هر سه دوره ی زمانی رواج دارد یعنی زبان های ایرانی میانه نیز حائز همین تقسیم بندی اند. همچنین این ملاک شامل زبان های ایرانی نو نیز می شود.

از زبان های «ایرانی باستان» از مادی و سکایی و اوستایی و فارسی باستان اطلاع داریم. از دو زبان نخست تنها پاره ای لغات (دخیل در دو زبان بعدی) و از دو زبان اخیر متونی بر جای مانده است. زبان سکاهای کوچ رو از آسیای میانه به سمت مغرب و همچنین زبان به کاررفته در سروده های گاهان اوستا را در زمره ی زبان های شرقی به حساب می آورند. زبان مادی و نیز زبان اوستای جدید (Skjærvø, 2009: 51) را دارای خصوصیت های شمالی غربی و زبان فارسی باستان را در عداد زبان های ایرانی جنوب شرقی در عصر باستان می دانند (ارانسکی، ۱۳۷۹؛ ۱۳۷؛ اشمیت<sup>۲</sup>، ۱۳۸۷؛ ۶۲)

<sup>۱</sup> I.M.Oranskii

<sup>۲</sup> R.Schmidt

در دوره‌ی میانه نیز فارسی میانه‌ی اشکانی (پارتی) و نیز فارسی میانه‌ی زرتشتی و مانوی در گروه زبان‌های غربی قرار دارند که از آن میان اولی از گونه‌ی شمالی و دومی و سومی از گونه‌ی جنوبی به حساب می‌آیند. (ابوالقاسمی، ۱۳۸۰: ۱۳۲، ۱۳۱؛ ارانسکی، ۱۳۷۹: ۲۱۳؛ Skjærvø, 2009: 196). زبان «فارسی میانه» خود بازمانده‌ی مستقیم «فارسی باستان» است. این زبان از زمان تأسیس دولت ساسانی در قرن ۳ م. در استخر فارس به زبان رسمی تبدیل شد و تا قرون ۹ و ۱۰ م. نیز در مناطقی از ایران و نیز در مجامع زردشتی کماکان رواج داشت. این زبان علاوه بر رسمیت میان زردشتیان، تا قرن ۱۳ م. نیز در میان مانویان واحه‌ی ترکستان چین نیز رواج داشته است. شواهد ما از زبان فارسی میانه در «سنگ نوشته»، «نوشته‌های پهلوی کتابی» و نیز «نوشته‌های مانوی به فارسی میانه» حفظ شده است (زوندرمان<sup>۳</sup>، ۱۳۸۷: ۲۲۳-۲۲۷). نوشته‌های فارسی میانه در طول تاریخ به سه خط فارسی میانه‌ی کتابی، فارسی میانه‌ی کتیبه‌ای و نیز فارسی میانه‌ی مانوی نوشته شده‌اند. خط دوم حاوی املای تاریخی است، یعنی صورت کهن واژه نشان داده می‌شود نه آنچه که لزوماً در زمان کتابت به تلفظ در می‌آمده است. همچنین این خط و «خط فارسی میانه‌ی کتیبه‌ای» حاوی هزوارش هستند، هزوارش‌ها کلمات آرامی کم و بیش متروکی هستند که نوشته می‌شدند اما معادل «فارسی میانه»‌ی همان کلمات به تلفظ در می‌آمد (همان: ۲۲۹). از آنجا که خط پهلوی کتابی از قرن ۳ تا ۱۰ میلادی برای نوشتن آثار دینی زردشتی استفاده می‌شد، به عموم آثاری که با این خط نوشته شده است «ادبیات زردشتی» می‌گویند.

از زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی می‌توان «بلخی»، «سکایی» (ختنی)، «سغدی» و «خوارزمی» را نام برد (ابوالقاسمی، ۱۳۸۰: ۱۳۱-۱۲۶) زبان‌های «سغدی»، «خوارزمی» از زبان‌های شمالی شرقی ایرانی میانه و زبان «سکایی ختنی» از زبان‌های جنوبی شرقی ایرانی میانه است (ارانسکی، ۱۳۷۹: ۲۲۲).

در دوره‌ی ایرانی نو نیز همان تقسیمات جغرافیایی مذکور وجود دارد. زبان‌های قابل ذکر ایرانی نو از دسته‌ی غربی عبارت است از: فارسی (دری)، کردی، تاتی، گیلکی، تالشی، طبری و ... و نیز از دسته‌ی زبان‌های ایرانی نو شرقی می‌توان به پشتو، آسی (آستی)، اورموری، پراچی، یدغه، مونجی و ... اشاره کرد (حسن دوست، ۱۳۸۹: پانزده-بیست و یک).

در دوره‌ی اخیر، کردی در مقام نخست جزئی از خانواده‌ی بزرگ‌تر ایرانی میانه‌ی غربی است و در این خصوصیت با زبان فارسی، گویش‌های ایرانی نو مرکزی، زبان‌های حاشیه‌ی خلیج فارس، گویش‌های لاری و گویش‌های استان فارس، گویش‌های لری سهیم است. (ویندفور<sup>۴</sup>، ۱۳۸۷: ۴۸۷-۴۸۵) البته باید خاطر نشان کرد همانطور که ذکر آن رفت در دوره‌ی نو هم ما شاهد تقسیم‌بندی شمالی و جنوبی نیز هستیم. کردی بنا بر

<sup>3</sup> W.Sundermann

<sup>4</sup> G.Windfuhr

این تقسیم‌بندی اخیر با گویش‌های زازاکی، گورانی، بلوچی، تاتی جنوبی، تالشی، گیلکی و مازنی اشتراک دارد و تمام آن‌ها در زمره ی ایرانی نو شمالی غربی به حساب می آیند. (Windfuhr, 2009: 13-14)؛ ویندفور، ۱۳۸۷: ۷-۴۸۵) گویش‌های جنوبی غربی، مرکزی، حاشیه‌ی دریای خزر و همچنین گویش‌های شمالی شرقی و جنوبی شرقی نیز با زیرگروه‌های گویشی فراوان وجود دارند که برای جلوگیری از اطاله‌ی کلام از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود.

گویش‌های کردی، که همگی ذیل «زبان‌های ایرانی نو» دسته بندی می شوند، به سه دسته ی اصلی تقسیم می شوند:

۱- گروه شمالی که از نظر تعداد گویشور مهم ترین گویش به حساب می آید و خود دارای دو بخش غربی و شرقی است:

۱-۱- گروه غربی شامل گویش‌های موسوم به کرمانجی است که در هفده شهرستان واقع در شرق و جنوب شرقی ترکیه، در جوار مناطق کرد نشین ایران و سوریه رواج دارد. همچنین زبان مهاجران کرد ساکن در شهرهای بزرگ ترکیه وابسته به این گروه است. به این گروه باید گویش‌های کردی رایج در دشت جزیره در شمال شرقی سوریه، ساکنان کرد در اکثر شهرهای بزرگ سوریه را نیز افزود. گویش‌های کردی رایج در آذربایجان غربی ایران، خراسان شمالی، سیستان و بلوچستان و افغانستان نیز با این گروه قرابت بسیار دارد.

امروزه کرمانجی غربی را با الفبایی نزدیک به الفبای لاتین می نویسند که به الفبای «بدرخانی» معروف است زیرا مبدعان این خط دو برادر به نام‌های جلادت و کامران بدرخان بودند که در سال ۱۹۳۰ آن را بنیان گذاشتند. ملا جزری در قرن شانزده و هفده میلادی، فقیه طبران، احمد خانی و اسماعیل بایزیدی، هر سه در قرن هفده میلادی از ادبای مشهور این زبان هستند. نشریه هوار در ده ی سی و چهل قرن بیستم از این زبان با خط ابداعی بدرخانی استفاده می کرد.

۱-۲- گروه شرقی عبارت است از کردی رایج در ماورای قفقاز یعنی در ارمنستان، آذربایجان و گرجستان و نیز در ترکمنستان، قرقیزستان و قزاقستان. گویش دیگری که با این خانواده قرابت دارد گویش بادینانی است که در شمال غربی عراق، موصل و دهوک رایج است. این گویش در کشورهای تحت تأثیر روسیه با الفبای سیریلیک اصلاح شده نوشته می شود. در عراق گویش بادینانی را با الفبایی که اصلاح شده از عربی است می نویسند.

۲- گروه مرکزی گویش‌هایی را در برمی گیرد که در شمال شرقی عراق در شهرهای سلیمانیه، اربیل، کرکوک و خانقین رواج دارد و در آن ناحیه سورانی نامیده می شود. همچنین شامل گویش‌های همسایه اش در

کردستان ایران می شود که به مکرری معروف اند. هم چنین در سمت جنوبی تر استان کردستان گویش سنه ای (سنندجی) را نیز شامل می شود. برای نوشتن این خانواده ی گویشی نیز از الفبای عربی اصلاح شده استفاده می شود. شاعرانی چون نالی در قرن نوزده میلادی و شیخ رضا طالبانی در قرن نوزده و بیست میلادی از شاعرانی بودند که به این زبان می نوشتند. از شاعران جدید نیز می توان به هیمن و شیرکو بیکنس اشاره کرد که به این زبان می نویسند.

۳- گروه جنوبی که از تعداد زیادی گویش های ناهمگون تشکیل شده است که از آن بین می توان به گویش های کرمانشاهی، سنجابی، کلهری، لکی و لری پشتکوه اشاره کرد (بلو، ۱۳۸۷: ۵۴۲-۵۴۴).

یکی از مسائل بسیار پیچیده در مطالعات زبان شناختی گویش های ایرانی نو، که البته کماکان در کانون بررسی ها قرار دارد ارتباط میان دو گویش نزدیک به هم گورانی و زازاکی با خانواده ی زبان کردی است. پیش از هر بررسی باید خاطر نشان کرد که امروزه چنان پیوندهای عمیق فرهنگی، زبانی و قومیتی ای میان کردان و گورانی-زازاکی ها برقرار شده که اگر از یک فرد گورانی-زازاکی هویتش پرسیده شود بلادرنگ او خود را کرد می داند. این ارتباط چنان تنگاتنگ بوده است که بنا بر سنتی رایج در مناطق کردنشین، گویش (یا از منظر آنان زبان) «گورانی» را همواره زیر مجموعه ای از کردی به حساب آورده اند. از کسانی که به این نظر قائل بودند می توان شرف خان بدلیسی (۱۸۶۰: ۱۳)، غلامرضا رشید یاسمی (۱۳۶۹؛ ۱۳۶)، سوآن<sup>۵</sup> (۱۹۱۳؛ Xi) و ... را نام برد. بحث ما در این بخش در واقع تمرکز بر روی زبان این مردم است و به صورت بسیار گذرا از نظرات در باب مسائل نژادی این مردم عبور خواهیم کرد.

در مورد نام گوران (Gūrān/Gōrān) چندین نظر احتمالی وجود دارد:

۱) مینورسکی بین دو صورت مذکور تفاوت قائل می شود. اولی را با آتش پرست یا گبر مرتبط می داند: *gabr-ān > gaurān > gōrān*. و صورت دوم را که نام قبیله ای است این چنین ریشه شناسی می کند: *Gūrān > Gōrān > Gōrakān > \*Gōrakān > \*Gāubārakān > Gaurakān*. او معتقد است بعدها این دو نام به دلیل شباهت در تلفظ با یکدیگر خلط شده اند. هر چند که بعدتر آن را بی ارتباط با نام گیلان هم نمی داند (Minorsky, 1943: 78, 89).

۲) جویس بلو هر دوی این صورت ها را با نام شهر گیلان در ارتباط می داند. یکی از دلایل او در ابراز این نظر، علاوه بر شباهت آوایی دو نام، رواج نام «گیلان» در مناطق گورانی نشین است. او محل ابتدایی زیست اقوام گورانی-زازاکی (که در ترکیه دیملی خوانده می شوند. قس: دیلمی) را اطراف دریای خزر می داند. از نظر او زازاکی ها از مسیر فلات ارمنستان به سمت غرب حرکت کردند حال آنکه گورانی ها به سمت جنوب

<sup>5</sup> E.B. Soane



مهاجرت کردند و در منطقه ی جنوبی<sup>۶</sup> (؟) رشته کوه زاگرس ساکن شدند. و به مرور در موج عظیم زبان و فرهنگ کردی جذب شدند (بلو، ۱۳۷۸: ۵۵۶).

در باب زبان این اقوام نیز دو نظر وجود دارد: عده ای که این زبان را از گویش های کردی و گویش های آن جدا می داند مانند مینورسکی (۱۳۷۹: ۴۷؛ 1943:75) مکزی (1966:7)، ارانسکی (۱۳۷۹:۳۱۱)، بلو (۱۳۸۷: ۵۵۵) و اکثر محققین اروپایی جدید. دسته ی دوم کسانی هستند که این زبان را زیرمجموعه ای از کردی می داند مانند کایا<sup>۷</sup> (2011:4) که یکی از پایه های استدلالش علاوه بر مشترکات فرهنگی و زبانی بی شمار بین کردان و زازاها این است که زازاکی های ترکیه خود را Kirduki می نامند که به معنی کرد است می خوانند.

گوران ها امروزه در شمال شهر کرمانشاه زندگی می کنند. آمار مشخصی از تعداد گویشوران این زبان وجود ندارد. این ناحیه از دامنه ی کوه شاهو تا نزدیک عراق امتداد دارد. مهم ترین شهر این ناحیه، «گهواره» است که در حاشیه ی رود زمکان بنیافته است. گروهی دیگر از گورانی ها در ناحیه ی شرقی تر، در نزدیکی شهر دینور و در روستای کندوله ساکن هستند. اورامانی ها (هه ورامی) نیز گویشی بسیار نزدیک به گورانی دارند. و در دو ناحیه ی اورامان تخت، در نزدیکی مریوان و اورامان لهن، در نزدیکی پاوه و نوسود و در روستای هجیج ساکن هستند. (بلو، ۱۳۸۷: ۵۵۵)

باجلانی ها نیز اقوامی هستند که به گویشی گورانی سخن می گویند که باجروانی، بیجوانی، باجرانی نیز خوانده می شوند. یک شاخه از آن ها در قصرشیرین و سرپل ذهاب و خانقین ساکن اند. بخش دیگری از آن ها در سمت چپ رود دجله و در اطراف موصل قرار دارند (Mckenzie, 1956: 418-19؛ بلو، ۱۳۸۷: ۵۵۶).

در مورد گویش لکی که از دسته ی جنوبی زبان های کردی به حساب می آید باید اشاره کرد که برخی محققین همچون اسماعیل فتاح کماندار این گویش را کردی می داند (44-48, 59-61: 2000) اما آن را دارای خصوصیتی مخصوص به خود مانند استفاده از ارگاتیو به حساب می آورد. «اریک جان آنونی» بر پایه ی مطالعات فتاح و دیگر دانشمندان مانند لازار و امان اللهی تحقیقی را در مورد زبان لکی و جایگاه آن مطرح می کند. پرسش اصلی او این است: آیا گویش لکی را باید کردی به حساب آورد یا لری؟ کردی از خانواده ی ایرانی نو شمالی غربی است و لری از خانواده ی ایرانی نو جنوبی غربی. او ابتدا گویش لکی را به دو دسته ی «پیش کوهی» (رایج در خرم آباد) و «پشت کوهی» (رایج در کرمانشاه، ایلام، همدان و مرکزی)

<sup>۶</sup> احتمالاً باید منظورش زاگرس میانی باشد و نه زاگرس جنوبی. زیرا زاگرس جنوبی تقریباً عبارت است از مناطق لرستان جنوبی و شمال استان فارس.

<sup>۷</sup> M.Kaya

تقسیم می‌کند. سپس با تمرکز بر لکی «پیش کوهی» و با استفاده از چند isogloss فارسی، کردی، لکی پیش کوهی و لری به این نتیجه می‌رسد که باید لکی را از جمله ی گویش‌های کردی جنوبی به حساب آورد (Anonby, 2004-5: 21-7).

تدسکو<sup>۸</sup> (1921:255) و مکنزی (1961b: 81,83) با ملاحظه ی تحول آوایی مشترک  $*-θr- > -s-$ ،  $*dw- > d-$ ،  $*y- > j-$ ،  $*w- > b-/g-$  و نیز برخی مسایل نحوی مشترک به ریشه‌های مشترک میان فارسی، بلوچی و کردی اشاره می‌کند و مکان اولیه ی آن‌ها را جایی در ایران مرکزی بازسازی می‌کنند.

پاول اما در مقاله ای (1998) ایده ی «مرز بندی میان گویش های شمالی غربی و جنوبی غربی» را به چالش می‌کشد و پس از بررسی های آوایی/ واجی و ساختوازی به نتایج زیر می‌رسد:

۱) بررسی آواشناسی تاریخی نشان می‌دهد که زازاکی به همراه گورانی، آذری و طالشی در میان شمالی‌ترین‌های گویش‌های ایرانی نو غربی قرار می‌گیرند، اما در این «شمالی بودگی»، البته اگر شمالی به آنچه از فارسی (جنوبی غربی) متفاوت است تعبیر شود، زازاکی پس از گورانی و آذری قرار می‌گیرد به دلیل تحول  $*y-$  آغازین.

۲) مباحث صرفی حکایت از یک کمربند ایرانی شمالی دارد، گورانی در حاشیه و سمنانی دقیقاً در کانون «شمالی بودگی».

۳) هم مسائل آواشناسی تاریخی و هم مسائل صرفی، کردی و بلوچی (و در درجه‌ای کم‌تر گویش‌های مرکزی که از دو منشأ آبشخور دارند) را از دیگر گویش‌های شمالی غربی مجزا می‌کند. این ویژگی‌ها گورانی را احتمالاً به دلیل تحت تأثیر کردی بودن از «کانون شمالی بودگی» جدا می‌دارد.

او معتقد است حدود ۲۰۰۰ ق.م آباء گویش‌های ایرانی شمالی غربی، جدای از آباء گویش‌های ایرانی جنوبی غربی در فلات ایران از سوی مغرب به مشرق کشیده شده بودند. احتمالاً پیش از هخامنشیان کردان و بلوچان راهشان را به سوی جنوب و جنوب شرقی پی گرفتند. در این عصر هنوز زازاها احتمالاً جایی در حاشیه ی دریای خزر زندگی می‌کرده‌اند. در آغاز حکومت پارتیان، گوران‌ها و زازاها راه مغرب گرفته و در شمال بین‌النهرین و زاگرس میانه سکنی گزیده‌اند. در عصر ساسانی، کردان، زازاها را هرچه بیشتر به شمال و شمال غربی راندند. گوران‌ها نیز تأثیر و تأثری دوجانبه را با گویش‌های کردی آغاز کردند. (همان: ۵-۱۷۴)

<sup>8</sup> P.Tedesco

## ۱-۲- بیان مسأله:

همانگونه که پیشتر به آن اشاره شد، زبان «فارسی میانه» و نیز «گویش های کردی» هر دو مربوط به دسته ی «غربی» زبان های ایرانی هستند که (به ترتیب) یکی مربوط به دوره ی میانه و جنوب و یکی مربوط به دوره ی نو و تا حدی شمالی است. هر چند باید خاطر نشان کرد که عده ای همچون پاول<sup>۹</sup> (۱۹۹۸: ۱۷۴-۵) کردی را شمالی غربی صرف نمی داند و آن را ما بین گویش های شمالی غربی و نیز جنوبی غربی می داند. به هر تقدیر می توان میان گویش های خانواده ی غربی در هر سه دوره ی زمانی مشابهت هایی پیدا کرد زیرا همه ی آنها در خصوصیهایی اعم از آوایی/واجی، صرفی و ساختواژی، نحوی و نیز واژگان شریک هستند. به عنوان مثال در گویش های ایرانی میانه و نو غربی از لحاظ آوایی/واجی سایدگی واج های انسدادی میان واکی، از لحاظ ساختواژی گسترش بیشتر پیشوندها و پسوندها و از لحاظ نحوی از پر رنگ شدن نقش حروف اضافه به منظور پر کردن جایگاه نظام تصریفی جزئی از ویژگی های مشترک است. مسأله ی اصلی این پایان نامه، که بخش های پنج گانه اش بر محور آن شکل یافته است، این است که با مفروض داشتن مقدمات پیشین، مشابهت ها و تفاوت ها میان «ساختمان فعل (از منظر صرف و ساختواژه)» در فارسی میانه ی زردشتی و نیز زبان کردی گویش سورانی (از دسته ی گویش های مرکزی کردی) را بررسی کند.

## ۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش:

همانگونه که پیشتر ذکر آن رفت، زبان های ایرانی میانه و نو غربی مشابهت های بسیاری دارند و از همین روست که آنها را در این گروه دسته بندی کرده اند اما باید پذیرفت که مطالعات زبان شناسانه ی کردی همواره به دلایل مختلف اعم از سیاسی و اجتماعی، به نسبت مطالعات زبان فارسی میانه و نو از غنای کمتری برخوردار بوده است. مطالعات تطبیقی و مقایسه ای میان زبان ها و گویش ها می تواند زبان یا گویشی که کمتر بر روی آن کار شده است (در این جا کردی سورانی) را در پرتو زبان یا گویش شناخته شده تر (در این جا فارسی میانه ی زردشتی) روشن گرداند. بنابر این در مقام بیان اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر می توان نکات زیر را برشمرد:

۱- از جمله نکات پر اهمیت این پژوهش می تواند پر کردن خلأیی بنیادی در مطالعات زبان شناختی زبان کردی گویش سورانی باشد.

۲- می توان اهمیت دیگر این پژوهش را، پرتو انداختن بر حوزه ی مطالعات تطبیقی زبان ها و گویش های ایرانی به حساب آورد.

<sup>۹</sup> L.Paul

#### ۴-۱- هدف پژوهش:

اهداف پژوهش حاضر به دو دسته ی اهداف اصلی و اهداف فرعی تقسیم می شود:

##### ۴-۱-۱- اهداف اصلی:

۱- گردآمدن اطلاعات منسجم ما از تحول ساختواژی فعل در زبان کردی سورانی به روش درزمانی<sup>۱۰</sup>. این نکته به این معنی است که ما می توانیم در پرتو مطالعه ی تطبیقی با زبان فارسی میانه، درکی تاریخی از روند تحول ساختواژی دستگاه فعلی در زبان کردی گویش سورانی به دست آوریم.

۴- روشن شدن نظام فعلی زبان کردی گویش سورانی به روش هم زمانی<sup>۱۱</sup>. در پرتو این مطالعه ی تطبیقی اجزاء نظام فعلی زبان کردی گویش سورانی محرز و مشخص می گردد.

##### ۴-۱-۲- اهداف فرعی:

یکی از اهداف فرعی این پژوهش می تواند مشخص کردن حد فاصل میان زبان های ایرانی شمالی غربی از جنوبی غربی باشد.

#### ۵-۱- پرسش و فرضیه های پژوهش:

همواره در هر پژوهشی میان فرضیه های پژوهش و نیز سوالات آن رابطه ای «یک به یک» وجود دارد. رابطه ی یک به یک به این معنی است که ما مجموعه ای از اطلاعات داریم که مبتنی بر آنها (یا بر بخشی از آن ها) به پرسیدن پرسشی نائل می آییم. پاسخ به آن پرسش مذکور خود می تواند فرضی شود که به نوبه ی خود از آن پرسشی دیگر برخیزد و قس علی هذا.

در پژوهش حاضر نیز این امر وجود دارد که ذیلا به آنها می پردازیم:

۱-الف- پرسش نخست: «ساختمان فعل» از منظر صرف و ساختواژه در فارسی میانه ی زردشتی چگونه است؟

۱-ب- فرض نخست: زبان فارسی میانه ی زردشتی، آن چنانکه در مقدمه ی همین بخش شرح آن گذشت، از زمره ی زبان های ایرانی میانه ی غربی است و نظام فعلی آن برای نشان دادن وجوه، نموده ها و زمان های فعلی از صورت های «ساختواژی» استفاده می کرده است.

<sup>10</sup> diachronic

<sup>11</sup> synchronic

۲-الف- پرسش دوم: «ساختمان فعل» از منظر صرف و ساختواژه در زبان کردی سورانی (از دسته ی گویش های مرکزی کردی) چگونه است؟

۲-ب- فرض دوم: زبان کردی سورانی، آن چنانکه در مقدمه ی همین بخش شرح آن گذشت، از زمره ی گویش های ایرانی نو غربی است و نظام فعلی آن برای نشان دادن وجوه، نمودها و زمان های فعلی از صورت های «ساختواژی» استفاده می کند.

۳-الف- پرسش سوم: «ساختمان فعل» از منظر صرف و ساختواژه در فارسی میانه ی زردشتی و نیز زبان کردی سورانی (از دسته ی گویش های مرکزی کردی) چگونه است؟

۳-ب- فرض سوم: زبان فارسی میانه ی زردشتی و گویش های کردی (در پژوهش حاضر زبان کردی گویش سورانی) هر دو از زمره ی زبان ها و گویش های ایرانی غربی به حساب می آیند بنابراین به منظور ایضاح ساختمان فعل (و یا دیگر وجو زبانی که در این پژوهش مورد نظر نگارنده نیستند) قابلیت بررسی تطبیقی میان آنها وجود دارد.

از پرسش های فرعی اثر حاضر، که همه ذیل پرسش های اصلی و در ضمن آنها روشن خواهند گشت، می توان چند پرسش زیر را عنوان کرد:

۴-الف- صورت های ساختواژی فعل در فارسی میانه ی زردشتی و زبان کردی سورانی برای نشان دادن «وجوه»<sup>۱۲</sup> افعال چگونه اند؟

۵-الف- صورت های ساختواژی فعل در فارسی میانه ی زردشتی و زبان کردی سورانی برای نشان دادن «نمودهای»<sup>۱۳</sup> افعال چگونه اند؟

۶-الف- صورت های ساختواژی فعل در فارسی میانه ی زردشتی و زبان کردی سورانی برای نشان دادن «زمان های»<sup>۱۴</sup> افعال چگونه اند؟

#### ۱-۶- تعریف چند اصطلاح:

<sup>12</sup> modes  
<sup>13</sup> aspects  
<sup>14</sup> tenses

۱-۶-۱- زبان<sup>۱۵</sup>، گویش<sup>۱۶</sup>، لهجه<sup>۱۷</sup> و گونه<sup>۱۸</sup>: این چهار اصطلاح و مرز میانشان کماکان به اجماع یکدستی از سوی پژوهشگران و محققین نرسیده است. بنا بر یک تعریف، شرح این اصطلاحات این گونه است:

۱- زبان: دو گونه‌ی زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل ندارند زبان‌اند.

۲- گویش: دو گونه‌ی زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل دارند اما درعین حال بین آن دو گونه تفاوت‌های آوایی و واجی و واژگانی و یا دستوری مشاهده می‌شود، گویش‌های یک‌زبان‌اند.

۳- لهجه: دو گونه‌ی زبانی که سخنگویان آن دو فهم متقابل دارند اما درعین حال بین آن دو گونه فقط تفاوت‌های آوایی (و واجی) دیده می‌شود لهجه‌های یک‌زبان‌اند.

۴- گونه: اصطلاحی است خنثی که همچنان که در تعریف «زبان»، «گویش» و «لهجه» مشاهده می‌کنیم، می‌توان آن را به‌عنوان اطلاقی کلی به کاربرد.» (دبیر مقدم، ۱۳۸۷: ۱۲۰)

آنچه مشخص است اکثر پژوهشگرانی که به این تقسیم‌بندی دست یازیده‌اند به یک ملاک برای حد میان «زبان» و «گویش» قائل‌اند. این ملاک «فهم متقابل»<sup>۱۹</sup> است. به‌بیان‌دیگر هرگاه دو گونه‌ی زبانی برای دو مخاطب «قابل فهم» باشد، آن دو گونه‌ی زبانی، «گویش»‌هایی از یک زبان مادر به حساب می‌آیند و هرگاه چنین نباشد، هریک از آن‌گونه‌ها مستقلاً یک «زبان» هستند. (Chambers & Trudgill, 2004: 3) اما این ملاک جامع تمام موارد و مانع دخول اغیار نیست. مثال‌هایی از «زبان‌های» دانمارکی و نروژی و سوئدی می‌توان ارائه کرد که افراد هر سه کشور قادر به فهم آن‌اند و از سوی دیگر می‌توان از «گویش‌های» آلمانی جنوبی و شمالی سخن به میان آورد که طرفین «فهمی متقابل» از یکدیگر ندارند. (همان: ۳، ۴) بنابراین برای اینکه گونه‌ی زبانی یک ناحیه «زبان» به حساب آید علاوه بر ملاک‌های زبان شناسانه باید از ملاک‌های «سیاسی، جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی» نیز سخن به میان آورد. به‌بیان‌دیگر «زبان» صرفاً یک مفهوم زبان شناسانه نیست (همان: ۳، ۴).

اگر بخواهیم با ملاک ارائه‌شده، یعنی «فهم متقابل» به این پرسش پاسخ دهیم که «کردی» گویش است یا «زبان» باید این نکته را نیز لحاظ کنیم که امروزه فردی که ساکن مناطق (از لحاظ زبانی) جنوبی کردستان، مانند لکستان پشت کوه است قادر به فهم گونه‌ی زبانی مورد استفاده‌ی ساکنین دیار بکر نیست. کرین بروک در مقام قیاس کردی مرکزی را با کردی شمالی سنجیده است. از منظر او می‌توان گونه‌ی زبانی

<sup>15</sup> language

<sup>16</sup> dialect

<sup>17</sup> accent

<sup>18</sup> variety

<sup>19</sup> Mutual intelligibility

مورداستفاده‌ی مناطق مرکزی را به زبان انگلیسی و گونه‌ی مورداستفاده‌ی ساکنین دیار بکر و مناطق شمالی‌تر را به زبان آلمانی شبیه دانست. گونه‌ی مرکزی دارای جنس (مذکر و مؤنث) و پایانه‌های صرفی نیست اما دومی واجد این خصوصیات است. واژه‌بست‌های ضمیری در کردی گونه‌ی مرکزی نقشی حیاتی ایفا می‌کنند حال‌آنکه در کردی گونه‌ی شمالی چنین نیست (Kreyenbroek, 2000: 55). با توجه به این ملاحظات آیا باید از «زبان» های کردی سخن گفت؟ پاسخ قاطبه‌ی زبان شناسان به این پرسش منفی است. همان‌طور که مطرح شد، برای پاسخ به این پرسش و تعیین مرز میان زبان و گویش باید به نکاتی «غیر زبان شناسانه» نیز توجه کرد. گونه‌ی کردی کماکان در هیچ کشور کاملاً مستقلی به «زبان رسمی» مبدل نشده است. این خود می‌تواند مهم‌ترین عاملی باشد که ما را از استفاده‌ی ترکیب «زبان‌های کردی» بازدارد. از نگاه زبان شناسانه اگر گونه‌ی کردی را در قیاس با گونه‌های هم‌عرضش، یعنی فارسی، آسی، پشتو و ... بنگریم باید از «خانواده‌ی گویش‌های کردی» سخن بگوییم، اصطلاح «خانواده‌ی گویشی» درواقع بر این امر دلالت دارد که گونه‌ی زبانی کردی خود متشکل از شاخه‌ها و زیر شاخه‌هایی است که اگر از منظر صرف زبان شناسانه به آنها نگریسته شود هر کدام از شاخه‌ها باید یک زبان به حساب آیند. اما برای اینکه یک گونه‌ی زبانی، «زبان» شود باید حائز ملاک‌های دیگر نیز باشد که عبارت است از ملاک‌های سیاسی، جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی. پس درواقع ما باید از خانواده‌ی گویش‌های کردی سخن بگوییم. به این خانواده‌ی گویش‌های کردی، مجموعاً عنوان زبان نیز اطلاق می‌شود. یعنی ما زبان کردی داریم با زیرمجموعه‌های گویشی آن، هر گویش خود باز به چندین زیرگویش و لهجه تقسیم می‌شوند.

۱-۶-۲- ساختواژه: ساختواژه را برخی از متقدمین "صرف" نامیده‌اند. "ساختواژه" شاخه‌ای از زبان‌شناسی به حساب می‌آید که به مطالعه‌ی ساختمان درونی کلمات و روابط حاکم بر آنها می‌پردازد (شقایق، ۱۳۹۲: ۹).

۱-۶-۳- بررسی هم‌زمانی و بررسی درزمانی زبان: زبان را می‌توان از دو منظر نگریست. یکی مطالعه‌ی زبان و نظام زبانی در وضعیتی خاص و بدون در نظر گرفتن زمان که به مطالعه‌ی "هم‌زمانی" زبان مشهور است و دیگری بررسی واحد زبان و تحولات آن در طول زمان که موسوم است به مطالعه‌ی "درزمانی" زبان (کالر، ۲۰۱۳: ۳۷).

#### ۱-۷- پیشینه‌ی پژوهش:

موضوع ساختمان فعل در زبان فارسی میانه و نیز کردی، هر کدام به نحو مجزا تا به حال از جانب پژوهشگران بسیاری مورد بررسی قرار گرفته است. اما باید خاطر نشان نمود که تا به حال مقایسه‌ای همه

<sup>20</sup> Jonathan Culler

جانبه میان زبان فارسی میانه و کردی سورانی به عمل نیامده است. ذیلا به تفکیک محققان ایرانی و به ترتیب سال انتشار اثر به بررسی چندین منبع مهم می پردازیم:

#### ۱-۷-۱- محققان ایرانی:

۱- محسن ابوالقاسمی در سال ۱۳۷۵ کتابی را با عنوان «دستور تاریخی زبان فارسی» منتشر کرده است. این اثر که از دوازده بخش تشکیل شده است کوشیده تا تمام موضوعات دستوری و آوایی مربوط به سه دوره ی تاریخی زبان فارسی مطرح کند. در این اثر می توان دستور زبان ایرانی باستان، ایرانی میانه و فارسی نو را یافت. در بخش فارسی میانه، این اثر به بررسی مقولاتی که می توان در باب «فعل» به آن پرداخت را مورد بررسی قرار داده است. فی الواقع «ساختمان» افعال که برای وجوه، نمودها، زمان ها و ... از پیش مألوفند و قرارداد شده اند موضوع بررسی این بخش از این اثر است. این اثر دارای مثال هایی از متون مختلف فارسی میانه (مانوی و زردشتی) است.

۲- یدالله منصوری در سال ۱۳۸۲ مقاله ای را با عنوان «بررسی ساختار فعل های جعلی در فارسی میانه و فارسی دری» منتشر کرده است. موضوع اصلی این مقاله در واقع بررسی ساختمان «فعل های اصلی» و نیز «فعل های موسوم به جعلی» است. مؤلف این دو گونه ماده و مشتقات اسمی، صفتی و قیدی را در زمان های ماضی و مضارع این افعال در دو زبان فارسی میانه و فارسی دری بررسی نموده است. اثر دارای مثال های نسبتا فراوانی است که ذیل هر موضوع آمده است.

۳- یدالله منصوری در سال ۱۳۸۴ کتابی را با عنوان «بررسی ریشه شناختی فعل های زبان پهلوی (فارسی میانه ی زردشتی)» منتشر کرده است. این اثر که در واقع فرهنگ لغتی است از افعال فارسی میانه ی زردشتی دارای مقدمه ای چهل و اندی صفحه ای است که به دو مبحث «ساختار فعل های زبان پهلوی» و «آوا شناسی فعل های زبان پهلوی» پرداخته است. در مبحث نخست که با موضوع کار ما مرتبط است تقریبا می توان گفت تا حدودی از شیوه ی کار «دستور تاریخی زبان فارسی» محسن ابوالقاسمی پیروی نموده است. در این بخش می توان مثال هایی بیشتر از اثر پیشین یافت که همگی مختص به «پهلوی زردشتی» هستند.

۴- ایران کلباسی در سال ۱۳۸۵ کتابی را با عنوان «گوش کردی مهاباد» منتشر کرده است. این اثر متشکل از پنج فصل است. نویسنده در فصل دوم ذیل عنوان «دستور» به بررسی مختصری از ساختمان افعال در



کردی سورانی لهجه ی مه‌باد می پردازد. در فصل پایانی مجموعه ای از مصادر کردی جمع آوری شده که می تواند برای شناخت ماده های افعال و مصادر آنها مفید فایده باشد.

۵- علی رزادی در ۱۳۸۹ کتابی را با عنوان «آواشناسی و دستور زبان کردی» منتشر کرده است. این اثر دارای چهار بخش است. هر بخش دارای چند فصل است. در فصل چهارم از بخش سوم، نویسنده به بررسی دستگاه افعال کردی پرداخته است. این فصل مفصل‌ترین فصل کتاب است و نویسنده تمرکز اصلی خود را بدان معطوف داشته است. وی فعل را از چهار جهت مورد بررسی قرار داده است: زمان، شخص، صورت فعل و جهت فعل. او در این بخش سعی نموده است که تمام ساختهای فعلی موجود در کردی را پوشش دهد و از هر کدام مثالی ارائه نماید. اثر نهایتاً با نمونه هایی از اشعار کردی پایان می یابد.

۶- محمد رحیمی در سال ۱۳۹۰ کتابی را با عنوان «توصیف ساختارهای گویش سورانی زبان کردی» منتشر کرده است. این اثر دارای پنج فصل است. فصل چهارم با عنوان «توصیف و تحلیل داده‌ها» به پنج بخش تقسیم شده است. بخش اول به ساختارهای تصریفی (نشانه‌های صرفی)، بخش دوم به ساختمان واژه، بخش سوم به واژه‌سازی، بخش چهارم به بررسی مقولات دستوری و بخش پنجم به تعیین تکواژها. در بخش اول نویسنده به تحلیل ساختارهای تصریفی (نشانه‌های صرفی)، در بخش دوم ساختار و ساختمان مقولات مختلف واژگانی از جمله اسم، صفت، عدد، قید، فعل/مصدر، ضمیر، حرف اضافه و ربط، نام آوا، نشانه و ادات و ساختار وندها می پردازد. در بخش سوم این فصل واژه‌سازی و فرایندهای آن از قبیل اشتقاق یا وندافزایی و واژه‌سازی به کمک وندها، ترکیب، ترکیب و اشتقاق با هم، وام‌گیری، ترجمه و معادل‌سازی، قیاس، اختصارسازی، سرواژه‌سازی، ابداع، تبدیل یا اشتقاق صفر و تغییر معنایی مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش چهارم نویسنده به مقولات مختلف دستوری و هر کدام بطور جداگانه به لحاظ ویژگی‌ها از جمله نحوی و معنایی پرداخته است. در بخش پنجم واژگان گروه و جمله به تکواژ (عناصر سازنده) تجزیه شده‌اند و در زیر نمودار به صورت جدولی قرار گرفته‌اند.

۷- محمد سینا احمدی اثری را به صورت آنلاین و در اینترنت<sup>۲۱</sup> با عنوان «آموزش زبان کردی، لهجه‌ی کرمانجی وسطی (سورانی)» منتشر کرده است. اثر در مذکور در پنج فصل نوشته شده است. فصل اول را نویسنده تحت عنوان «مروری بر لهجه‌های زبان کردی» آورده که در آن ابتدا به تاثیرات موقعیت جغرافیایی سرزمین کردستان بر گویش‌های زبان کردی اشاره کرده است. بعد از آن به تقسیم‌بندی زبان کردی می‌پردازد و آن را بر چهار بخش کرمانجی شمالی، کرمانجی وسطی، کرمانجی جنوبی و هورامی تقسیم کرده است. بعد از این تقسیم‌بندی هر کدام از چهار گویش مذکور را در چند پاراگراف شرح داده است. نکته‌ی

<sup>۲۱</sup> برای دریافت این اثر به سایت: [www.langtang.blogfa.com](http://www.langtang.blogfa.com) مراجعه شود.

قابل توجه در تقسیم‌بندی احمدی قرار دادن هورامی به عنوان یکی از گویش‌های کردی است که خلاف نظریات جدید در این حوزه است. نویسنده عملاً دلیلی برای این تقسیم‌بندی‌اش به دست نمی‌دهد. فصل دوم با عنوان «الفبا در نظام آوایی زبان کردی» آمده است که شامل چهار درس برای آموزش رسم الخط کردی می‌باشد. این فصل مقدمه‌ای است برای ورود به فصل سوم با عنوان «افعال و صرف آنها در زبان کردی» که خود این فصل به هجده درس در حوزه‌ی فعل و صرف آن در زبان کردی است.

۱-۷-۲- محققان غیر ایرانی:

۱- ل. ا. فوشوم<sup>۲۲</sup> در ۱۹۱۹ کتابی را با عنوان «دستور کاربردی کردی<sup>۲۳</sup>» به زبان انگلیسی منتشر کرده است. کتاب با مقدمه‌ای تشریحی و کوتاه درباره‌ی ملت کرد ریشه‌ی آنها و جایگاه زبان کردی در میان زبانهای ایرانی و همچنین تاریخ مطالعات کردی آغاز می‌شود. کتاب از چهارده بخش تشکیل شده است. بخش اول را نویسنده به معرفی الفبای کردی اختصاص داده است. بخش دوم را نویسنده تحت عنوان اسم‌ها آورده که در آن به چند مقوله‌ی کوتاه اشاره می‌کند. بخش سوم با عنوان صفت‌ها آمده است. بخش چهارم را که تا حدی نسبت به بخش‌های قبلی طولانی‌تر است را نویسنده به ضمائر اختصاص داده است. بخش پنجم تحت عنوان افعال صد و دوازده صفحه از کتاب را شامل می‌شود. نویسنده ذیل شماره‌ی صد و نود و سه خیلی مختصر و در چند خط از تقسیم‌بندی افعال کردی به دو دسته‌ی لازم و متعدی تقسیم می‌کند و هر کدام از آنها را به دو دسته‌ی با قاعده و بی قاعده و در ادامه به ساده و مرکب تقسیم می‌کند. باوجود اینکه این بخش بخش کاملی است اما از ضعف‌ها نیز مبرا نیست. یکی از این ضعف‌ها آوانویسی ناقص واژگان است، همچنین رسم الخط عربی را که کردی بدان نوشته می‌شود به درستی رعایت نکرده است. چیز دیگری که در مثال‌های آورده شده توسط نویسنده به چشم می‌خورد درک ناقص وی از تلفظ درست واژگان بسیار به چشم می‌آید. آنچه می‌تواند با عنوان نقصی دیگر در این کتاب بدان اشاره شود نبود طبقه‌بندی مناسب است، هرچند با توجه به تاریخ تالیف کتاب تا حدی می‌تواند قابل توجیه باشد. با وجود ضعف‌های مذکور کتاب را در مجموع می‌توان به عنوان منبعی در حوزه‌ی دستور کردی استفاده کرد. بخش دیگر را نویسنده به قیدها و انواع آن اختصاص داده است. این بخش نیز با تعریفی از قید و انواع آن آغاز و با مثال‌هایی برای هر بخش به پایان می‌رسد. بخش دیگر به حرف اضافه اختصاص داده شده است. نویسنده معتقد است حروف اضافه‌ی اندکی اصالتاً در خود زبان کردی وجود دارد و بیشتر حروف اضافه‌ی خود را از زبان‌های ترکی، عربی و فارسی قرض گرفته است که این عقیده خالی از اشکال نیست. بخش‌های بعدی را نویسنده به ترتیب به

<sup>22</sup> L.O. Fossum

<sup>23</sup> A Practical Kurdish Grammar

حرف ربط و حالت ندایی اختصاص داده است. در بخش بعدی تحت عنوان واژگان مرکب کردی تعدادی از این واژه‌ها را در لیستی نه چندان منسجم آورده است. بخش بعدی را به املائی صحیح کردی پرداخته است و بعد از آن سالها، فصلها و ماه‌های کردی را و همچنین روزهای هفته را لیست کرده است. بخش‌های مختلف روز را هم و اعضای بدن را آورده است. بعد از این بخش‌ها نویسنده به نحو زبان کردی می‌پردازد که بسیار کوتاه و ناقص آن را بررسی می‌کند. کتاب در نهایت با اشعار، داستان‌های کوتاه و بخشی از انجیل یوحنا و بخشی تحت عنوان فرهنگ لغات پایان می‌یابد.

۲-۱. بلشه<sup>۲۴</sup> در ۱۹۲۳ اثری را با عنوان «مطالعاتی در زبان پهلوی»<sup>۲۵</sup> به زبان فرانسه منتشر کرده است. این اثر در ۲۰۰۵ توسط پرانابش سینها ری<sup>۲۶</sup> به زبان انگلیسی برگردانده شده است. نویسنده بعد از مقدمه به مبحث واژگان دخیل در زبان پهلوی از زبان‌های سامی و بالخص آرامی می‌پردازد. پس از ذکر این مطلب مباحث صرفی و ساختواری شروع می‌شود. صفات، اعداد، ضمائر، افعال و ساختمان آنها، حروف اضافه و ربط و در نهایت قیود موضوعاتی است که این کتاب به آنها پرداخته است. اثر فصل بندی مشخص و واضحی ندارد و این یکی از نقایص آن به شمار می‌آید. از جمله ی نقاط قوت اثر می‌توان به بررسی ریشه شناسانه ی برخی لغات و همچنین آوردن صورت‌های فارسی نو کلمات و نیز صورت‌های عبری، آرامی و نیز عربی برخی واژگان است. این اثر و ساختمان و نوع رویکرد آن به زبان فارسی میانه اندکی قدیمی است و امروزه آثار جدیدتر برخی از رویکردهای مصنف آن را قبول ندارند.

۳- ارنست مک کاروس<sup>۲۷</sup> در ۱۹۵۸ اثری را با عنوان «دستور زبان کردی»<sup>۲۸</sup> به زبان انگلیسی منتشر کرده است. این کتاب یکی از منابع قدیمی و معتبر در حوزه ی دستور زبان کردی به شمار می‌آید که شامل پنج بخش است. همانگونه که معمول است بخش اول کتاب را به عنوان پیشگفتار، به معرفی حوزه ی تحقیق، جایگاه زبان کردی در میان زبان‌های ایرانی و بعد توضیحی درباره ی داده‌های زبانی مورد استفاده در کتاب، پیشینه ی تحقیق، شیوه‌های املائی صحیح با آوردن جدول‌هایی در این باره می‌پردازد. در بخش دوم تحت عنوان واج‌شناسی نویسنده به توصیف و تحلیل همخوان‌ها و واکه‌های کردی با معادل بدست داده شده توسط اسکار مان<sup>۲۹</sup> می‌پردازد. بعد از آن برای هر همخوان و واکه‌ای چندین واژه ی کردی بدست می‌دهد. در نهایت سیستمی برای این صداها و ترتیب آنها در زبان کردی گویش سورانی بدست می‌دهد. بخش سوم تحت عنوان صرف مورد بررسی نویسنده قرار می‌گیرد. ابتدا به تحلیل و توصیف اسم و مقولات مرتبط بدان

<sup>24</sup> E.Blochet

<sup>25</sup> Études De Grammaire Pehlive...

<sup>26</sup> Pranabesh Sinha Roy

<sup>27</sup> Ernest McCarus

<sup>28</sup> A Kurdish Grammar

<sup>29</sup> Oscar Mann

می‌پردازد. برای هر بخش به اندازه‌ی کافی مثال می‌آورد و به توصیف و تحلیل هر بخش می‌پردازد. در همین بخش ذیل عنوان فعل، فعل را از لحاظ شخص، شمار، وجه، متعدی و گذرا، زمان، حال و جهت بررسی می‌کند. این کتاب هرچند از لحاظ نظم به نسبت دوره‌ی تالیف دارای انسجام است اما در کل خالی از اشکال نیست. یکی آنکه مطالب به حدی بر روی هم تلمبار شده‌اند که خواندن آنرا مشکل ساخته است. نبود جداول مناسب نیز بر این مشکل افزوده است. همچنین سیستم واج‌نویسی مورد استفاده‌ی نویسنده نتوانسته است به تمامی تلفظ دقیق واژگان را مشخص سازد. این مساله بر کیفیت تحلیل مک‌کاروس تاثیر منفی داشته است. آنچه بر این مشکل افزوده کیفیت بسیار پایین چاپ کتاب است. بخش بعدی با عنوان نحو آمده است. این بخش نیز از مشکلات ذکر شده مبرا نیست. در نهایت نویسنده در بخشی تحت عنوان ضمیمه چند حکایت را به عنوان نمونه متن همرا با واج‌نویسی طراحی شده توسط اسکار مان و ترجمه‌ای آزاد از هر کدام بدست داده است. در نهایت منابع مورد استفاده‌ی خود را در کتاب و واژه‌نامه‌ای به کتاب افزوده است.

۴- دیوید نایل مکنزی<sup>۳۰</sup> در ۲-۱۹۶۱ کتابی در دو مجلد را با عنوان «مطالعات گویش‌های کردی<sup>۳۱</sup>» به زبان انگلیسی منتشر کرده است. به منظور تألیف این اثر، که علی‌الظاهر رساله‌ی دانشگاهی بوده است، نویسنده خودبه‌کردستان سفر کرده و داده‌هایش را خود جمع‌آوری نموده است. این مسئله بر کیفیت کارش افزوده است و البته کتاب را به عنوان یک کار میدانی-کتابخانه‌ای معتبر شناسانده است. جلد اول کتاب به دستور زبان کردی و گویش‌های آن می‌پردازد که البته تأکید اصلی نویسنده بر گویش سورانی است و در جلد دوم مجموعه‌ی غنی‌ای از متون کردی را فراهم آورده است. جلد اول کتاب با یک مقدمه‌ی کوتاه آغاز می‌شود. توضیحی مختصر درباره‌ی گویش‌های کردی و ذکر پیشینه‌ی مطالعات در گویش‌های کردی. بعد از آن علامات اختصاری کتاب لیست شده و بعد منابعی که نویسنده برای کتابش از آن‌ها بهره برده است. در دو صفحه‌ی بعد از منابع، نویسنده دو نقشه از موقعیت جغرافیایی کردستان را آورده و مناطق مورد پژوهشش را در این دو نقشه مشخص ساخته است. بعد از آن مقدمه‌ی مفصل درباره‌ی شیوه‌ی پژوهش نویسنده و محدودیت‌های راهش و اشاره‌ای به آثار پیشینی که در این حوزه به چاپ رسیده است می‌آید. بعد از این مقدمات، وارد تنه‌ی اصلی کتاب می‌شویم که از چهار بخش تشکیل شده است. بخش اول تحت عنوان واج-شناسی است. نویسنده در این بخش به معرفی همخوان‌ها و واژه‌های زبان کردی و در بخش‌هایی تحت عنوان گویش‌های گروه ۱، به گویش‌های سلیمانیه، گویش ورموا، گویش‌ها بنگردی و پژدری، گویش مُکری، گویش اربیل، گویش سورچی و در گویش‌های گروه ۲ به گویش آکری، گویش‌های شیخان و دهوک، گویش‌های آمِد(دیاربکر) و زاخو، گویش‌های حکاری و بوتان، گویش بتلیس، گویش ایروان می‌پردازد. همه‌ی این بررسی‌ها با هدف روشن شدن دقیق‌تر آواهای زبان کردی سورانی انجام شده است. در بخش دوم و سوم

<sup>30</sup> David Neil Mackenzie

<sup>31</sup> Kurdish Dialect Studies

نویسنده به مقوله‌ی صرف و ساختواژه می‌پردازد. مکنزی در بخش اول ساخت اسم را در گویش‌های سلیمانیه، ورموا، بنگرد، پژدر، مِکری، اربیل، رواندز و خوشناو بررسی می‌کند و در همین بخش (صرف)، به بررسی افعال در این گویش‌ها می‌پردازد. و در بخش دوم ساخت اسم را در گویش‌های سورچی، آکری، آمدی (دیاربکری)، بروار ژوور (علیا)، گولی، زاخو و شیخان مورد کنکاش قرار می‌دهد. در قسمت افعال هم به بررسی گویش‌های اخیر می‌پردازد. به گونه‌ای که مشخصا گروه گویش‌های موسوم به سورانی را از گروه گویش‌های معروف به کرمانجی جدا می‌کند. این بخش هم مانند دیگر بخش‌های کتاب از انسجام خوبی برخوردار است و اینکه نویسنده به صورت تطبیقی و در زیر بخش‌های کاملا مشابهی به بررسی دو دسته‌ی گویش‌های کردی می‌پردازد، بر کیفیت کارش افزوده است. بخش افعال را نویسنده با دادن خلاصه و جداول بیشتر نظام بخشیده است. نویسنده در بخش چهارم به دسته‌بندی گویش‌های کردی پرداخته است و آنچه که خود بدان رسیده را بیان می‌کند. بعد از بخش چهارم با ضمیمه‌ای تحت عنوان فهرست افعال، کتاب کامل‌تر می‌شود. این فهرست فهرستی است از افعال رسته گویش‌های مذکور. مجلد نخست کتاب با فهرست مطالب به پایان می‌رسد. جلد دوم این مجموعه‌ی دو جلدی مجموعه متن‌هایی است که مکنزی در راستای پژوهشش از گویش‌های مورد بررسی در جلد اول گردآورده است.

۵- و.س راستار گویوا<sup>۳۲</sup> در ۱۹۶۶ کتابی را با عنوان «دستور زبان فارسی میانه»<sup>۳۳</sup> به زبان روسی منتشر کرده است. این اثر در ۱۳۴۷ توسط ولی‌الله شادان به فارسی برگردانده شده است. کتاب به دو مبحث صرف و نحو پرداخته است. در بخش صرف، مؤلف کوشیده تا با ذکر مثال‌های مختلف، ادعاهای خود در باب مسائل ساختواژی را تأیید و تثبیت کند. این اثر یکی از منابع بسیار مهم در رساله‌ی پیش رو خواهد بود زیرا آثاری که منحصرا مبحث ساختواژه و صرف فعل را در زبان فارسی میانه مورد بررسی قرار داده باشند بسیار نیستند. البته باید خاطر نشان کرد که کتاب عموما مبتنی بر اثر فارسی میانه‌ی «نامه‌ی اردشیر بابکان» است که این محتملا ضعیفی برای اثر مذکور است زیرا «نامه‌ی اردشیر بابکان» جزء متون متأخر پهلوی است و گاهی دستور زبان فارسی میانه در آن «به طور کامل و منسجم رعایت نشده است».

۶- و. م. تاکستون در ۲۰۰۶ کتابی را با عنوان «کردی سورانی، دستور زبان مرجع به همراه متون منتخب»<sup>۳۴</sup> به زبان انگلیسی منتشر کرده است. این کتاب در مجموع شامل یک مقدمه و سه بخش است. نویسنده در مقدمه‌ی کتاب به معرفی زبان کردی و جایگاه آن در میان زبان‌های ایرانی پرداخته است و بعد از آن مشخصا به جایگاه گویش سورانی در میان مجموعه گویش‌های کردی و مناطقی که بدین گویش سخن گفته می‌شود، می‌پردازد. و بعد از آن توضیح می‌دهد که برای بررسی دقیق‌تر در حوزه‌ی گویش

<sup>32</sup> Vera Sergeevna Rastorgueva

<sup>33</sup> Среднеперсидский язык

<sup>34</sup> Sorani Kurdish- a Reference Grammar with Selected Readings

سورانی زبان کردی حدود چهار هزار واژه را از میان منابعی همچون فرهنگ کردی-فارسی هه‌نبانه‌بۆرینه ی هه‌ژار، فرهنگ کردی-انگلیسی گویش سلیمانیه‌ی ارنست مک‌کاروس و فرهنگ لغت کردی-انگلیسی شاره‌زور اثر شفیع قزاز و همچنین فرهنگی تحت عنوان فرهنگ زاراه‌ی زانستی از مصطفی سلیمان و فرهنگ آنلاین سورانی‌ای که در سایت [www.mamonet.com](http://www.mamonet.com) بهره‌جسته است. نویسنده در بخش اول کتابش به واج‌شناسی زبان کردی بصورت اجمالی و با بهره‌گیری از شیوه‌ی آوانویسی IPA می‌پردازد. در بخش همخوان‌ها نویسنده با دقت زیادی و با بهره‌گرفتن از رسم الخط عربی، لاتین و IPA به بررسی همخوان‌های کردی سورانی پرداخته است. تکستون همین شیوه را برای معرفی واژه‌ها و سیستم نوشتاری کردی سورانی به‌کار می‌گیرد. بعد از آن نویسنده در بخشی دیگر بحث درباره‌ی دستور زبان کردی را پیش می‌کشد. در این بخش نیز از همان شیوه‌های مذکور برای تلفظ دقیق‌تر گویش سورانی بهره‌برده است. اما آنچه بررسی‌اش را دچار مشکل ساخته این است که نویسنده دقیقاً مشخص نساخته که می‌خواهد دستور زبان کردی سورانی کدام بخش از کردستان را مورد بررسی قرار دهد. همین مسئله او را مجبور ساخته که بسیار کلی از افعال و ساخت آن سخن بگوید و مطلقاً وارد جزئیات این بررسی نمی‌شود. هرچند این بخش به تمام جنبه‌های دستوری زبان کردی می‌پردازد اما موجز بودن مباحث کاملاً به چشم می‌آید. تکستون در پایان این بخش مقدمه‌ای را با آوردن جدولی از الفباهای گویش سورانی با دو رسم الخط لاتین و عربی و همچنین گویش کرمانجی با الفبای لاتین برای ورود به بخش بعدی کتابش فراهم می‌کند.

در بخش بعدی وی سیزده متن را از (۱) گۆفاری سروه، "په‌ندی پینشینان" (۲) محمهد رهمه‌زانی، "خویک و سیکه‌توره" (۳) محمهد حوسین پاسیار، "ریوی ته‌مهل" (۴) ئهنوهر ره‌وشهن، "بولبول و ئیواره‌ی ماتهم" (۵) جه‌لال مه‌له‌کشنا، "گاشه‌به‌رد" (۶) یوسف بابه‌گری، "باسی ئه‌ده‌بی: په‌خشان" (۷) فه‌هاد شاکه‌لی، "ته‌رم" (۸) محمهد حه‌مه‌سالح توفیق، "پاشای حه‌وت کوره" (۹) محمهد حه‌مه‌سالح توفیق، "ئه‌حمهد پاشا" (۱۰) هه‌ژار، "من و مه‌م و زینی خانی" (۱۱) کوردسات (۱۲) خه‌بات (۱۳) نیچیرقان بارزانی بو The New Anatolian. فراهم آورده که اساس کتابش بر آنچه او از این منابع استخراج کرده، استوار است. در نهایت تکستون واژه‌نامه‌ای در پایان کتاب می‌آورد که کار او را تکمیل می‌کند.

۷- دزموند دورکین-مایسترارنست<sup>۳۵</sup> در ۲۰۱۴ کتابی را با عنوان «دستور زبان ایرانی میانه‌ی غربی (پارتی و فارسی میانه)»<sup>۳۶</sup> به زبان آلمانی منتشر کرده است. این اثر حجیم که رساله‌ی استادی مؤلف بوده است از پنج بخش تشکیل یافته است. نخست مقدمه، دوم خط، سوم آواشناسی، چهارم صرف و پنجم نحو. در بخش صرف یا ساختواژه، یعنی بخش چهارم مؤلف به بررسی مشتقات و پیشوند و پسوندها و اسامی و صفات

<sup>35</sup> Desmond Durkin-Meisterernst

<sup>36</sup> Grammatik des Westmitteliranischen (Partich und Mittelpersisch)

مرکب، ضمائر و افعال پرداخته است. مؤلف در این اثر مثال های بسیاری را برای تأیید نظریات خود به کار برده است. این اثر تا به امروز روزآمد ترین اثری است که در حوزه ی دستور زبان های ایرانی میانه به رشته ی تحریر درآمده است. در پایان اثر سه ضمیمه و کتابشناسی بسیار کاملی آمده که ارزش اثر را بسیار بیشتر کرده است.

#### ۱-۸- ساختار و روش پژوهش حاضر:

روش پژوهش اثر حاضر کتابخانه ای است. کتابخانه ای بودن به این معناست که منابع ما تماماً متکی است بر داده هایی که از کتب و آثار محققان پیشین استفاده شده است و در نهایت ما داده ها را در چهارچوبی که فراهم آورده ایم قرار خواهیم داد و نتیجه ی خودمان را خواهیم گرفت.

اثر پیش رو حائز پنج بخش اصلی است. بخش نخست به مقدمات اختصاص یافته است. در این بخش ابتدا مقدماتی ذکر شد و سپس بر پایه ی آنها مسأله و موضوع تحقیق حاضر بیان شد. سپس پرسش ها و فرضیات تحقیق، اهداف و ضرورت های تحقیق بیان شد. در قسمت بعد چند مفهوم کلیدی تعریف شد. ضرورت تعریف این مفاهیم کلیدی از آنجاست که بنیان های تحقیق حاضر بر آنها بنا شده است و تا آنها روشن نگردند نمی توان درکی روشن و واضح از موضوعاتی که در فصول بعدی ذکر خواهند شد به دست آورد. سپس پیشینه ی پژوهش هایی که موضوعاتی نزدیک به موضوع حاضر دارند ذکر شد. از میان آثار پژوهشگران ایرانی هفت اثر و از میان پژوهشگران غیرایرانی هفت اثر برگزیده شد و به صورت اجمالی معرفی گشت. سپس در مبحث پیش رو ساختمان پژوهش معرفی خواهد شد و روش شناسی کار مشخص خواهد گشت.

نگارنده در بخش دوم به بررسی ساختمان فعل در زبان فارسی میانه ی زردشتی خواهد پرداخت. چهارچوب اثر اینگونه است که ابتدا مقولاتی که فعل در فارسی میانه ی زردشتی حائز آنهاست فهرست خواهد شد. به عنوان مثال مقولات: ماده، باب، وجه، زمان، شمار، شخص و ... فهرست خواهند شد. سپس ذیل هر کدام از این مقولات توضیحات به همراه مثال های متعدد خواهد آمد. مثال های فارسی میانه از دو منبع خواهند بود: نخست از فرهنگ ها و کتب دستور فارسی میانه و دوم از آثار فارسی میانه ای همچون نامه ی اردشیر بابکان، بندهش، زند بهمن یسن و ...

بخش سوم اثر به بررسی ساختمان فعل در زبان کردی گویش سورانی اختصاص خواهد داشت. روش پژوهش و تجزیه و تحلیل داده ها در این بخش نیز همچون بخش پیشین خواهد بود. یعنی مقولاتی که بررسی فعل در آنها جای خواهد گرفت فهرست خواهند شد. سپس ذیل هر مقوله با مثال های متعدد توضیحات خواهند

آمد. منبع مثال‌ها نیز در این بخش عبارتند از: نخست کتب دستور و فرهنگ‌های لغات و دوم زبان‌گفتار و نوشتار روزمره‌ی مردمان کرد سوران‌زبان.

در بخش چهارم که می‌توان آن را مهم‌ترین بخش اثر خواند مقایسه‌ای میان دو نظام فلی فارسی میانه و کردی سورانی به عمل خواهد آمد. مقولات افعال فهرست خواهند شد. سپس ذیل هر مقوله بررسی خواهد شد که هر کدام از دو زبان فارسی میانه و کردی برای نشان دادن «مفهوم»<sup>۳۷</sup> آن مقوله از «چه» ساختمانی استفاده کرده‌اند و «چگونه» آن را نشان داده‌اند.

بخش پایانی به نتیجه‌گیری مختص خواهد بود. در این بخش نتایج حاصل از بررسی و مقایسه‌ی دو نظام ساختوازی افعال در زبان فارسی میانه‌ی زردشتی و زبان کردی سورانی بیان خواهد شد و نکات نهایی ذکر خواهد گشت.

در پایان نیز فهرستی از منابع و مآخذ به کار رفته در این رساله به دست داده خواهد شد.

---

<sup>37</sup> sense



## فصل دوم

ساخت فعل در فارسی میانه (پهلوی)

نظام فعلی در زبان فارسی میانه ی زردشتی(=پهلوی) تحول یافته ی نظام فعلی ایرانی باستان و بالاخص فارسی باستان است.

مقولات مورد بررسی در مورد فعل در فارسی میانه ی زردشتی:

- ماده: مضارع، مجهول، واداری، ماضی
- باب: گذرا، ناگذر، مجهول. باب های گذرا و ناگذر ایرانی باستان به فارسی میانه نرسیده است.
- وجه: اخباری، امری، التزامی، تمنایی
- زمان: مضارع ساده، مضارع استمراری، ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی نقلی، ماضی بعید، آینده
- شمار، مفرد و جمع
- شخص: اول و دوم و سوم
- شناسه: شناسه های خاص فعل مضارع، شناسه های خاص فعل امر، شناسه های خاص فعل التزامی، شناسه ی خاص فعل تمنایی
- نشانه های نهی، نفی، استمرار و تأکید
- مشتق های اسمی و صفتی
- فعل های کمکی
- پیشوندهای فعلی
- فعل مرکب
- عبارت فعلی

(حق شناس و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۱-۹۵؛ احمدی گیوی، ۱۳۸۰، دو جلد)

در صفحات پیش رو به علت در هم تنیدگی هفت مورد اول از مقولات بالا، با هم ذکر می شوند و از مقوله ی « نشانه های نهی، نفی، استمرار و تأکید» به بعد، هر مقوله در مقام یک سر فصل بررسی خواهد شد.

۲-۲- ماده: مضارع ، آغازی، مجهول، واداری، ماضی:

۲-۲-۱- ماده‌ی مضارع:

همه ی ماده های مضارع، واداری، و آغازی ایرانی باستان در فارسی میانه<sup>۳۸</sup> در قالب «ماده‌ی مضارع» متبلور شده اند:

• ماده‌ی مضارع ایرانی باستان:

ساخت ماده مضارع ایران باستان از ریشه فعل+پسوندهای ماده ساز ساخته می شود

مثال:

فارسی باستان: <gaub-a- < فارسی میانه: <gō(w)- «گفتن»

اوستایی: <pā-ya- < فارسی میانه: <pāy- «پاییدن»

اوستایی: <stāv-aya- < فارسی میانه: <stay- «ستودن»

اوستایی: <jan- < فارسی میانه: <zan- «زدن»

ایرانی باستان: <\*abi-hištā- (ماده‌ی مضاعف از ریشه ی <\*stā- < فارسی میانه: <ēst «ایستادن»

اوستایی: <\*su-n-b- < فارسی میانه: <sumb- «سفتن»

اوستایی: <vərə-nao- < فارسی میانه: <wurrōy- «گرویدن»

اوستایی: <ā-frī-nā- (حسن دوست (۱۳۹۳: ۹۰) آن را از صورت <ā-brī-nā می داند) < فارسی میانه:

<āfrīn-/āfur- «آفریدن»

اوستایی: <tan-u- < فارسی میانه: <tan- «تنیدن»

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۹-۱۶۸)

• ماده‌ی واداری ایرانی باستان:

<sup>۳۸</sup> از این پس هر جا «فارسی میانه» می آید مراد «فارسی میانه ی زردشتی» است.

بازمانده های مادهی واداری در فارسی میانه همواره به صورت فعل متعدی به کار می روند.

اوستایی: *tāb-aya-* «گرم کردن، روشن کردن» < فارسی میانه: *tāb-* «تافتن، سوزاندن؛ درخشیدن»

• مادهی آغازی ایرانی باستان:

در فارسی میانه، بازمانده های مادهی آغازی ایرانی باستان از نظر معنی فرقی با بازمانده های غیر آغازی ندارند:

ایرانی باستان: *\*hwap-s-a-* < فارسی میانه: *xwafs-* «خفتن» (از لحاظ معنایی هیچ تفاوتی با کلمه ی به جای مانده از مادهی غیر آغازی *xwāb-* ندارد) (همان: ۱-۱۷۰)

در فارسی میانه علاوه بر ساخت معمول مادهی مضارع، ساخت های دیگری نیز وجود دارد که آن ها را ساخت «جعلی» می نامند

• مادهی مضارع جعلی:

مادهی جعلی به دو طریق ساخته می شود:

۱- اسم، بدون هیچ ملحقات دستوری، به عنوان مادهی مضارع به کار می رود:

*kām* «کام»؛ اسم است و به عنوان مادهی مضارع جعلی نیز به کار برده می شده است.

۲- به پایان اسم و صفت و حروف اضافه و غیره *-ēn* افزوده می شود. مادهی مضارعی که از این

طریق ساخته می شود «گذرا» است:

*rawāg-ēn-ēd* «رواج می دهد»

*abāg-ēn-ēd* «همراهی می کند»

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۸: ۴۹؛ منصور، ۱۳۸۲: ۱۴-۱۱۱؛ ۱۳۸۴: هجده-بیست)

## ۲-۲-۲- مادهی مجهول، واداری:

در فارسی میانه هر سه مادهی مجهول، واداری و جعلی مشتقی از مادهی مضارع به شمار می آیند. به عبارت دیگر هر سه ی این ماده ها از مادهی مضارع ساخته می شوند.

• مادهی مجهول:

از مادهی مضارع با -īh- جانشین -ya- ایرانی باستان ساخته می شود:

wēn-īh-ēd «دیده می شود»

• مادهی واداری:

از مادهی مضارع با -ēn- ساخته می شود:

raw-ēn-ēd «روانه می کند»

(آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۸۱-۸۰)

## ۲-۲-۳- مادهی ماضی:

صفت های فاعلی و مفعولی (به ترتیب از ماده های ناگذر و گذرا) گذشته را در ایرانی باستان از درجه ی ضعیف ریشه با اضافه کردن پسوند -ta- می ساخته اند. در فارسی میانه، بازمانده ی صفت های فاعلی و مفعولی گذشته ی ایرانی باستان را مادهی ماضی به حساب آورده اند. این ساخت معمول ماده های ماضی در فارسی میانه است:

اوستایی: bərə-ta- < فارسی میانه: burd- «برد»

در فارسی میانه علاوه بر ساخت معمول ماده های ماضی، که بازماندگان صفت های فاعلی و مفعولی گذشته در ایرانی باستان اند، می توان ماده های ماضی دیگری نیز ساخت که به مادهی ماضی «جعلی» موسوم اند:

• ماده های ماضی جعلی:

در فارسی میانه ماده های ماضی جعلی با -ist- و -īd- ساخته می شوند. ماده های ماضی ماده های مضارع جعلی، ماده های واداری، ماده های مجهول، بازمانده های افعال آغازی ایرانی باستان و نیز برخی از ماده های

مضارع معمول، همه، جعلی هستند. هر ماده‌ی مضارع علاوه بر ماده‌ی ماضی اصلی و معمول می‌تواند یک ماده‌ی ماضی جعلی نیز داشته باشد:

۱- ماده‌ی ماضی جعلی از ماده‌ی مضارع جعلی:

kām-ist «کامست(ماده‌ی ماضی کامستن)»

۲- ماده‌ی ماضی جعلی از ماده‌ی مضارع واداری جعلی:

rāy-ēn-īd «انجام داد»

۳- ماده‌ی ماضی جعلی از ماده‌ی مضارع مجهول:

xwān-īh-ist «خوانده شد»

۴- ماده‌ی ماضی جعلی از ماده‌ی مضارعی که بازمانده‌ی ماده‌ی آغازی ایرانی باستان اند:

ras-īd «رسید»

۵- ماده‌ی مضارعی که ماده‌ی ماضی آن‌ها جعلی است:

abāy-ist «بایست»

dān-ist «دانست»

šāy-ist «شایست»

tāš-ist «ساخت»

tuxš-ist «تخشید(کوشید)»

tuwān-ist «توانست»

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۷۲-۱۷۰؛ منصوری، ۱۳۸۲: ۱۸-۱۱۴؛ ۱۳۸۴: بیست و دو-بیست و شش؛  
(Skajervo, 2004: 46-7).

## ۲-۲-۴- رابطه ی میان ماده های ماضی و مضارع

در زبان فارسی میانه ماده های ماضی و مضارع همه ی افعال، به جز چند فعل که بعدتر خواهد آمد، از یک ریشه اند و در اثر ساخت های مختلف در دوره ی ایرانی باستان و تحولات آوایی رابطه ی دستوری میان آن ها از بین رفته است و به همین دلیل رابطه ی میان این دو ماده رابطه ای «سماعی» یا «شنیداری» است و نیاز به حفظ کردن دارد. سماعی بودن به این معناست که نمی توان فرمول و قاعده و قانون ساختی واحدی را معرفی کرد که رابطه ی همه ی ماده های ماضی و مضارع بر آن مبتنی باشد بلکه باید این ماده ها را در متنی دید (و یا مجازاً «شنید») تا به ماهیت آن ها پی برد:

ریشه	صورت باستانی	ماده ی مضارع	صورت باستانی	ماده ی ماضی
gaub-	gaub-a-	گو،gō(w)-	gub-ta-	گفت،guft-
kay-/čay-	čī-nau-	چین،čīn-	čī-ta-	چید،čīd-

ماده های ماضی و مضارع چند فعل زیر همانگونه که پیشتر ذکر آن ها رفت و بر خلاف عمده ی افعال فارسی میانه، از دو ریشه ی متفاوت ساخته شده اند:

ریشه	صورت باستانی	ماده ی مضارع	ریشه	صورت باستانی	ماده ی ماضی
ay-	ā-ay-	āy-	gam-	ā-gma-ta-	āmad-
ah-	h-	h-	bav-	bū-ta-	bud-
vay-	vai-na-	wēn-	day-	dī-ta-	dīd-

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۷۳-۱۷۲؛ Skaejervo, 2004: 56).

## ۲-۲-۵- فعل های مشتق از ماده ی مضارع

- مضارع اخباری:

برای ساختن مضارع اخباری، شناسه های خاص مضارع اخباری به ماده ی مضارع افزوده می شود:

	مفرد		جمع	
۱	raw- ēm/om/am <sup>۳۹</sup>	می روم	raw-ēm/om/am	می رویم
۲	raw-ē(h)	می روی	raw-ēd	می روید
۳	raw-ēd	می رود	raw-ēnd/and	می روم

(آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۴).

• شناسه‌های فعل مضارع اخباری:

شناسه‌های ماضی اخباری بازمانده ی شناسه‌های خاص فعل مضارع گذرای ایران باستانند؛ فعل مضارعی که از ماده‌ی -aya- دارساخته شده است. در جدول زیر صورت های باستانی هر شناسه روبروی آن خواهد آمد:

صورت های باستانی شناسه‌ها	شناسه‌های فارسی میانه	
-ayā-mi	-ēm	۱ مفرد
-aya-hi	-ē(h)	۲ مفرد
-aya-ti	-ēd	۳ مفرد
-ayā-mahi	-ēm	۱ جمع
-aya-ta	-ēd	۲ جمع
-aya-nti	-ēnd	۳ جمع

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۷۴؛ 68; Skajervo, 2004; Blochet, 2005: 111).

<sup>۳۹</sup> شناسه های -om و -am (اول شخص جمع مفرد) در متون پهلوی زردشتی، صورت های متأخر هستند.



• مضارع التزامی:

برای ساختن مضارع التزامی، شناسه‌های مضارع التزامی به ماده‌ی مضارع افزوده می‌شوند:

		مفرد		جمع	
۱	(raw-ān)	بروم	(raw-ām)	برویم	
۲	(raw-āy)	بروی	(raw-ād)	بروید	
۳	raw-ād	برود	raw-ānd	بروند	

در متون پهلوی تنها صیغه‌های سوم شخص مفرد و جمع آمده است و بقیه‌ی صیغه‌های داخل پرانتز بر اساس کتیبه‌ها و زبور پهلوی و نیز فارسی میانه‌ی مانوی بازسازی شده‌اند (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۴).

• شناسه‌های مضارع التزامی:

شناسه‌های فعل مضارع التزامی، بازمانده‌های شناسه‌های خاص فعل‌های التزامی گذرای ایرانی باستان هستند؛ فعل التزامی‌ای که از ماده‌ی مضارع -a- دار با نشانه‌ی خاص فعل التزامی، یعنی -a- ساخته شده است. در جدول زیر صورت‌های باستانی هر شناسه روبروی آن خواهد آمد. باید خاطرنشان شود که در بخش باستانی شناسه‌های زیر، a اول نشانه‌ی ماده‌ی مضارع a دار و a دوم نشانه‌ی وجه التزامی است:

صورت‌های باستانی شناسه‌ها	شناسه‌های فارسی میانه	
(a-a-ni)>-āni	-ān	۱ مفرد
(a-a-hi)>-āhi	-āy	۲ مفرد
(a-a-ti)>-āti	-ād	۳ مفرد

(a-a-ma)>-āma	-ām	۱ جمع
(a-a-ta)>-āta	-ād	۲ جمع
(a-a-nti)>-ānti	-ānd	۳ جمع

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

• فعل امر:

فعل امر با پیوستن شناسه‌های خاص فعل امر به ماده‌ی مضارع به وجود می‌آید. فعل امر دوم شخص شناسه ندارد و ماده‌ی مضارع به تنهایی در جایگاه فعل امر به کار می‌رود:

kun- «بکن»

raw- «برو»

اما گاهی به این صیغه، شناسه‌ی ē- افزوده می‌گردد<sup>۴۰</sup>:

farmāyē «بفرما»

• شناسه‌های فعل امر:

همانگونه که ذکر شد فعل امر در صیغه‌ی دوم شخص مفرد شناسه ندارد. دیگر شناسه‌های فعل امر بازمانده‌ی شناسه‌های خاص فعل امر گذرا از ماده‌ی مضارع -aya- دار ایرانی باستان هستند:

شناسه‌های فارسی میانه	صورت‌های باستانی شناسه‌ها
۱ مفرد -	-
۲ مفرد -	-

<sup>۴۰</sup> گاهی این دسته از افعال را می‌توان فعل تمنایی نیز به حساب آورد.

۳مفرد	-ēd	-aya-tu
۱جمع	-	-
۲جمع	-ēd	-aya-tu
۳جمع	-ēnd	-aya-ntu

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۷۴؛ 36: Skaejervo, 2004).

• فعل تمنایی (خواستاری):

ساختمان این فعل عبارت است از پیوستن شناسه‌ی خاص فعل تمنایی به ماده‌ی مضارع. این شناسه  $^4\text{-ēh}$  است. موارد استفاده‌ی این فعل در جایگاهی است که قرار است آرزو و یا شک و تردید گوینده نشان داده شود. باید خاطر نشان شود که از این نوع فعل در جملات شرطی نیز استفاده می‌شود:

bēh «باشدی»

... agar-im ān...awāwandīh...abāz dahē(h), ahreman...be ōzanēm «اگر آن نیرومندی را... به من بازدهی، اهریمن را... بکشم» (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۴-۷۵).

• شناسه‌ی فعل تمنایی (خواستاری):

شناسه‌ی خاص فعل تمنایی، یعنی  $^4\text{-ēh}$ ، بازمانده‌ی  $^4\text{-ait}$  ایرانی باستان است. این  $^4\text{-ait}$  خود مرکب از سه جزء است:  $a$  نشانه‌ی ماده‌ی مضارع،  $i$  نشانه‌ی وجه تمنایی مخصوص ماده‌ی مضارع  $a$  دار و  $t$  نیز شناسه‌ی خاص فعل تمنایی سوم شخص مفرد است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

صرفاً در دینکرد ۹، آن هم نه همیشه بلکه اغلب، دوم شخص مفرد تمنایی دارای شناسه‌ی  $^4\text{-ēš}$  است. در نسخه‌های هندی این شناسه از  $^4\text{-ē}$  غیر قابل تشخیص است و نیاز به تحقیقات بیشتر دارد (Skaejervo, 2009: 217).

<sup>۴۱</sup> ابوالقاسمی این شناسه را  $^4\text{-ēh}$  می‌داند (۱۳۸۳: ۱۷۵) اما آموزگار و تفضلی (۱۳۸۲: ۷۵) این شناسه را به این صورت واج نویسی می‌کنند:  $^4\text{-ē(h)}$  و  $h$  را داخل پرانتز می‌نهند به این معنا که ممکن است بیاید یا نیاید. اما شروو (2009: 217) و دورکین مایستراونسیت (2015: 232) آمدن واج  $^4\text{-h}$  را مربوط به متون فارسی میانه‌ی قدیم‌تر می‌دانند و ترجیح می‌دهند در متون جدیدتر این  $^4\text{-h}$  حذف شود و شناسه به صورت  $^4\text{-ē}$  واج نویسی گردد.

برخی برای این ساخت از فعل، شناسه‌ی سوم شخص جمع نیز قائل شده‌اند. آنان این شناسه را مرکب می‌دانند از: *-ē-nd hē*. مثالی نیز که ذکر می‌کنند این است:

*kun-ē-nd hē* «کنندی» (ibid:217,219).

## ۲-۲-۶- فعل‌های مشتق از ماده‌ی ماضی

نظام فعلی فارسی میانه متأثر است از دو گانه‌ی لازم-متعدی. این دوگانگی خود را در افعالی که از ماده‌ی ماضی ساخته می‌شوند نمایان می‌سازد. در افعال مشتق از ماده‌ی مضارع، چنان که پیش‌تر دیدیم، میان ساختمان افعال لازم و متعدی هیچ‌گونه تفاوتی (از منظر ساختی) یافت نمی‌شود (ibid:219-20).

در فارسی میانه افعال بسیاری مبتنی بر ماده‌ی ماضی ساخته می‌شوند. ذیلاً صورت‌های لازم و متعدی این افعال را بررسی می‌کنیم:

### • ماضی ساده:

۱- ماضی ساده‌ی افعال لازم با افزودن صیغه‌های مضارع فعل *-h* «بودن» به ماده‌ی ماضی (= اسم مفعول) ساخته می‌شود. این قاعده صرفاً در مورد سوم شخص مفرد صادق نیست. در سوم شخص مفرد فعل ماضی ساده‌ی لازم، خود ماده‌ی ماضی به عنوان فعل به کار می‌رود:

		مفرد		جمع	
۱	<i>āmad hēm</i>	آمدم	<i>āmad hēm</i>	آمدیم	
۲	<i>āmad hē</i>	آمدی	<i>āmad hēd</i>	آمدید	
۳	<i>Āmad</i>	آمد	<i>āmad hēnd</i>	آمدند	

(آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۷-۷۶).

۲- ساختمان ماضی ساده ی افعال متعددی اما به شیوه ای دیگر بیان می شود. این شیوه عبارت است از بیان ماضی ساده ی افعال متعددی به کمک عامل<sup>۴۲</sup> و مادهی ماضی. عامل معمولاً پیش از مادهی ماضی می آید و می تواند اسم مفرد یا جمع، ضمائر شخصی متصل و یا ضمائر منفصل غیر صریح (غیر فاعلی)<sup>۴۳</sup> باشد<sup>۴۴</sup>:

مثال با ضمائر منفصل:

		مفرد		جمع	
۱	man guft	گفتم	amā guft	گفتیم	
۲	tō guft	گفتی	ašmā guft	گفتید	
۳	awē guft	گفت	awēšān guft	گفتند	

مثال با ضمائر متصل:

		مفرد		جمع	
۱	-m guft	گفتم	-mān guft	گفتیم	

<sup>42</sup> agent

<sup>43</sup> oblique

<sup>44</sup> در این جا باید ذکر شود که در فارسی میانه ضمائر شخصی منفصل در دو حالت صرف می شوند. یکی حالت مستقیم و دیگری حالت غیر مستقیم. در جدول زیر این ضمائر را نشان می دهیم:

	مفرد		جمع	
	مستقیم	غیرمستقیم	مستقیم	غیرمستقیم
۱	Az	man	amā(h)	amā(h)
۲	tō (برخی tu می نویسد) ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۰۴	tō	ašmā(h)	ašmā(h)
۳	Ōy	awē	ōyšān	Awēšān

(Skaejervo, 2004:34)

در مورد سوم شخص مفرد و جمع باید ذکر کرد که در متون متقدم پهلوی «احتمالاً» ōy برای حالت مستقیم و صریح و awē برای حالت غیر مستقیم و غیر صریح بوده است. این دو به ترتیب در فارسی نو به «او» و «وی» تحول یافته اند (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۶۸. پا).

۲	-t guft	گفتی	-tān guft	گفتید
۳	-š guft	گفت	-šān guft	گفتند

اگر جمله مفعولی صریح داشته باشد که مستقیماً ذکر شده و یا در تقدیر جمله مستتر باشد، پس از ماده‌ی ماضی، صیغه‌ی ای از افعال مضارع فعل معین h- می‌آید که از نظر شخص و عدد با مفعول صریح یا مستتر مطابقت می‌کند:

مستتر: man dīd hē «من تو را دیدم»

در این مثال از صرف دوم شخص مفرد فعل معین می‌فهمیم که یک tō در تقدیر جمله مستتر بوده است.

ظاهر: tō mardān dīd hēnd «تو مردان را دیدی»

اگر این مفعول صریح اسم مفرد یا ضمیر سوم شخص مفرد باشد، این صرف فعل h- دیگر نیازی نیست:

man zan dīd ∅ «من زن را دیدم»

man ōy dīd ∅ «من او را دیدم»

و نیز اگر این مفعول صریح که پس از فعل می‌آید، جمله باشد، باز هم به صرف فعل h- نیازی نیست:

um guft kū... «گفتم که...»

این شیوه‌ی بیان را اصطلاحاً ارگاتیو<sup>۴۵</sup> می‌نامند. در این شیوه‌ی بیان باید توجه شود که ما در جمله‌ی یک فاعل منطقی و معنایی داریم که عامل نقش آن را بازی می‌کند. عامل همان ضمائر غیر مستقیم هستند. علاوه بر این فاعل منطقی ما یک فاعل دستوری نیز داریم. این فاعل دستوری که اگر قرار باشد ضمیری به جای آن بیاید از ضمائر دسته‌ی مستقیم استفاده می‌شود، در سطح منطقی و معنایی، و به عبارت دیگر واقعی، مفعول جمله است. در این شیوه‌ی بیان صرف فعل h- با مفعول منطقی و معنایی یا همان فاعل دستوری مطابقت می‌کند و نه فاعل معنایی و منطقی (عامل). به عنوان مثال جمله‌ی زیر تجزیه و تحلیل می‌شود تا نکات گفته شده تصریح و ایضاح شود:

man mardān dīd hēnd «من مردان را دیدم»

<sup>45</sup> ergative

در جمله ی اخیر، man فاعل واقعی و منطقی است که در قالب مفعول دستوری ظاهر شده است. mardān مفعول واقعی و منطقی است که در قالب فاعل دستوری ظاهر شده است. صرف فعل hēnd همواره با فاعل دستوری (= مفعول واقعی و منطقی) مطابقت می کند(آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۶-۷۷؛ Skaejervo, 2004: 158-61).

در صورتی که عامل (فاعل منطقی و مفعول دستوری) در جمله نیاید، جمله مجهول خواهد شد که سپس تر به آن خواهیم پرداخت.

فعل ماضی در زبان فارسی امروزین ما، چه در افعال ماضی لازم و چه متعدی، بازمانده و تحول یافته ی ساختمان ماضی ساده لازم است.

• ماضی نقلی

۱- فعل ماضی نقلی لازم با استفاده از صرف مضارع اخباری فعل *estādan* و افزودن آن به ماده ی ماضی ساخته می شود.

	مفرد		جمع	
۱	āmad estēm	آمده ام	āmad estēm	آمده ایم
۲	āmad estē	آمده ای	āmad estēd	آمده اید
۳	āmad estēd	آمده است	āmad estēnd	آمده اند

۲- برای ساختن فعل ماضی نقلی متعدی، همچون فعل ماضی ساده ی متعدی، باید از ساختار ارگاتیو استفاده کرد. به این منظور فاعل منطقی و واقعی را به صورت عامل پیش از ماده ی ماضی می آوریم و سپس صیغه ی سوم شخص مفرد فعل مضارع اخباری از مصدر *estādan* را به ماده ی ماضی می افزاییم:

um guft estēd «او را گفته ام»

ut dīd estēd «تو او را دیده ای»

اگر مفعول صریح در مقام فاعل دستوری در جمله ذکر شود، صرف مضارع فعل *estādan* از نظر شخص و شمار با آن مطابقت می کند:

«من تو را دیده ام» *um tō dīd estē*

(آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۸؛ ۸۷: ۲۰۰۴، Skaejrvo).

• ماضی بعید

۱- شیوه ی ساخت ماضی بعید لازم عبارت است از افزودن صرف صیغه های ماضی از مصدر

*estādan* به ماده ی ماضی:

«آمده بودم» *āmad estād hēm*

«رفته بودم» *raft estād hēm*

۲- ماضی بعید متعدی نیز همچون ماضی ساده متعدی و ماضی نقلی متعدی از شیوه ی ساخت ارگاتیو پیروی می کند. عامل جمله در آغاز می آید سپس ماده ی ماضی فعل و بعدتر صرف ماضی مطلق از فعل *estādan* می آید. باید خاطر نشان شود که همچون دیگر ساخت های ماضی متعدی، فعل معین از نظر شخص و شمار با فاعل دستوری (=مفعول منطقی) مطابقت می کند:

«او را دیده بودم» *um (ōy) dīd estād*

گاهی به جای فعل کمکی *estādan* از صیغه های ماضی فعل *būdan* برای ساختن فعل ماضی بعید استفاده می شود:

«دیده بودم» *um dīd būd*

(آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۹-۷۸؛ ۸۸: ۲۰۰۴، Skaejrvo).

پس از بیان فعل مجهول در بخش بعد، به ادامه ی «فعل های مشتق از ماده ی ماضی» رجوع خواهیم کرد و ادامه ی این افعال را نقل خواهیم کرد.

۲-۲-۷- فعل مجهول

از فعل مجهول پیشتر ذیل برخی مباحث سخن به میان آمده است. این جا قرار است ساختمان فعل مجهول در زبان فارسی میانه با مثال توضیح داده شود.



در فارسی میانه فعل مجهول به دو نحو بیان می شود:

۱- با استفاده از ماده‌ی مجهول:

۱-۱- فعل مضارع مجهول: فعل مضارع مجهول از پیوستن شناسه‌های مضارع به ماده‌ی

مضارع مجهول ساخته می شود. ماده‌ی مضارع مجهول از پیوست دادن  $\bar{i}h$  (صورت

کهن تر آن  $\bar{i}y$  است) به ماده‌ی مضارع ساخته می شود:

wēn-īh-ēd «دیده می شود»

bar-īh-ēnd «برده می شوند»

۱-۲- فعل ماضی مجهول: فعل ماضی مجهول از افزودن  $-ist$  به ماده‌ی مضارع مجهول به دست می آید. از

این ساختمان فعل صرفاً صیغه‌ی سوم شخص ماضی ساده در دست است و در متون آمده است:

wēn-īh-ist «دیده شد»

۲- با استفاده از ماده‌ی ماضی و افعال کمکی:

۱-۲- مضارع مجهول می تواند از افزودن صیغه‌های مضارع فعل būdan به ماده‌ی ماضی

ساخته شود:

guft bawēd «گفته می شود»

۲-۲- در ساختمان وجوه مختلف فعل ماضی متعدی (همچون ماضی ساده، نقلی و بعید) اگر

«عامل» ذکر نشود، مفهوم جمله مجهول خواهد بود:

dīd hēm «دیده شدم»

guft estēd «گفته شده است»

guft estād «گفته شده بود»

guft būd «گفته شده بود»

(Skaejervo, 2004:104)

چند فعل مضارع مجهول نیز در متون آمده است که از افزودن شناسه‌های مضارع به ماده‌ی ماضی ساخته شده است. این افعال مختوم به -xt و -ft هستند (Skajervo, 2009: 221):

bōxt-ēm «نجات داده می شوم»

bōxt-ēd «نجات داده می شود»

ēraxt-ēd «محکوم می شود»

frēft-ēd «فریب خورده می شود»

(ibid: 80-1).

در ادامه ی بیان افعالی که از ماده‌ی ماضی مشتق می شوند باید فعل‌های زیر را نقل کرد:

• فعل امر مجهول:

از ماده‌ی ماضی متعدی به همراه صورت های فعل امر از ماده‌ی -baw ساخته می شود:

stūd bāš «ستوده باش»

• فعل مضارع التزامی مجهول:

از ماده‌ی ماضی متعدی با صورت های فعل مضارع التزامی از ماده ی -baw ساخته می شود:

xward bawāh «خورده باشی»

• فعل مضارع تمنایی مجهول:

از ماده‌ی ماضی متعدی به همراه bēh ساخته می شود:

guft bēh «گفته باشد، گفته باشند»

• فعل ماضی اخباری مجهول:

از ماده‌ی ماضی متعدی به همراه صورت های مضارع اخباری از -h(a) ساخته می شود:

grift hēm «گرفته شدم»

• فعل ماضی التزامی مجهول:

از ماده‌ی ماضی متعدی به همراه صورت های مضارع التزامی از -h(a) ساخته می شود:

grift hād «گرفته شده باشد»

• فعل ماضی تمنایی مجهول:

از ماده‌ی ماضی متعدی به همراه صورت های مضارع تمنایی از -h(a) ساخته می شود:

grift hē ē(h) «گرفته شده باشدی»

• فعل ماضی بعید اخباری مجهول:

از ماده‌ی ماضی متعدی به همراه صورت های ماضی ساده ی اخباری از -baw ساخته می شود:

frēstād būdē(h) «فرستاده شده بودی»

• فعل ماضی نقلی مجهول:

این فعل ساختش همچون ساخت فعل ماضی نقلی متعدی است منتها عامل ذکر نمی شود:

nibišt estēd «نوشته شده است»

• فعل ماضی بعید مجهول:

این فعل ساختش همچون ساخت ماضی بعید متعدی است منتها عامل ذکر نمی شود:

guft estād būd «گفته شده بود»

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۷۹-۱۷۸).

در پایان بحث از ماده های فعلی و ساختمان آنها باید به یک نکته ی مهم که خصوصیتی زنده و زایا در زبان فارسی بوده است اشاره کنیم. در فارسی میانه ماده های لازم می توانند با ā شدن a اصلی و درون ماده ای آن ها به ماده ی متعدی تبدیل شوند:

ahram «بالا رفتن» < ahrām «بالا بردن»

nišast «نشستن» < nišāst «نشاندن» (Skaejervo, 2009: 220)

## ۲-۳- نشانه های نهی، نفی، استمرار و تأکید

در فارسی میانه به منظور نشان دادن برخی خصوصیات فعل همچون نمود آن از اداتی خاص استفاده می شود.

• nē (بازمانده ی naid ایرانی باستان) برای نشان دادن نفی و منفی کردن فعل:

nē xwarē «نمی خوری»

• mǎ (بازمانده ی mā ایرانی باستان) برای نشان دادن نهی:

ma raw «مرو»

• hamē برای نشان دادن نمود استمراری به کار می رود:

hamē gōwēd «همی گوید»

• در فارسی میانه پیش از فعل اخباری و تمنایی به منظور «توصیه، خواست و دستور» و یا به عبارت دیگر نوعی الزام کلمه ی ē به کار می رود:

ē rawēd «برود»

- در فارسی میانه گاهی به منظور تأکید یک *bē* پیش از فعل می آمده است. این کلمه هیچ تغییری در معنای اصلی فعل ایجاد نمی کرده است:

*bē āmad hēm* «بیامدم»

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۸: ۵۸؛ ۷۱-۲: ۲۰۰۴). (Skæjervo, 2004)

## ۴-۲ - مشتق های اسمی و صفتی:

- در این بخش ما ساختمان اشتقاق کلمات را جدا از نقش نحوی آن بررسی می کنیم. در این بررسی ما چگونگی زایش خود کلمه در فارسی میانه را مورد مطالعه قرار می دهیم (کلباسی، ۱۳۹۱: ۲۰).

### ۴-۲-۱- از مادهی مضارع:

- صفت فاعلی مضارع: مادهی مضارع + *-andag* (بازمانده ی *-ant-aka* ایرانی باستان):

*sōz-andag* «سوزنده»

- صفت فاعلی مضارع: مادهی مضارع + *-ān* (بازمانده ی *-āna* ایرانی باستان):

*nāl-ān* «نالان»

- اسم: مادهی مضارع + *-an* (بازمانده ی *-ana* ایرانی باستان):

*brēz-an* «بریزن (=تابه)

- اسم مصدر از مادهی مضارع (و گاه ماضی): مادهی مضارع یا ماضی *+išn-* (مركب از *-iš+na* ایرانی باستان):

kun-išn «کنش»

dīd-išn «دیدش»

۲-۴-۲- از ماده‌ی ماضی:

• صفت فاعلی و مفعولی گذشته در فارسی میانه به دو طریق ساخته می شود:

۱- ماده‌ی ماضی لازم و متعدی به تنهایی در مقام صفت فاعلی و مفعولی گذشته:

فاعلی: murd «مرده»

مفعولی: guft «گفته»

۲- به ماده‌ی ماضی ag-(بازمانده ی ایرانی باستان aka-) افزوده می شود:

فاعلی: murdag «مرده»

مفعولی: wizīdag «گزیده»

• مصدر در فارسی میانه ی از دو طریق ساخته می شود:

۱- ماده‌ی ماضی به تنهایی در مقام مصدر(مصدر مرخم در فارسی نو):

āmad «آمدن»

raft «رفتن»

۲- به ماده‌ی ماضی an-(بازمانده ی -tanai- ایرانی باستان) افزوده می شود:

āmadan «آمدن»

raftan «رفتن»

• پسوند -ār برای ساختن اسم مصدر و نیز صفت فاعلی به ماده‌ی ماضی افزوده می شوند:

اسم مصدر: dīd-ār «دیدار»

صفت فاعلی: guft-ār «گوینده»

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۸۱-۱۷۹؛ ۱۷۹؛ ۶۶: 2004, Skaejervo).

## ۲-۵- فعل‌های کمکی

در فارسی میانه افعال کمکی بر دو دسته اند:

۲-۴-۱- افعال کمکی شخصی:

griftan «گرفتن» به معنی آغاز کردن و برای نشان دادن افعال آغازی

kāmistan «خواستن»

۲-۴-۲- افعال کمکی غیرشخصی:

abāyēd «باید»

šāyēd «شاید»

tuwān «توان»

sazēd «سزد»

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۸: ۵۸).

## ۲-۶- پیشوندهای فعلی:

از آنجا که فارسی میانه، خود بازمانده‌ی فارسی باستان و متأثر از دیگر زبان‌های ایرانی باستان است، علاوه بر پیشوندهای زنده‌ی فعلی در این زبان، تعدادی نیز پیشوند مرده در برخی واژگان از دوران کهن تر باقی

مانده است. این پیشوندها از آنجا مرده به حساب می آیند که واژگانی که در زبان فارسی میانه ساخته می شده و زنده بوده است هیچ یک مرکب از این اجزاء نیستند:

۲-۶-۱- پیشوندهای زنده ی فعلی:

فارسی میانه	معنی به فارسی نو
abar-	آبر-، بر-
abāz-	باز-، وا-، فا-
Andar	اندر-، در-
ēr-	زیر
frāz-	فراز-
frōd-	فروود-، فرو-
pēš-	پیش-
ul-	بر

۲-۶-۲- برخی از پیشوندهای مرده:

فارسی میانه	معنی به فارسی نو
ā-(āmad)	آ- (آمد)
(Olr.apa->)ab-(abgan)	اف- (افگن)
(Olr.upa->)ab-(abzāy)	اف- (افزای)
(Olr.ni->)ni-(nišast)	ن- (نشست)
(Olr.wi->)wi-(widardan)	گ- (گذردن)



۲-۷-۲- فعل مرکب:

در فارسی میانه، پنج فعل زیر برای ساختن افعال مرکب استفاده می شوند:

kardan-۱-۷-۲ «کردن»:

kōxšišn kardan «کوشش کردن»

warz kardan «زراعت کردن»

nimūdan-۲-۷-۲ «نمودن»

handāzag nimūdan «اندازه نمودن»

bahrag nimūdan «بهره نمودن» (تخصیص دادن سهم به...)

dādan -۳-۷-۲ «دادن»

drōd dādan «دروود دادن»

passux dādan «پاسخ دادن»

xwāstan -۴-۷-۲ «خواستن»

zīnhār xwāstan «زینهار خواستن»

kēn xwāstan «کین خواستن»

burden -۵-۷-۲ «بردن»

namāz burdan «نماز بردن»

nibard burdan «نبرد بردن»

## ۲-۸- عبارت فعلی

در فارسی میانه عبارات فعلی بسیار یافت می شود. سه مورد از آنها را در اینجا نقل می کنیم:

pad dast dāštan «به دست داشتن» (تسلط داشتن)

pad zanīh kardan «به زنی کردن»

pad dār abar kardan «بر دار کردن»

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۸۴-۱۸۲).

## فصل سوم

### ساخت فعل در زبان گُردی گویش سورانی

### ۳-۱- مقدمه:

برای فعل تعاریف متعددی از سوی زبانشناسان و دستورنویسان به دست داده شده است:

در دستور پنج/استاد آمده است:

"یکی از اقسام سخن، فعل (کنش) است. فعل در اصطلاح کلمه‌ایست که دلالت کند بر حصول معنی مصدر و حدوث آن از ذاتی در یکی از زمان‌های سه‌گانه: گذشته، حال، استقبال (آینده)" (پنج استاد، ۱۳۹۲: ۱۰۴).

همایون فرخ در باب فعل می‌آورد که:

"فعل به معنی صدور یا حدوث امر است و در اصطلاح صرف و نحو آن دسته و قسمت از کلمه‌هاست که زمان‌های سه‌گانه یعنی: گذشته و حال و آینده در معنی آن دخالت و تاثیر دارد و حدوث امری را که متقرون به یکی از زمان‌های سه‌گانه باشد بیان می‌کند که از جانب فاعلی انجام یافته یا انجام می‌گیرد و معنی آن و مفهوم از سه جزء ناگزیر است: یکی معنی مصدری که حدوث امر باشد، دوم فاعل که امر از جانب او حادث شود، سوم نسبت میان حدث و کننده‌ی حدث (فاعل)" (همایون فرخ، ۱۳۶۴: ۴۴۱).

### ۳-۲- ویژگی‌های فعل در زبان کردی سورانی:

"فعل در زبان کردی از لحاظ ساختار به سه دسته‌ی: ساده، مشتق و مرکب تقسیم می‌شود. ملاک دسته‌بندی افعال در این سه دسته بر مبنای بن فعلی مصدرها، مفهوم و نقش می‌باشد. .... افعال دارای دو بن ماضی و مضارع هستند" (رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۰۲).

ویژگی‌های فعل:

از سوی دیگر "فعل در زبان کردی دارای ویژگی‌های: شخص(اول، دوم، سوم)، شمار(مفرد و جمع)، زمان(گذشته، حال و آینده)، وجه(اخباری، التزامی و امری)، گذر(ناگذر و گذرا)، ساختمان(ساده، مشتق و مرکب) است" (همان: ۱۰۲).

• شخص و شمار:

فعل در گویش سورانی دارای شخص اول و دوم و سوم و شمار مفرد و جمع است:

صرف مصدر "کرین / kərin" خریدن " در زمان حال:

شخص		مفرد		جمع	
اول	دهکریم	dækrəm	دهکرین	dækrin	
دوم	دهکری(ت)	dækri(t)	دهکرن	dækrən	
سوم	دهکری	dækre	دهکرن	dækrən	

(رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۰۲).

• زمان:

"فعل در زبان کردی سورانی دارای زمان‌های گذشته، حال و آینده است. که فعل‌های گذشته و حال دارای فرم و شکل هستند ولی آینده به لحاظ مفهوم است و نه شکل" (همان: ۱۰۳).

• وجه:

وندهای وجهی در زبان کردی سورانی برای وجه اخباری (-dæ و -ʔæ) و برای وجه التزامی و امری (-bi) می‌باشد.

• ناگذر و گذرا:

در زبان کردی سورانی، گذرا و ناگذر یک فعل مشخص گاه از لحاظ شکل واژه کاملاً از هم متفاوتند:

ناگذر	گذرا
کهوتن / kəwtən "افتادن"	خستن / xəstən "انداختن"

چوون / ʃun "رفتن"	بردن / bərdən "بُردن"
-------------------	-----------------------

و گاه دو شکل متفاوتِ یک فعل مشخصند:

ناگذر	گذرا
مردن / mærdən "مُردن"	مراندن / mærvəndən "کشتن"
تهزین / tæzin "بی‌حس شدن"	تهزاندن / tæzvəndən "بی‌حس کردن"

• ساختمان فعل:

فعل در زبان کردی سورانی از لحاظ ساختمان به‌طور کلی به سه دسته‌ی (ساده، مشتق و مرکب) تقسیم می‌شود.

۳-۳- ماده:

"ماده با افزودن جزئی به ریشه که در اساس برای افزودن معنی جدید به ریشه بوده، ساخته می‌شود" (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۱۴۸). اما در مواردی ریشه عین ماده است و با آن تفاوت ساختی ندارد. "در ایرانی باستان هم نمونه‌هایی از ریشه‌ی ستاکی وجود دارد" (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۲-۱۱).

زبان کُردی سورانی از لحاظ فعل، دو ماده دارد: مضارع و ماضی. "زمان‌های ساده از ماده‌های مضارع و ماضی فعل ساخته می‌شوند" (مکنزی، ۱۹۶۱a: ۸۵). در این گویش هم گاهی ریشه همان ماده‌ی فعل هم هست و در این موارد از لحاظ ساختی هیچ تفاوتی مابین ریشه و ماده وجود ندارد. بنابر این از این جهت مانند زبان‌های دوره‌ی باستان است.

۳-۴- مصدر:

"تمام مصدرهای زبان کُردی سورانی به (-n/-i)n ختم می‌شوند. پیش از (-ن) مصدری هم حتما یکی از پنج حرف (ا، ی، وو، ت، د) می‌آید. بر همین اساس در زبان کُردی سورانی مصدر را با نام حرفی که پیش از (-ن) می‌آید، نام‌گذاری کرده‌اند: مصدر الفی، یایی، واوی، تایی و دالی.

براساس شکل و فرم مصدر و ارتباط با ریشه (root بن مضارع) و پایه (stem بن ماضی)، افعال ساده در پنج دسته طبقه‌بندی می‌شوند.

- مصدرهای مختوم به "-æn / ان-":

مثال:

ناگذر	گذرا
برژان / bəɾʒən "برشتن"	شیلان / ʃelən "مشت و مال دادن"
گهران / gəɾən "گشتن"	پیوان / pewən "پیمودن"

- مصدرهای مختوم به "-(i)n / ین-":

مثال:

ناگذر	گذرا
بارین / bəɾin "باریدن"	برین / bərin "بریدن"
بهزین / bæzin "شکست خوردن"	پرسین / pərsin "پرسیدن"

- مصدرهای مختوم به "-tən / تن-":

مثال:

ناگذر	گذرا
کهوتن / kəwtən "افتادن"	کوشتن / kuʃtən "کشتن"
خهوتن / xəwtən "خوابیدن"	گرتن / gərtən "گرفتن"

- مصدرهای مختوم به "-un / وون-":

مثال:

ناگذر	گذرا
بوون / bun "بودن"	دروون / drun "دوختن"
چوون / ꝥun "رفتن"	گروون / grun "پوست کندن"

• مصدرهای مختوم به "-dæn/-دن":

مثال:

ناگذر	گذرا
مردن / mærdæn "مردن"	بردن / bærdæn "بردن"
.....	خویندن / xwendæn "خواندن"

- برخی از مصدرها دو شیوه و فرم گوناگون به لحاظ ساختی دارند:

مثال:

وهران / wæron "ریختن"	وهرین / warin "ریختن"
هاوردن / hōwærdæn "آوردن"	هینان / hænōn "آوردن"

- مصدر فعل بی‌شخص و زمان است و می‌تواند مثل اسم، نشانه‌های معرفه و نکره و اضافه را بگیرند.

مثال:

مردنه‌که‌ی / mærdæn-ækæj "مرگ او"

مردنیک / mærdæn-ek "مرگی"



- مصدرهایی هستند که بدون "وند" معنی کاملی نمی‌دهند.

مثال:

پاران / pɔrɔn "التماس کردن"	پارانوهه / pɔrɔnæwæ "التماس کردن"
پلّوسین / pəɫosin "کتک کاری کردن"	داپلّوسین / dɔpɫosin "کتک کاری کردن"

(رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۱۰-۱۰۹).

### ۳-۵- بن مضارع و ماضی:

برای بدست آوردن بن فعل از مصدر در گویش سورانی به شیوه‌های زیر عمل می‌کنیم:

برای بدست آوردن بن مضارع از مصدر، افعال در دو دسته‌ی باقاعده و بی‌قاعده تقسیم‌بندی می‌شوند:

افعال با قاعده افعالی هستند که اگر نشانه‌های مصدر و تکواژ ماضی‌ساز را برداریم "بن مضارع" به دست می‌آید.

افعال دیگری که در بدست آوردن بن مضارع از قاعده‌ی بالا پیروی نمی‌کنند، افعال بی‌قاعده هستند. مناسب‌ترین راه بدست آوردن بن مضارع فعل‌ها، مخصوصاً فعل‌های بی‌قاعده، صرف آن‌ها در زمان مضارع اخباری یا آوردن فعل امر آن‌هاست که با برداشتن نشانه‌های مضارع و شناسه‌های فعل مضارع اخباری یا نشانه‌ی امر بن مضارع به دست می‌آید.

مثال:

باقاعده	بی‌قاعده
خویندن "خواندن" ← خوین "خوان"	دیتن "دیدن" ← بین "بین"
xwendən → xwen	ditən → bin
هینان ← هین "آور"	وتن "گفتن" ← بیژ/ویژر "گو"
henən → hen	wətən → beʒ/weʒ

دهن "دادن" ← ده "ده" dæn → dæ	لهرزین ← لهرز "لرز" lærzin → lærz
----------------------------------	--------------------------------------

• یا فعل امر آنها:

مثال:

بیژه ← بیژ/ویژ "گو" bezæ → bez/ wez	بژی ← ژی "زی" bəzi → zi
--	----------------------------

برای به دست آوردن بن ماضی فعل، نشانه‌ی مصدر "ن/n-" را برمی‌داریم و آنچه می‌ماند بن ماضی است.

مثال:

هیشتن "گذشتن" ← هیشت "گذاشت" heftən → heft	خویندن "خواندن" ← خویند "خواند" xwendən → xwend
هینان "آوردن" ← هینا "آورد" henən → hen	چوون "رفتن" ← چوو "رفت" tʃun → tʃu

(رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۱۱-۱۱۰).

### ۳-۵-۱- ماده‌ی مضارع:

ماده‌ی مضارع از ریشه‌ی فعل در گویش سورانی با نشانه‌های متفاوتی ساخته می‌شود.

- نشانه‌ی -e :

مثال:

مصدر	ماده‌ی ماضی	ماده‌ی مضارع	
kʊljɒn	kʊlj-	kʊ e-	daækʊ e-m "پخته می‌شوم"
təkɒn	təkɒ-	təke-	dætəke-m "می‌چکم"

نشانه‌ی "-e" در ماده‌ی مضارع معمولاً وقتی می‌آید که نشانه‌ی ماده‌ی ماضی "-ɒ" و یا "-i" باشد. ولی این قانون شامل همه‌ی افعال نمی‌شود.

مثال:

مصدر	ماده‌ی ماضی	ماده‌ی مضارع	
mɒn	mɒ-	men-	dæmen-əm "می‌مانم"

در این فعل، گرچه نشانه‌ی ستاک گذشته "-ɒ" می‌باشد، ولی نشانه‌ی ماده‌ی مضارع، "-en" است.

- یکسانی نشانه‌ی ماده‌ی مضارع، با نشانه‌ی ماده‌ی ماضی:

مثال:

færmun	færmu-	færmu-	dæfærmu-m "می‌فرمایم"
bæstɒn	bæst-	bæst-	dæbæst-əm "می‌بندم"

- ماده‌ی مضارع با ماده ماضی یکسان است.

مثال:

kæwtən	kæwt-	kæw-	dækæw-əm "می‌افتم"
mærdən	mærd-	mær-	dæmærd-əm "می‌مردم"

• ماده‌ی مضارع با ماده ماضی تفاوت آوایی دارد.

"e" در ماده‌ی مضارع، "ø" در ماده ماضی:

مثال:

mærdən	mærd-	mær-	dæmærd-əm "می‌فرستم"
--------	-------	------	----------------------

"z" در ماده‌ی مضارع، "s" در ماده ماضی:

مثال:

gæstən	gæst-	gæz-	dægæz-əm "گاز می‌زنم"
--------	-------	------	-----------------------

"i" در ماده‌ی مضارع، در مقابل "j" در ماده ماضی:

مثال:

girjøn	girjø-	gæri-	dægri-m "گریه می‌کنم"
--------	--------	-------	-----------------------

"u" و "z" در ماده‌ی مضارع، "ø" و "f" در ماده ماضی:

مثال:

køftən	køft-	kuz-	dækuz-əm "می‌کشم"
--------	-------	------	-------------------

"e" و "ɜ" در ماده‌ی مضارع، "ə" و "ʃ" در ماده ماضی:

مثال:

rəʃtən	rəʃt-	reʃ-	"می‌ریزم" dəreʃ-əm
--------	-------	------	--------------------

• تفاوت از نظر تعداد صدا:

نبودن "s" در ماده‌ی مضارع، بودن آن در ماده ماضی:

مثال:

nustən	nust-	nu-	"می‌خواهم" dənu-m
--------	-------	-----	-------------------

نبودن "j" و "ʃ" در ماده‌ی مضارع، بودن آن‌ها در ماده ماضی:

مثال:

rojʃtən	rojʃt-	ro-	"می‌روم" dəro-m
---------	--------	-----	-----------------

• تفاوت از نظر نوع و تعداد صدا:

"e" در ماده‌ی مضارع، "i" و "s" در ماده ماضی:

مثال:

wistən	wist-	we-	"می‌خواهم" dəmæ-we
--------	-------	-----	--------------------

"a" در ماده‌ی مضارع، "ə" و "s" در ماده ماضی:

مثال:

xəstən	xəst-	xæ-	dæxæ-m "می اندازم"
--------	-------	-----	-----------------------

"a" در ماده‌ی مضارع، "ə" و "ɪ" در ماده ماضی:

مثال:

bərdən	bərd-	bæ-	dæbæ-m "می برم"
--------	-------	-----	-----------------

- دسته‌ای از افعال هستند که ماده‌ی مضارع آن‌ها با ماده‌ی ماضی‌شان کاملاً متفاوت است. شاید در اصل از دو ریشه‌ی متفاوت باشند.

مثال:

gʊtən	gʊt-	lɛ-	dæle-m "می گویم"
ditən	dit-	bin-	dæbin-əm "می بینم"

(کلباسی، ۱۳۸۵: ۲۴-۲۲)

مشتقات ماده‌ی مضارع:

- مضارع اخباری لازم:

از پیوستن نشانه‌ی استمراری به بن مضارع و شناسه‌های خاص فعل مضارع اخباری ساخته می‌شود.

- مضارع اخباری متعدی:

از پیوستن نشانه‌های استمراری به ضمیر مفعولی و بن مضارع و شناسه‌های خاص فعل مضارع ساخته می‌شود.

- آینده‌ی اخباری لازم:

از پیوستن نشانه‌ی استمراری به بن مضارع و شناسه‌های خاص فعل مضارع اخباری ساخته می‌شود.

- آینده‌ی اخباری متعدی:

از پیوستن نشانه‌های استمراری به ضمیر مفعولی و بن مضارع و شناسه‌های خاص فعل مضارع ساخته می‌شود.

- مضارع التزامی لازم:

از پیوستن نشانه‌ی امری "ب- /-b" به بن مضارع و شناسه‌های خاص فعل التزامی ساخته می‌شود.

- مضارع التزامی متعدی:

از پیوستن نشانه‌ی امری "ب- /-b" به ضمایر مفعولی و بن مضارع و شناسه‌های خاص فعل التزامی ساخته می‌شود.

- مضارع تمنایی:

از پیوستن نشانه‌ی امری "ب- /-b" به بن مضارع و شناسه‌های خاص فعل مضارع ساده ساخته می‌شود.

- ماضی اخباری مجهول:

از پیوستن نشانه‌ی مجهول -rd به ماده‌ی مضارع متعدی ساخته می‌شود.

- مضارع اخباری مجهول:

از پیوستن نشانه‌ی مجهول -re به ماده‌ی مضارع متعدی ساخته می‌شود.

### ۳-۵-۲- ماده‌ی ماضی:

ماده‌ی ماضی در زبان کردی سورانی از ریشه‌ی فعل + نشانه‌های زیرساخته می‌شود.

• "-p" :

مثال:

مصدر	ماده‌ی ماضی	
"ماندن" mɒn	mp-	"ماندم" mp-m

• "-i" :

مثال:

"تراشیدن" tɒʃɪn	tɒʃi-	"تراشیدم" tɒʃi-m
-----------------	-------	------------------

• "-u" :

مثال:

"رفتن" ʃun	ʃu-	"رفتم" ʃu-m
------------	-----	-------------

• "-t" :

مثال:

"گذاشتن" həʃtən	həʃt-	"گذاشتم" həʃt-əm
-----------------	-------	------------------

• "-d" :

مثال:

"بردن" bærdən	bærd-	"بردم" bærdə-m
---------------	-------	----------------



(کلباسی، ۱۳۸۵: ۲۲-۲۱).

### مشتقات ماده‌ی ماضی:

- ماضی اخباری لازم:

از پیوستن بن ماضی به شناسه‌های خاص فعل ماضی ساخته می‌شود.

- ماضی اخباری متعدی:

از پیوستن بن ماضی به ضمایر مفعولی ساخته می‌شود.

- ماضی استمراری لازم:

از پیوستن نشانه‌ی استمراری به بن ماضی و شناسه‌های خاص فعل ماضی ساخته می‌شود.

- ماضی استمراری متعدی:

از پیوستن نشانه‌های استمراری به ضمایر مفعولی و بن ماضی ساخته می‌شود.

- ماضی نقلی لازم:

از پیوستن بن ماضی به نشانه‌ی خاص ماضی نقلی و شناسه‌های خاص فعل ماضی نقلی ساخته می‌شود.

- ماضی نقلی متعدی:

از پیوستن بن ماضی به نشانه‌ی خاص ماضی نقلی و ضمایر مفعولی و ضمایر فاعلی ساخته می‌شود.

- ماضی بعید لازم:

از پیوستن بن ماضی به نشانه‌ی خاص ماضی بعید و شناسه‌های ماضی بعید ساخته می‌شود.

- ماضی بعید متعدی:

از پیوستن بن ماضی به نشانه‌ی خاص ماضی بعید و ضمایر مفعولی ساخته می‌شود.

- ماضی تمنای لازم: از پیوستن نشانه‌ی امر "ب- /-b" به بن ماضی و شناسه و نشانه تمنایی ساخته می‌شود.

• ماضی تمنایی متعدی:

در ساخت گذرا از پیوستن نشانه‌ی امر "b- /-ب" به بن ماضی و ضمائر مفعولی و نشانه تمنایی ساخته می‌شود.

• ماضی التزامی متعدی:

در ساخت گذرا از پیوستن نشانه‌ی التزامی "b- /-ب" به ضمائر مفعولی و ضمائر فاعلی و بن فعل و پسوندهای "D /-د" و "ba /-با" ساخته می‌شود.

### ۳-۶- افعال لازم و متعدی:

"فعل از این نظر که اثر آن از فاعل بگذرد و به مفعول برسد یا تنها متوجه فاعل باشد به دو نوع متعدی و لازم تقسیم می‌کنند و فعل متعدی دو صورت دارد که یکی را معلوم و دیگری را مجهول می‌خوانند" (خانلری، ۱۳۸۷؛ ج ۲: ۱۷۶).

#### ۱- لازم: ۴۶

"فعل لازم، فعلی است که بی‌مفعول، معنی جمله را تمام کند؛ به سخن دیگر به مفعول نیازی نداشته باشد" (احمدی‌گیوی، ۱۳۸۰: ۷۸۱).

اما در گویش سورانی "پسوند (-ændæn / اندن-) فعل ناگذر را به گذرا تبدیل می‌کند" (حاجی-مارف، ۲۰۰۰: ۴۷). (برای مثال‌ها نک. پایین).

#### ۲- متعدی:

"فعل متعدی فعلی است که بی‌مفعول، معنی جمله را تمام نمی‌کند؛ به سخن دیگر به مفعول نیاز دارد و از فاعل به مفعول می‌گذرد" (احمدی‌گیوی، ۱۳۸۰: ۷۸۲).

در گویش سورانی فعل گذرا دو گونه است:

۱- فعلی که بدون هیچ نشانه و علامتی خودش متعدی است.

مثال:

برد / bərd "بُرد"

کرد / kərd "کَرَد"

خورد / xwərd "خورد"

۲- افعالی که با اضافه شدن پسوند (-ændæn / اندن-) بر لازم، متعدی می‌شوند.

خهوتن ← خهو + اندن = خهواندن / xaw-əndæn "خواباندن"

فرین ← فر + اندن = فراندن / fr-əndæn "پرواز دادن"

شکان ← شکا + اندن = شکاندن / ſkə-əndæn "شکستن"

- همچنین در گویش سورانی تعدادی افعال ناگذر داریم که در مقابل آن‌ها افعال گذرا وجود دارند. این تبدیل از هیچ قانونی پیروی نمی‌کند.

ناگذر	گذرا
کهوتن / kæwtən "افتادن"	خستن / xəstən "انداختن"
هاتن / hətən "آمدن"	هینان / henən "آوردن"
چوون / ʧun "رفتن"	بردن / bərdən "بُردن"
رۆیشتن / rojštən "رفتن"	ناردن / nərdən "فرستادن"
رژان / rʒəndən "ریختن"	رشتن / rəštən "بافتن"
گۆران / gorən "تغییر دادن"	گۆرین / gorin "تغییر کردن"
سپرانهوه / sɾənəwə "پاک شدن"	سپرینهوه / sɾinəwə "پاک کردن"

پچرین / pʃrin "پاره کردن"	پچران / pʃrɒ "پاره شدن"
بزاونتن / bɜwɒtən "حرکت دادن"	بزووتن / bɜutən "حرکت کردن"
سوون / sun "ساییدن"	سوان / swɒn "ساییده شدن"
قه‌لاشتن / qælpʃtən "شکافتن"	قه‌لشتن / qælfʃtən "شکافته شدن"
قلاشتن / qælpʃtən "شکافتن"	قلشیان / qælfʃjɒn "شکافته شدن"
هیشتنهوه / hefstnæwæ "ماندگار کردن"	مانهوه / mɒnæwæ "ماندن، ماندگار شدن"
هیشتن / hefstən "ماندگار کردن"	مان / mæn "ماندن، ماندگار کردن"
کیشانهوه / kefstnæwæ "پس کشیدن"	کشانهوه / kfstnæwæ "پس رفتن"
هه‌لگرتن / hælgærtən "بلند کردن"	هه‌لستان / hælstɒn "بلند شدن"

(خوشناو، ۲۰۰۹: ۸۷-۹۱).

### ۷-۳- مجهول:

"فعل مجهول فعلی است که به مفعول نسبت داده می‌شود" (مشکور، ۱۳۳۸: ۸۱).

در زبان کردی گویش سورانی برای ساخت مجهول از افعال کمکی استفاده نمی‌شود و فقط با تغییرات ساختارهای فعل به حالت مجهولی درمی‌آید. اما در زبان‌هایی مانند فارسی، ساخت مجهولی از اضافه شدن افعال کمکی به دست می‌آید.

kteb-ækæ

bær-rɒ

"کتاب برده شد"

"در گویش سورانی، نشانه‌های ʔe- و ʔe- در آخر افعال نشانه‌ی مجهول هستند و نباید با پیشوندهای فعلی همسان اشتباه کرد" (رحیمی، ۱۳۹۱؛ ۵۲). ʔe- نشانه‌ی ماضی مجهول و ʔe- نشانه‌ی مضارع مجهول است.

مثال:

gol-ækae

bər-ʔe

"گل برده شد"

mewæ-kən

dæxo-ʔe

"میوه‌ها خورده می‌شود"

"اگر بپذیریم که در تحول ماده ساز مجهول از باستان تا نو، در سورانی مصوت روان /j/ به صامت روان / ʔ / تبدیل شده است می‌توان ادعا کرد که ماده مجهول ساز در همه گویشهای کردی با اندک تغییرات آوایی بازمانده ماده مجهول ساز در زبانهای ایرانی باستان است" (کریمی دوستان و ویسی، ۱۳۸۷: ۱۴۴). بنابر این می‌توان گفت که در گویش سورانی ماده‌ی مجهول ساز باستانی حفظ شده است و ساخت مجهولی ساختوازی باقیمانده است.

۳-۸- وجه:

"وجه فعل به شیوه‌ای از استعمال فعل اطلاق می‌شود که به وسیله‌ی آن گوینده وضع خود را نسبت به جریان فعل بیان می‌کند، به عبارت دیگر طریقه‌ای که جریان فعل از طریق گوینده نقل می‌شود، بر حسب آنکه از وقوع فعلی خبر بدهد، یا قصد خود را به انجام دادن، یا میل به انجام یافتن، یا شرط انجام گرفتن، یا امر به انجام دادن فعلی را بیان کند" (خانلری، ۱۳۸۷: ج ۲: ۱۹۸).

• وجه اخباری:

"وجه اخباری به مجموع زمان‌ها و صیغه‌هایی از فعل اطلاق می‌شود که در آن‌ها مراد گوینده بیان جریان فعلی است بی‌آنکه درباره‌ی آن تعبیر و تفسیری بیاورد؛ یعنی میل یا قصد یا تردید یا شرطی را درباره‌ی انجام یافتن آن فعل بیان کند. به وسیله‌ی این وجه، گوینده از فعلی خبر می‌دهد که در زمان گذشته روی داده، یا اکنون در جریان وقوع است، یا پس از گفتار انجام خواهد گرفت" (خانلری، ۱۳۸۷: ج ۲: ۱۹۸).

وجه اخباری در گویش سورانی از پیوستن نشانه‌ی استمراری "ده- / -ئه" به بن مضارع و شناسه‌های خاص فعل مضارع ساخته می‌شود.

مثال:

دهخه‌وم / dəxæwəm "می‌خوابم"

ئه‌نووم / ʔænum "می‌خوابم"

• وجه امری:

"وجه امری صورتی از فعل است که با آن فرمانی داده می‌شود، به اثبات یا نفی؛ یا در خواست اجرای فعلی بیان می‌شود" (خانلری، ۱۳۸۷: ج ۲: ۱۹۹).

وجه امری در گویش سورانی از پیوستن "ب- / -b" به بن مضارع و شناسه‌های خاص فعل امر ساخته می‌شود.

مثال:

برۆ / bro "برو"

بهینه / bhena "بیاور"

بچۆ / bçfo "برو"

• وجه التزامی:

"وجه التزامی به شیوه‌ای از بیان فعل اطلاق می‌شود که گوینده ذهن خود را به طریقی در آن دخالت می‌دهد، یعنی مثلاً قصد، یا اختیار، یا تردید، یا پیش‌بینی، یا فرض، یا منع، یا شرط، یا موافقت خود را در ضمن بیان جریان فعل اظهار می‌دارد" (خانلری، ۱۳۸۷: ج ۲: ۱۹۸).

وجه التزامی در گویش سورانی از پیوستن نشانه‌ی "ب- /-b" التزامی به بن مضارع ساخته می‌شود.

مثال:

برو / bro "برو"

بنوو / bnu "بخواب"

بشو / bfo "بشور"

• وجه تمنایی:

"وجه تمنایی صورتی از صرف فعل است که در آن آرزوی وقوع فعلی بیان می‌شود" (خانلری، ۱۳۸۷: ج ۲: ۱۹۹).

وجه تمنایی در گویش سورانی از پیوستن "ب- /-b" به بن ماضی و -djd ساخته می‌شود.

مثال:

(شه‌لا) بموتایا / (ʃæ[ɒ] bəmwtɔjɒ) "کاش می‌گفتم"

وجه تمنایی در گویش سورانی از پیوستن "ب- /-b" به بن مضارع و شناسه فعل مضارع ساخته می‌شود.

۳-۹- زمان:

• مضارع اخباری:

"مضارع در لغت تازی به معنی مشترک است و نیز به معنای کودکی که با کودکی دیگر از پستان یک مادر شیر یخورند. در وجه تسمیه‌ی این فعل ظاهراً بر این دو معنی نظر داشته‌اند، چراکه زمان حال و آینده را در آن، مشترک دیده‌اند و یا آن را همچون مادری شمرده‌اند که دو کودک زمان(حال-آینده) از پستان آن شیر می‌خورند. با توجه به تعاریف استادان دستور زبان پارسی و شواهد و کاربردها می‌توان گفت: مضارع فعلی است که بر انجام گرفتن کاری یا بودن حالتی در زمان حال یا آینده و گاهی در گذشته یا در هر سه زمان دلالت کند" (احمدی‌گیوی، ۱۳۸۰: ۵۰۷).

اما در زبان کردی سورانی از یک ساخت برای مضارع اخباری، مضارع استمراری و آینده استفاده می‌شود و لذا تفاوت آن‌ها سماعی است.

در گویش سورانی زبان کردی، مضارع اخباری به شیوه‌ی زیر ساخته می‌شود:

۱- فعل مضارع اخباری ناگذر از "نشانه‌ی استمراری ده-ئه- + بن مضارع + شناسه" ساخته می‌شود.

مثال: خهوتن / xæwtən "خوابیدن"

مفرد	جمع
دهخه‌وم / dæxæwəm "می‌خوابم"	دهخه‌وین / dæxæwin "می‌خوابیم"
دهخه‌وی(ت) / dæxæwi(t) "می‌خوابی"	دهخه‌ون / dæxæwən "می‌خوابید"
دهخه‌وی / dæxæwe "می‌خوابد"	دهخه‌ون / dæxæwən "می‌خوابند"

۲- فعل مضارع اخباری گذرا از "نشانه‌ی استمراری ده-ئه- + ضمیر مفعولی + بن مضارع + شناسه" ساخته می‌شود.

مثال: نووسین / nusin "نوشتن"

مفرد	جمع
ئه‌منووسی / ?æmnusi "می‌نوشتم"	ئه‌ماننووسی / ?æmɒnnusi "می‌نوشتیم"



نئاننوسی / ?ætɒnnusi "می نوشتید"	نئتنوسی / ?ætnusi "می نوشتی"
نئیاننوسی / ?æjɒnnusi "می نوشتند"	نئینوسی / ?æjnusi "می نوشت"

• مضارع استمراری:

مضارع استمراری درگوش سورانی از همان ساختی پیروی می کند که در بخش مضارع اخباری آورده شد(نک. بالا).

(رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۰۵).

• ماضی ساده:

"ماضی ساده که آن را "ماضی مطلق" و "گذشته‌ی ساده" نیز می نامند، از بن ماضی و شناسه‌ی فعل ساخته می شود و سوم شخص مفرد آن همان بن ماضی فعل است" (احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۲۵۸). "ماضی ساده انجام گرفتن کاری یا بودن حالتی را در زمان گذشته به طور مطلق و بی توجه به نزدیکی و دوری زمان و بی مفهوم استمرار و تکرار و التزام و جز آن می رساند" (همان: ۲۵۸).

ماضی ساده در گوش سورانی در افعال ناگذر و گذرا به شیوه‌ی زیر ساخته می شود:

۱- فعل ماضی ساده‌ی ناگذر از "بن ماضی + شناسه" ساخته می شود.

مثال: هاتن / hətən "آمدن"

مفرد	جمع
هاتم / hətəm "آمدم"	هاتین / hətin "آمدیم"
هاتی(ت) / hət(i)t "آمدی"	هاتن / hətən "آمدید"
هات / hət "آمد"	هاتن / hətən "آمدید"

۲- فعل ماضی ساده‌ی گذرا از "بن ماضی + ضمایر مفعولی" ساخته می‌شود.

مثال: هاوردن / hɔwərdən "آوردن"

مفرد	جمع
هاوردم / hɔwərdəm "آوردم"	هاوردمان / hɔwərdmən "آوردیم"
هاوردی(ت) / hɔwerdi(t) "آوردی"	هاوردتان / hɔwərdtən "آوردید"
هاوردی / hɔwərɔdy "آورد"	هاوردیان / hɔwərdijən "آوردند"

(رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۰۳).

"زبان کردی با ساخت پایه‌ای فاعل-مفعول-فعل، در زمره‌ی زبان‌های کنایی قرار می‌گیرد و ساخت کنایی(ارگاتیو) در این زبان، از نوع زبان مبناست؛ به بیانی دیگر ساخت کنایی در زبان کردی، محدود به بافتی است که در آن، فعل اصلی جمله، نشانگر زمان گذشته باشد. با توجه به این تعمیم، انتظار می‌رود در همه‌ی ساخت‌های متعددی که فعل اصلی جمله از بن ماضی مشتق شده است، شاهد الگوی کنایی باشیم" (کریمی، ۱۳۹۱: ۲). در واقع گویش‌های شمالی و مرکزی زبان کردی و به طبع آن گویش سورانی در زمان ماضی متعددی ساخت ارگاتیو دارد. از این جهت با زبان فارسی میانه مطابقت دارد.

#### • ماضی استمراری:

"ماضی استمراری در بعضی از زبان‌های هند و اروپایی امروز برای فعلی به کار می‌رود که در جریان وقوع بوده و به پایان نرسیده است. به این سبب است که آن را غالباً ماضی ناتمام یا غیرتام می‌خوانند، در مقابل ماضی تام یا مطلق که پایان قطعی جریان فعل را بیان می‌کند و آن را ماضی کامل یا ساده نیز می‌نامند" (خانلری، ۱۳۸۷: ج ۲: ۲۲۱).

مفهوم استمرار در گویش سورانی به آوردن "ده- / -ئه" پیش از فعل لازم یا متعددی آورده می‌شود. مابین "ده- و ئه-" هیچ تفاوتی در القای معنای استمرار نیست و هر دو از یک میزان بسامد کمی برخوردارند. زمان گذشته‌ی استمراری در سورانی-هم گذرا و هم ناگذر- از بن ماضی ساخته می‌شود. اما در دو ساخت گذرا و

ناگذر متفاوت است. بدین گونه که ماضی استمراری ناگذر از پیوستن "ده- /ئه-" به بن ماضی و شناسه‌های خاص آن ساخته می‌شود.

شیوه‌ی ساخت ماضی استمراری در زبان کردی گویش سورانی:

۱- "ماضی استمراری افعال ناگذر از(نشانه‌ی استمراری "ده- /ئه-" + بن ماضی + شناسه) ساخته می‌شود.

مثال: هاتن / hətən "آمدن"

مفرد	جمع
ئه/دههاتم / ʔæ/dæhətəm "می‌آمدم"	ئه/دههاتین / ʔæ/dæhətɪn "می‌آمدیم"
ئه/دههاتی(ت) / ʔæ/dæhəti "می‌آمدی"	ئه/دههاتن / ʔæ/dæhatən "می‌آمدید"
ئه/دههات / ʔæ/dæhət "می‌آمد"	ئه/دههاتن / ʔæ/dæhatən "می‌آمدید"

۲- ماضی استمراری افعال گذرا از(نشانه‌ی استمراری "ده- /ئه-" + ضمائر مفعولی + بن ماضی) ساخته می‌شود.

مثال: هینان / hənən "آوردن"

مفرد	جمع
ئه/دهمهینا / ʔæ/dæmhənə "می‌آوردم"	ئه/دهمانهینا / ʔæ/dæmənəhənə "می‌آوردیم"
ئه/دهیهینی(ت) / ʔæ/dæjhene(t) "می‌آوردی"	ئه/دهتانهینا / ʔæ/dætənəhənə "می‌آوردید"
ئه/دهیهینی(ت) / ʔæ/dæjhene(t) "می‌آورد"	ئه/دهیانهینا / ʔæ/dæjənəhənə "می‌آوردند"

(رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۰۳).

#### • ماضی نقلی ساده:

ماضی نقلی در گویش سورانی با بن ماضی ساخته می‌شود. در ماضی نقلی ساخت ناگذر، نشانه‌ی ماضی نقلی "وو" (-u) به بن ماضی اضافه می‌شود و پس از آن شناسه‌های خاص ماضی نقلی می‌آید. ماضی نقلی ساخت گذرا نیز مانند ساخت ناگذر آن از پیوستن نشانه‌ی ماضی نقلی "وو" (-u) به بن ماضی ساخته

میشود. اما در ساخت گذرا این ماده به ضمائر مفعولی و فاعلی می پیوندند و فعل ماضی نقلی گذرا ساخته می شود.

ماضی نقلی در گویش سورانی ساختاری مانند فارسی میانه دارد و مانند آن از فاعل واقعی به صورت عامل قبل از مادهی ماضی می آید. یعنی در اینجا هم ما با ارگاتیو روبرو هستیم.

مثال: مردن / *mærdæn* "مردن"

مفرد	جمع
مردووم / <i>mærdum</i> "مردهام"	مردووین / <i>mærdujn</i> "مردهایم"
مردووی(ت) / <i>mærduj(t)</i> "مردهای"	مردوون / <i>mærdun</i> "مردهاید"
مردووه / <i>mærduwæ</i> "مرده است"	مردوون / <i>mærdun</i> "مردهاند"

۱- فعل ماضی نقلی ناگذر از "بن ماضی + نشانهی ماضی نقلی "وو" (-u) + شناسه " ساخته می شود.

مثال: مردن / *mærdæn* "مردن"

مفرد	جمع
مردووم / <i>mærdum</i> "مردهام"	مردووین / <i>mærdujn</i> "مردهایم"
مردووی(ت) / <i>mærduj</i> "مردهای"	مردوون / <i>mærdun</i> "مردهاند"
مردووه / <i>mærduwæ</i> "مرده است"	مردوون / <i>mærdun</i> "مردهاند"

۲- ماضی نقلی گذرا از "بن ماضی + نشانهی ماضی نقلی "وو/و" (-u/-o) + ضمائر مفعولی و ضمائر فاعلی " ساخته می شود.

مثال: کوشت / *koʃt* "کُشت"

مفرد	جمع

کوشتوومه / kʊʃtumæ "کشته‌ام"	کوشتوومانه / kʊʃtumɔnæ "کشته‌ایم"
کوشتووته / kʊʃtutæ "کشته‌ای"	کوشتووتانه / kʊʃtutɔnæ "کشته‌اید"
کوشتوویه / kʊʃtujæ "کشته است"	کوشتویانه / kʊʃtujɔnæ "کشته‌اند"

(رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

• ماضی بعید:

"ماضی بعید که آن را "ماضی مقدم" و "گذشته‌ی گذشته" و "ماضی دور" نیز نامیده‌اند، فعلی است که انجام گرفتن کاری یا وقوع امری را در زمان گذشته‌ی دور می‌رساند و اغلب از نظر زمان، مقدم بر فعل دیگری است؛ از این رو آن را "ماضی مقدم" نیز نامیده‌اند" (احمدی‌گیوی، ۱۳۸۰: ۴۲۵).

ماضی بعید ناگذر از بن ماضی به‌اضافه‌ی نشانه‌ی ماضی بعید "بوو" (bu) به‌اضافه‌ی شناسه و ساخت گذرای آن از بن ماضی به‌اضافه‌ی نشانه‌ی ماضی بعید "بوو" (bu) به‌اضافه‌ی ضمائر مفعولی ساخته می‌شود. در واقع فعل ماضی بعید در گویش سورانی، هم در ساخت ناگذر و هم گذرا به کمک صیغه‌های ماضی ساده‌ی "بوو" (bu) به بن ماضی ساخته می‌شود.

"او را دیده بودم" æwə-m di bu

شیوه‌ی ساخت فعل ماضی بعید در زبان کردی سورانی<sup>۴۷</sup>:

۱- ماضی بعید افعال ناگذر از (بن ماضی + نشانه‌ی ماضی بعید "بوو" + شناسه) ساخته می‌شود.

مثال: کهوتن / kæwtən "افتادن"

مفرد	جمع
کهوت بووم / kæwt bum "افتاده بودم"	کهوت بووین / kæwt bujn "افتاده بودیم"

<sup>۴۷</sup> برای فعل ماضی بعید همچنین نک به: علی امین، نوری، ۲۰۱۲. ریزمانی کوردی. هه ولپیر: انتشارات رۆژ هه لات. صص ۱۵۹-۱۵۷.

کھوت بوون / kæwt bun "افتاده بودید"	کھوت بووی(ت) / (ت) kæwt buj(t) "افتاده بودی"
کھوت بوون / kæwt bun "افتاده بودند"	کھوت بوو / kæwt bu "افتاده بود"

۲- ماضی بعید افعال گذرا از(بن ماضی + نشانه‌ی ماضی بعید بوو + ضمائر مفعولی) ساخته می‌شود.

مثال: خستنن / xəstən "انداختن"

مفرد	جمع
خست بووم / xəst bum "انداخته بودم"	خست بوومان / xəst bumən "انداخته بودیم"
خست بووت / xəst but "انداخته بودی"	خست بووتان / xəst butən "انداخته بودید"
خست بووی / xəst buj "انداخته بود"	خست بووتان / xəst butən "انداخته بودند"

(رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

#### • آینده:

زمان آینده در گویش سورانی نیز مانند فارسی میانه از مشتقات فعل مضارع اخباری است. زمان آینده از نظر ساخت همان فعل مضارع اخباری است و تفاوت فعل مضارع و آینده در زبان کردی سورانی سماعی است (برای ساخت فعل مضارع نک به: بالا).

#### ۳-۱۰- شمار و شخص:

"ضمایر منفصل شخصی به طور کلی در گویش‌های گوناگون کردی اختلافات بسیار کمی با هم دارند" (فوشوم، ۱۹۱۹: ۶۱) به همین ترتیب در گویش سورانی نیز "فعل دارای سه شخص و دو شمار مفرد و جمع است" (رحیمی، ۱۳۹۱: ۱۰۲). صرف مصدر چوون / tʃun "رفتن" در زمان حال.

مفرد	جمع
من / mən "من"	چووم / tʃum "رفتم"
تو / to "تو"	چووی(ت) / tʃuh(t) "رفتی"
ئو / ʔæw "او"	چوو / tʃu "رفت"
	نئمه / ʔəmæ "ما"
	ئوه / ʔewæ "شما"
	ئهوان / ʔæwɒn "آنها/ایشان"
	چوون / tʃujn "رفتیم"
	چوون / tʃun "رفتید"

۳-۱۱- شناسه:

۱- شناسه‌های خاص وجه اخباری:

۱-۱- شناسه‌های خاص ماضی:

ناگذر:

شخص	مفرد	جمع
اول	-m / -əm :	-in / -ین
دوم	-i(t) / -(ت)	-ən / -ن
سوم	∅	-ən / -ن

گذرا:

شخص	مفرد	جمع
اول	-m / -م	-mɒn / -مان
دوم	-t / -ت	-tɒn / -تان

سوم	-ی / -j	-یان / -jɒn
-----	---------	-------------

### ۲-۱ - شناسه‌ی خاص مضارع:

شخص	مفرد	جمع
اول	-م / -əm	-ین / -in
دوم	-ی(ت) / -i(t)	-ن / -ən
سوم	-ئ / -e	-ن / -ən

### ۲ - شناسه‌ی خاص وجه امری:

فعل امر در گویش سورانی از پیوستن "ب- / -b" به ماده‌ی مضارع اخباری ساخته می‌شود.

شخص	مفرد	جمع
اول	.....	.....
دوم	بئ / b e "گو"	بئین / b en "گویید"
سوم	بئیت / b et "گوید"	بئین / b en "گویند"

### ۳ - شناسه‌های خاص وجه تمنایی:

شناسه‌ی فعل مضارع تمنایی در گویش سورانی شناسه‌های فعل مضارع است.



### ۳-۱۲- نشانه‌های نفی و نهی و استمرار:

"در گویش سورانی  $\text{ʔæ}$  و  $\text{dæ}$  نشانه‌های استمرار فعل‌اند" (رحیمی، ۱۳۹۱: ۵۳).

مثال:

$\text{ʔæ}$	$\text{Dæ}$
ئەبیسەم / $\text{ʔæbisəm}$ "می‌شنوم"	دەرۆم / $\text{dærom}$ "می‌روم"
ئەخەوم / $\text{ʔæxæwəm}$ "می‌خوابم"	دەکرەم / $\text{dækrəm}$ "می‌خرم"

"در گویش مذکور  $\text{mæ}$  نشانه‌ی نهی و  $\text{nd}$  نشانه‌ی نفی افعال هستند" (همان: ۵۳).

مثال:

$\text{Mæ}$	$\text{nd}$
مەرۆ / $\text{mæro}$ "مرو/نرو"	ناکەوئ(ت) / $\text{nkæwə(t)}$ "نمی‌افتد"
مەنە / $\text{mæwæ}$ "مخواب/نخواب"	ناخوا(ت) / $\text{ndxwə(t)}$ "نمی‌خورد"

### ۳-۱۳- افعال کمکی:

افعال کمکی در گویش سورانی:

مثال:

بوو /  $\text{bu}$  ← پوشت بووم /  $\text{roft bum}$  "رفته بودم"

ظاهراً تنها فعل کمکی در گویش سورانی (بوو /  $\text{bu}$  ->  $\text{bav}$ ) است که در ساخت ماضی بعید دیده می‌شود.

### ۳-۱۴- پیشوندهای فعلی:

"فعل‌های پیشوندی فعل‌هایی هستند که از یک پیشوند و یک فعل ساده ساخته می‌شوند" (احمدی-گیوی، ۱۳۸۰: ۸۴۸).

پیشوند در گویش سورانی:

در زبان کردی پیشوندهای گوناگونی وجود دارد. "این پیشوندها هرگاه بر سر فعل قرار گیرند، معنا و شکل آن را تغییر می‌دهند" (حاجی‌مارف، ۲۰۰۰: ۴).

رحیمی (۱۳۹۱: ۱۱۱-۱۱۲) پیشوندهای فعلی گویش سورانی را به دو دسته‌ی بسیط و غیر بسیط تقسیم کرده است.

• پیشوندهای بسیط

• -فعلی:

پیشوند	مثال	مثال
پـی- / pe-	پیکه‌نین / pe-kænin "خندیدن"	پیزانین / pe-zønin "متوجه بودن"
تـی- / te-	تیکوژشان / te-koʃʃøn "تلاش کردن"	تیکهوتن / te-kawtæn "افتادن"
دـا- / dɑ-	دامالین / dɑ-məljin "پایین آوردن"	داگرتن / dɑ-gærtæn "پایین آوردن"
رـا- / rɑ-	راخستن / rɑ-xæstæn "گستردن"	راپهرین / rɑ-pærin "ورجهیدن"
لـی- / le-	لیدان / le-døn "زدن"	لنیکهوتن / le-kæwtæn "شکست خوردن"
وهر- / wær-	وهرگرتن / wær-gærtæn "گرفتن"	وهرگیران / wær-gerbæn "ترجمه کردن"

ویچوون / we-ʃun "شباہت داشتن"	ویکھوتن / we-kæwtən "برافروختن"	وی- / we-
ریداکرتن / re-dɔŋgærtən "راه افتادن"	رِیخستن / re-xəstən "روانه کردن"	ری- / re-
هملفرین / hæ[-frin "پرواز کردن"	هملہاتن / hæ[-hɔtən "فرار کردن"	همل- / hæ[-

• پیشوندهای غیر بسیط فعلی:

پیشوند	مثال	مثال
پئ- + -دا = پئدا- / pedɔ-	پئداچوون / pedɔ-ʃun "وارد چیزی شدن"	پئدارشتن / pedɔ-rʃtən "فرو ریختن"
پئ- + -را = پئرا- / perɔ-	پئراگیشتن / perɔ-geʃtən "رسیدن به چیزی"	پئراگه‌یاندن / perɔ-gæjɔndən "اطلاع دادن"
پئ- + -وه = پئوه- / pewæ-	پئوه‌گریدن / pewæ-gredɔn "با هم گره دادن"	پئوه‌نالاندن / pewæ-ʔɔlpɔndən "با هم برافراشتن"
تئ- + -دا = تئدا- / tedɔ-	تئداچوون / tedɔ-ʃun "وارد کردن"	تئدامان / tedɔ-mɔn "درماندن"
تئ- + -را = تئرا- / terɔ-	تئرا بردن / terɔ-bærdən "فرو بردن"	تئرا کردن / terɔ-kærdən "فرو کردن"
تئ- + -وه	تئوه‌چوون / tewæ-ʃun "فرو شدن"	تئوه‌گلان / tewæ-glɔn "درگیر"

شدن "		=تیه- / tewæ-
لیراهاتن / lerp-hɔtən "وارد آمدن"	لیرا بردن / lerp-bərdən "فرو بردن"	لیرا + -را =لیرا- / lerp-

نوعی دیگر از پیشوندهای غیر بسیط از ترکیب جزء پیشین یا پیش بست (به - / be-، ده- / de-، ره- / re-، له- / le-، وه- / we-) با عدد (یهک / yak / ییک / yek) "یک" ساخته می شوند.

پیشوند	مثال	مثال
به- + یهک/ییک =پییک: pæ-+ jæk/jek =pek	پییکهاتن / pek-hɔtən "توافق کردن" پییکهینان / pek-hennən "به وجود آوردن"	
ده- + یهک/ییک =تیک: dæ-+jæk/jek =tek	تیکچوون / tek-tʃuən "میان به هم خوردن" تیکشکان / tek-ʃkən "شکست خوردن"	
رئ- + یهک/ییک =ریک: re-+jæk/jek =rek	ریکخستن / rek-xəstən "فراهم کردن" ریک بوون / rek-buən "موازی شدن، تفاهم کردن"	
وه- + یهک/ییک =ویک: wæ-+jæk/jek =wek	ویککهوتن / wek-kəwtən "با هم جنگیدن" ویکخستن / wek-xəstən "آویزان کردن"	

### ۳-۱۵- فعل مرکب:

"فعل مرکب از ترکیب دو واژه‌ی مستقل ساخته می‌شود؛ واژه‌ی نخست، اسم، صفت یا قید، و واژه‌ی دوم، فعل است" (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۷؛ ۷۷).

"اصطلاح فعل مرکب را به افعالی اطلاق می‌کنیم که از دو کلمه‌ی مستقل ترکیب یافته‌اند. کلمه‌ی اول اسم یا صفت یا ..... است و تغییر نمی‌پذیرد، یعنی صرف نمی‌شود. کلمه‌ی دوم فعلی است که صرف می‌شود و آن را "همکرد" می‌خوانیم. اطلاق فعل مرکب به این گونه کلمات از آن جهت است که از مجموع آن‌ها معنی واحدی دریافت می‌شود. هرگاه دو کلمه از این انواع که ذکر شد دو معنی را به ذهن القا کنند، یعنی هر یک از اجزاء معنی مستقل و اصلی خود را حفظ کرده باشند، اطلاق اصطلاح فعل مرکب به آن‌ها درست نیست، بلکه از دو جزء جداگانه‌ی جمله سخن باید گفت" (خانلری، ۱۳۸۷، جلد ۲: ۱۲۸).

ساخت فعل مرکب زبان کردی گویش سورانی:

- در گویش سورانی هم فعل از ترکیب یک اسم، صفت، قید و ادات با فعل ساده ساخته می‌شود.

ردیف	ساخت	مثال
۱	اسم ساده+فعل	دهس(ت) برین / dəs(t)-bərin "معطل کردن"
۲	اسم مرکب+فعل	ماستاو کردن / məst-əw-kərdən "تملق کردن"
۳	صفت+فعل	روورهش کردن / rurəf-kərdən "خجالت کردن"
۴	قید+فعل	پیش خستن / pəf-xəstən "جلو انداختن"
۵	عدد+فعل	یهک گرتن / jæk-gərt "متحد شدن"
۶	ادات+فعل	خوزگه خواردن / xozgə-xwərdən "آرزو کردن"
۷	اسم مصدر+فعل	پرس کردن / pərs-kərdən "پرسیدن"

### ۳-۱۶- عبارت فعلی:

"عبارت فعلی به دسته‌ای از کلمه‌های وابسته به هم گفته می‌شود که از مجموع آن‌ها معنی واحدی حاصل می‌شود و آن اغلب معادل مفهوم یک فعل ساده یا یک فعل مرکب است.

عبارت فعلی افزون بر تعریف بالا باید شرایط زیر را دارا باشد:

۱. بیش از دو کلمه باشند.
۲. یکی از کلمه‌های عبارت، حرف اضافه باشد.
۳. مجموع عبارت، معنی مجازی داشته باشد؛ یعنی مفهوم صریح هیچ‌یک از اجزای مورد نظر نباشد یا به ذهن شنونده نیاید" (احمدی‌گیوی، ۱۳۸۰: ۱۱۲۴-۱۱۲۳).

عبارت فعلی در گویش سورانی هم وجود دارد.

مثال	ردیف
له کار دهرهاتن / læ kør dær hətən "پخته شدن، آزمون پس دادن"	۱
به دهست هینان / bæ dəst hennən "صاحب شدن"	۲
به‌سه‌ر کار نان / bæ sər kør nən "منتظر کردن"	۳
ئاگر تیبهر بوون / ʔəgər tɛpər bun "عصبانی شدن"	۴

## فصل چهارم

### مقایسه

همانگونه که در بخش نخست ذکر کردیم زبان کردی زیر مجموعه ای است از زبانهای ایرانی نو غربی و فارسی میانه زیر مجموعه ای از زبان های ایرانی میانه. این دو گونه ی زبانی، هر دو هم خانواده هستند. یکی کهن تر و یکی جدیدتر. البته در این مجال باید خاطرنشان شود که ما شواهد از زبان کردی میانه نداریم. نمی دانیم سرعت تحول این زبان از دوران میانه تا چه حد بوده است. تنها چیزی که یقین به آن قطعی است این است که زبان کردی نیز از دوران ایرانی باستان (که زبانی انتزاعی و فرضی است که بر ساخته ای است از اطلاعات ما از تمام متون به جا مانده از زبان های آن دوره همچون اوستا، فارسی باستان و ...) تا عصر حاضر تحولاتی را طی نموده و از سر گذرانده. این تحولات را می توان مشابه با تحولات دیگر گویش ها و زبان های ایرانی دانست. به عنوان مثال یکی از این تحولات مشابه در تمام زبان ها و گویش های ایرانی، حرکت از سمت زبان های تصریفی به سوی زبان های تحلیلی است. کردی نیز مشمول این قاعده قرار گرفته است. در نظام فعلی، که موضوع رساله ی حاضر نیز هست، مشابهت ها و تفاوت هایی میان زبان کردی سورانی و زبان فارسی میانه ی زردشتی وجود دارد. فصل حاضر بر آن است تا بر پایه ی اطلاعات دو فصل پیشین، که نظام فعل و مشتقات آن در فارسی میانه و کردی سورانی مورد بررسی قرار گرفت، مقایسه ای به عمل آورد. بدیهی است مقایسه ی حاضر صرفاً محصور به مسأله ی ساختمان فعل خواهد بود و با سطوح نحوی و معنایی سر و کار نخواهد داشت.

مقولاتی که مقایسه ذیل آنها به عمل خواهد آمد عبارت است از:

- مواد فعلی
- بابهای لازم و متعدی
- وجوه فعلی
- زمانهای فعلی اعم از ماضی، مضارع و امر
- شمار مفرد و جمع
- اشخاص اول و دوم و سوم
- شناسه های خاص فعل مضارع، شناسه های خاص فعل امر، شناسه های خاص فعل التزامی، شناسه ی خاص فعل تمنایی
- نشانه های نهی، نفی، استمرار و تأکید
- مشتق های اسمی و صفتی
- فعل های کمکی



- پیشوندهای فعلی
- فعل مرکب
- عبارت فعلی

(حق شناس و دیگران، ۱۳۸۷: ۳۱-۹۵؛ احمدی گیوی، ۱۳۸۰، دو جلد)

#### ۴-۲- مقایسه ی ماده های افعال در فارسی میانه و کردی سورانی:

این دو گونه ی زبانی هر یک دارای ساختمان های خاصی از مواد فعلی هستند. ذیلا ماده های فعلی را در هر دو گونه ی زبانی بررسی می کنیم و مقایسه به عمل می آوریم. در کردی سورانی دو نوع ماده وجود دارد. یکی مضارع و یکی ماضی. این امر در فارسی میانه نیز مشابه است. ماده های مضارع در فارسی میانه، صورت های تحول یافته از ماده های مضارع دوران باستان است. با همان اضافات ماده ساز باستانی که اکنون، در فارسی میانه، تحول یافته و به مثابه جزئی مرده درآمده اند. لازم به ذکر است از آن جهت که در بخش مربوط به بررسی ساختمان فعل در کردی سورانی ساختمان ماده ی مضارع و روش استخراج آن را از مصدر توضیح دادیم، ابتدا مصدر را در هر دو گونه ی زبانی مورد بررسی قرار می دهیم:

#### ۴-۲-۱- ساختمان مصدر:

- در کردی:

همانگونه که ذکر آن رفت در کردی سورانی، ساختمان مصدر دارای پنج نشانه است که ذیلا آنها را ذکر می کنیم:

- مصدرهای مختوم به "-an / ان-":

مثال:

ناگذر	گذرا
برژان / bəɾʒɔn "برشتن"	شیلان / ʃelɔn "مشت و مال دادن"
گه‌ران / gəɾɔn "گشتن"	پئوان / pewɔn "پیمودن"

- مصدرهای مختوم به "-(i)n/ین-":

مثال:

ناگذر	گذرا
بارین / bərin "باریدن"	برین / bərin "بریدن"
بهزین / bæzin "شکست خوردن"	پرسین / pərsin "پرسیدن"

- مصدرهای مختوم به "-tən/تن-":

مثال:

ناگذر	گذرا
کهوتن / kəwtən "افتادن"	کوشتن / nəkʊʃt "کشتن"
خهوتن / xəwtən "خوابیدن"	گرتن / gərtən "گرفتن"

- مصدرهای مختوم به "-un/وون-":

مثال:

ناگذر	گذرا
بوون / bun "بودن"	دروون / drun "دوختن"
چوون / tʃun "رفتن"	گروون / grun "پوست کندن"

- مصدرهای مختوم به "-dən/دن-":

مثال:

ناگذر	گذرا
مردن / mærdən "مردن"	بردن / bərdən "بردن"
.....	خویندن / xwendən "خواندن"

برخی از مصدرها دو شیوه و فرم گوناگون به لحاظ ساختی دارند:

مثال:

وهرین / warin "ریختن"	وهران / wærɒn "ریختن"
هینان / hɛnɒn "آوردن"	هاوردن / hɔwɔrdɛn "آوردن"

مصدر فعل بی‌شخص و زمان است و می‌تواند مثل اسم، نشانه‌های معرفه و نکره و اضافه را بگیرند.

مثال:

مردنه‌ک‌ه‌ی / mærdɛn-æ:kæj "مرگ او"

مردنیک / mærdɛn-ek "مرگی"

مصدرهایی هستند که بدون "وند" معنی کاملی نمی‌دهند.

مثال:

پاران / pɔrɒn "التماس کردن"	پاران / pɔrɒn "التماس کردن"
پاران‌ه‌ / pɔrɒnæwæ "التماس کردن"	پاران / pɔrɒn "التماس کردن"
داپلوسین / dɔpɫosin "کتک کاری کردن"	پلوسین / pɛɫosin "کتک کاری کردن"

#### • در فارسی میانه:

مصدر در فارسی میانه ی از دو طریق ساخته می‌شود:

۱- ماده‌ی ماضی به تنهایی در مقام مصدر (مصدر مرخم در فارسی نو):

«آمدن» āmad

«رفتن» raft

۲- به ماده‌ی ماضی an- (بازمانده ی -tanai- ایرانی باستان) افزوده می‌شود:

«آمدن» āmadan

«رفتن» raftan

در فارسی میانه نمی‌توان ساخت مصدر را افزودن «-tan» یا «-dan» به در نظر گرفت زیرا در

آن صورت باید با حذف آنها ماده‌ی فرضی که در فارسی میانه وجود ندارد.

مثلاً اگر چنین باشد باید با حذف «-tan» از raftan، ماده‌ی raf- باقی بماند. ماده‌ی raf-

در فارسی میانه وجود ندارد و حائز معنا نمی‌باشد.

اما در مقام مقایسه میان این هر دو ساخت باید گفت که می توان احتملا پسوندهای مصدر ساز در کردی و فارسی میانه را هر دو بازمانده ای از پسوند \*-tanai ایرانی باستان دانست. در اثر فرآیندهای واجی از ایرانی باستان به فارسی میانه و نیز مجزائا به کردی سورانی -t- این پسوند در -t- مادهی ماضی ادغام شده و مصوت آن در فارسی میانه -a- باقی مانده است اما در کردی بنا بر محیط خاص آوایی اش ، که مختوم شدن مادهی فعل به -D- ، -i- و -u- ، در این واج ها ادغام شده و به -D- ، -i- و -u- بدل شده است.

#### ۴-۲-۲- مادهی مضارع:

##### • در کردی:

مادهی مضارع از ریشهی فعل در گویش سورانی با نشانههای متفاوتی ساخته می شود.

##### ۱- نشانهی -e :

مصدر	مادهی ماضی	مادهی مضارع	مثال
kʊljɒn	kʊlj-	kʊ[e]-	daækʊ[e]-m "پخته می شوم"
təkɒn	təkɒ-	təke-	"می چکم" dætəke-m

نشانهی "e" در مادهی مضارع معمولا وقتی می آید که نشانهی مادهی ماضی "ɒ" و یا "i" باشد. ولی این قانون شامل همهی افعال نمی شود.

مصدر	مادهی ماضی	مادهی مضارع	
mɒn	mɒ-	men-	"می مانم" dæmen-əm

در این فعل، گرچه نشانه‌ی ستاک گذشته "n" می‌باشد، ولی نشانه‌ی ماده‌ی مضارع، - "en" است.

۲- یکسانی نشانه‌ی ماده‌ی مضارع، با نشانه‌ی ماده‌ی ماضی:

færmu n	færmu -	færmu -	"می‌فرمایم" dæfærmu -m
bæstæn	bæst-	bæst-	"می‌بندم" dæbæst- æm

۳- ماده‌ی مضارع با ماده ماضی یکسان است.

kæwtæn	kæwt-	kæw-	"می‌افتم" dækæw-æm
mærdæn	mærd-	mær-	"می‌مردم" dæmærd- æm

۴- ماده‌ی مضارع با ماده ماضی تفاوت آوایی دارد.

"e" در ماده‌ی مضارع، "n" در ماده ماضی:

nærdæn	nærd-	ner-	"می‌فرستم" dæner-æm
--------	-------	------	------------------------

"z" در ماده‌ی مضارع، "s" در ماده ماضی:

gæstən	gæst-	gæz-	"گاز می‌زنم" dægæz-əm
--------	-------	------	--------------------------

"i" در ماده‌ی مضارع، در مقابل "j" در ماده ماضی:

gicjøn	gicjɔ-	gəri-	"گریه می‌کنم" dægri-m
--------	--------	-------	--------------------------

"u" و "z" در ماده‌ی مضارع، "ɔ" و "j" در ماده ماضی:

kɔjtən	kɔjt-	kuɜ-	"می‌کشم" dækuɜ- əm
--------	-------	------	-----------------------

"e" و "z" در ماده‌ی مضارع، "ə" و "j" در ماده ماضی:

rəjtən	rəjt-	rez-	"می‌ریزم" dærez- əm
--------	-------	------	------------------------

۵- تفاوت از نظر تعداد صدا:

نبودن "s" در ماده‌ی مضارع، بودن آن در ماده ماضی:

nustən	nust-	nu-	"می‌خواهم" dænu-m
--------	-------	-----	----------------------

نبودن "z" و "j" در ماده‌ی مضارع، بودن آن‌ها در ماده ماضی:

rojftæn	rojft-	ro-	"می‌روم" dæro-m
---------	--------	-----	--------------------

۶- تفاوت از نظر نوع و تعداد صدا:

"e" در ماده‌ی مضارع، "i" و "s" در ماده ماضی:

wistæn	wist-	we-	"می‌خواهم" dæmæ-we
--------	-------	-----	-----------------------

"a" در ماده‌ی مضارع، "ə" و "s" در ماده ماضی:

xæstæn	xæst-	xæ-	dæxæ- m "می-" اندازم
--------	-------	-----	-------------------------------

"a" در ماده‌ی مضارع، "ə" و "r" در ماده ماضی:

bærdæn	bærd-	bæ-	"می‌برم" dæbæ- m
--------	-------	-----	------------------------

۷- دسته‌ای از افعال هستند که ماده‌ی مضارع آنها با ماده‌ی ماضی‌شان کاملاً متفاوت است. شاید در اصل از دو ریشه‌ی متفاوت باشند.

gʊtən	gʊt-	lɛ-	"می گویم" dæ ɛ-m
ditən	dit-	bin-	dæbin- əm "می بینم"

به منظور به دست آوردن ماده‌ی مضارع از مصدر نیز افعال در دو دسته‌ی باقاعده و بی‌قاعده تقسیم-بندی می‌شوند:

افعال با قاعده افعالی هستند که اگر نشانه‌های مصدر و تکرار ماضی‌ساز را برداریم "بن مضارع" به دست می‌آید.

افعال دیگری که در بدست آوردن بن مضارع از قاعده‌ی بالا پیروی نمی‌کنند، افعال بی‌قاعده هستند. مناسب‌ترین راه بدست آوردن بن مضارع فعل‌ها، مخصوصاً فعل‌های بی‌قاعده، صرف آن‌ها در زمان مضارع اخباری یا آوردن فعل امر آن‌هاست که با برداشتن نشانه‌های مضارع و شناسه‌های فعل مضارع اخباری یا نشانه‌ی امر بن مضارع به دست می‌آید.

بی‌قاعده	باقاعده
دیتن "دیدن" ← بین "بین" ditən → bin	خویندن "خواندن" ← خوین "خوان" xwendən → xwen
وتن "گفتن" ← بئژ/ویژ "گو" wətən → beʒ/weʒ	هینان ← هین "آور" hennən → hen
دەن "دادن" ← دە "ده" dæn → də	لەرزین ← لەرز "لرز" lærzin → lærz

بئژه ← بئژ/ویژ "گو" beʒæ → beʒ/weʒ	بژی ← ژی "زی" bəʒi → ʒi
---------------------------------------	----------------------------

#### • در فارسی میانه:

ماده‌ی مضارع را در فارسی میانه به نحوی دیگر مورد بررسی قرار دادیم. در بخشی که به ساختمان فعل در فارسی میانه اختصاص داده شده بود رابطه‌ی ماده‌های مضارع فارسی میانه



را با ماده ها و ماده سازهای ایرانی باستان، به نحوی اجمالی، شرح دادیم. این شرح به نحو زیر است:

همه ی ماده های مضارع، واداری، و آغازی ایرانی باستان در فارسی میانه در قالب «ماده ی مضارع» متبلور شده اند:

۱- ماده ی مضارع ایرانی باستان:

فارسی باستان: <gaub-a- < فارسی میانه: <gō(w) «گفتن»

اوستایی: <pā-ya- < فارسی میانه: <pāy «پاییدن»

اوستایی: <stāv-aya- < فارسی میانه: <stay «ستودن»

اوستایی: <jan- < فارسی میانه: <zan «زدن»

ایرانی باستان: <abi-hištā- (ماده ی مضاعف از ریشه ی <\*stā- < فارسی میانه: <ēst «ایستادن»

اوستایی: <\*su-n-b- < فارسی میانه: <sumb «سفتن»

اوستایی: <vərə-nao- < فارسی میانه: <wurrōy «گرویدن»

اوستایی: <ā-frī-nā- (حسن دوست (۱۳۹۳: ۹۰) آن را از صورت ā-brī-nā می داند) < فارسی میانه: <āfrīn-/āfur «آفریدن»

اوستایی: <tan-u- < فارسی میانه: <tan «تنیدن»

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۹-۱۶۸)

۲- ماده ی واداری ایرانی باستان:

بازمانده های ماده ی واداری در فارسی میانه همواره به صورت فعل متعدی به کار می روند. اوستایی: <tāb-aya- «گرم کردن، روشن کردن» < فارسی میانه: <tāb «تافتن، سوزاندن؛ درخشیدن»

۳- ماده ی آغازی ایرانی باستان:

در فارسی میانه، بازمانده های ماده ی آغازی ایرانی باستان از نظر معنی فرقی با بازمانده های غیر آغازی ندارند:

ایرانی باستان: \*hwap-s-a- < فارسی میانه : -xwafs «خفتن» (از لحاظ معنایی هیچ تفاوتی با کلمه ی به جای مانده از ماده‌ی غیر آغازی -xwāb ندارد) (همان: ۱-۱۷۰) ماده‌ی مضارع در فارسی میانه ممکن است با ماده‌ی ماضی از یک ریشه ی باستانی باشد یا نباشد.

در مقام قیاس میان ماده های مضارع در کردی سورانی و فارسی میانه باید گفت که هم ماده‌ی مضارع کردی سورانی و هم فارسی میانه هر دو بازمانده ی ماده های مضارع ایرانی باستان اند که هر کدام مشمول تحولات واجی و آوایی مخصوص به گونه ی زبانی خود شده اند. به عنوان مثال چند ماده‌ی مضارع از دو گونه ی زبانی به همراه صورت ایرانی باستان آنها را در جدول زیر می آوریم:

کردی سورانی	فارسی میانه	ایرانی باستان
xwen-	xwān-	*hvān-a-
dæ-	dah-	*dada-
men-	mān-	*mān-a-
kuʒ-	kuš-	*kuš-a-
reʒ-	rēz-	*raič-a-
ro-	raw-	*rab-a-
we-	xwāh-	*hvād-a-

جدول بالا تا حدی می تواند به مثابه مشتق از خروار باشد و نمایانگر این ایده باشد که ماده مضارع سازهای ایرانی باستان و نیز مواد مضارع ایرانی باستان با قواعد درونی مخصوص به هر دو گونه ی زبانی تحول یافته اند اما پیوندهای میان آن دو هنوز به وضوح قابل رؤیت است.

#### ۴-۲-۳- ماده‌ی ماضی:

##### • در کردی:

ماده‌ی ماضی در گویش سورانی از ریشه‌ی فعل<sup>۴۸</sup> + نشانه‌های زیرساخته می‌شود.

##### • "p-":

<sup>۴۸</sup> در این گویش هم گاهی ریشه همان ماده‌ی مضارع فعل هم هست و در این موارد از لحاظ ساختی هیچ تفاوتی مابین ریشه و ماده وجود ندارد.

مثال:

مصدر	ماده‌ی ماضی	
mɒn "ماندن"	mɒ-	mɒ-m "ماندم"

• "-i":

مثال:

tɒʃɪn "تراشیدن"	tɒʃɪ-	tɒʃɪ-m "تراشیدم"
-----------------	-------	------------------

• "-u":

مثال:

tʃʊn "رفتن"	tʃʊ-	tʃʊ-m "رفتم"
-------------	------	--------------

• "-t":

مثال:

həʃtən "گذاشتن"	həʃt-	həʃt- "گذاشتم" əɪm
-----------------	-------	-----------------------

• "-d":

مثال:

bərdən "بردن"	bərd-	bərdə-m "بردم"
---------------	-------	----------------

• در فارسی میانه:

صفت های فاعلی و مفعولی (به ترتیب از ماده های ناگذر و گذرا) گذشته را در ایرانی باستان از درجه ی ضعیف ریشه با اضافه کردن پسوند -ta- می ساخته اند. در فارسی میانه، بازمانده ی صفت های فاعلی و مفعولی گذشته ی ایرانی باستان را ماده‌ی ماضی به

حساب آورده اند. این ساخت معمول ماده های ماضی در فارسی میانه است (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱-۱۷۰):

اوستایی:  $bərə-ta$  < فارسی میانه:  $burd$  «برد»

اگر بخواهیم میان ماده های ماضی کردی سورانی و فارسی میانه مقایسه ای به عمل آوریم باید بگوییم که ماده های ماضی در کردی سورانی از لحاظ منشأ ایرانی باستان دو گانه هستند. این سخن به این معنا است که دو نشانه ی آخر از پنج نشانه ی ماضی ساز دقیقاً در همراهی با فارسی میانه از  $-ta$  صفت فاعلی و مفعولی گذشته ساز ایرانی باستان تحول شده اند. به سخن دیگر از دوران ایرانی میانه به بعد، با ریزش ماده های ماضی از ساختمان زبان های ایرانی غربی، صفت های فاعلی و مفعولی گذشته را به عنوان ماده ی ماضی فرض کردند و آن را در گردونه فعلی زبان وارد کردند.

دومین دسته از ماده های ماضی در کردی سورانی، که در فارسی میانه نمونه ای از آن یافت نمی شود، از لحاظ صورت ایرانی باستان بسیار گنگ هستند. می توان حدس زد که سه مورد نخست از پنج نشانه ی ماده ی ماضی همه دارای یک منشأ واحد بوده اند که در اثر محیط های آوایی متفاوت به سه حالت منقسم گشته اند. در مقام فرضیه ای می توان این ماده سازهای فعل ماضی را صورتی تحول یافته از  $-a$  ماده ی ماضی ساز ایرانی باستان در نظر گرفت (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۵۲) که همانطور که پیش تر شرح آن آمد، به دلیل به کار رفتگی در محیط های آوایی متفاوت به سه حالت  $-D$ ،  $-i$  و  $-u$  در آمده اند.

#### ۴-۲-۴- ماده های واداری:

##### • در کردی:

ماده ی واداری در کردی سورانی با افزودن  $-Dn$  به ماده ی مضارع ساخته می شود:

خەو + اندن = خەواندن /  $xaw-ɔndən$  "خواباندن"

شکا + اندن = شکانندن /  $ʃkə-ɔndən$  "شکستن"

##### • در فارسی میانه:

ماده‌ی واداری در فارسی میانه با افزودن ēn- به ماده‌ی مضارع ساخته می‌شود:

raw- ← raw-ēn-ēd «روانه می‌کند» (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۸۱-۸۰)

فرآیند ساخت ماده‌ی واداری در کردی سورانی و فارسی میانه بسیار نزدیک به یکدیگر است. یعنی افزودن یک تکواژ، که بازمانده‌ی -aya- ماده‌ی واداری ساز ایرانی باستان است به ماده‌ی مضارع. باید خاطر نشان کرد که در هر دوی این گونه‌های زبانی، ماده‌های واداری متعددی یا گذرا هستند.

#### ۴-۲-۵- مشتقات ماده‌ی مضارع:

##### • در کردی:

در گونه‌ی زبانی کردی سورانی، ساخت‌های مضارع اخباری، استمراری و آینده چه لازم و چه متعددی همه از یک ساخت تبعیت می‌کنند.

• فعل مضارع ساده‌ی ناگذر از "نشانه‌ی استمراری ده-ئه- + بن مضارع + شناسه" ساخته می‌شود.

مثال: خهوتن / xæwtən "خوابیدن"

مفرد	جمع
دهخه‌وم / dæxæwəm "می- خوابم"	دهخه‌وین / dæxæwin "می- خوابیم"
دهخه‌وی(ت) / dæxæwi(t) "می‌خوابی"	دهخه‌ون / dæxæwən "می- خوابید"
دهخه‌وی / dæxæwe "می- خوابد"	دهخه‌ون / dæxæwən "می- خوابند"

- فعل مضارع ساده‌ی گذرا از "نشانه‌ی استمراری ده-ئه- + بن مضارع + شناسه" ساخته می‌شود.

مثال: نووسین/ nusin "نوشتن"

مفرد	جمع
ئهنووسم/ $\text{?ænusəm}$ "می‌نویسم"	ئهنووسین/ $\text{?ænusin}$ "می‌نویسم"
ئهنووسی(ت)/ $\text{?ænusi(t)}$ "می‌نویسی"	ئهنووسن/ $\text{?ænusən}$ "می‌نویسید"
ئهنووسی/ $\text{?ænuse}$ "می‌نویسد"	ئهنووسن/ $\text{?ænusən}$ "می‌نویسید"

افعال مضارع استمراری و آینده نیز دقیقاً چنین ساختی دارند..

- فعل امر در گویش سورانی از پیوستن "ب- /-b" به بن مضارع ساخته می‌شود.

مثال:

برۆ/ bro "برو"

بهینه/ bhena "بیاور"

بچۆ/ bçfo "برو"

- مضارع التزامی در گویش سورانی از پیوستن نشانه‌ی "ب- /-b" التزامی به بن مضارع ساخته می‌شود.

مثال:

برۆ/ bro "برو"

بنوو/ bnu "بخواب"

بشۆ/ bçfo "بشور"

- فعل تمنایی مضارع در گویش سورانی از پیوستن "ب- /-b" به بن مضارع و شناسه مضارع ساخته می‌شود.

مثال:

"(کاش) می‌رود" (fæ[p] bʃet)

• در فارسی میانه:

مشتقات ماده‌ی مضارع در فارسی میانه عبارت است از:

• مضارع اخباری:

برای ساختن مضارع اخباری، شناسه‌های خاص مضارع اخباری به ماده‌ی مضارع افزوده می‌شود:

	مفرد		جمع	
۱	raw- ēm/om/am <sup>۴۹</sup>	می روم	raw-ēm/om/am	می رویم
۲	raw-ē(h)	می روی	raw-ēd	می روید
۳	raw-ēd	می رود	raw-ēnd/and	می روم

(آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۴).

• فعل امر:

فعل امر با پیوستن شناسه‌های خاص فعل امر به ماده‌ی مضارع به وجود می‌آید. فعل امر دوم شخص شناسه ندارد و ماده‌ی مضارع به تنهایی در جایگاه فعل امر به کار می‌رود:

kun- «بکن»

raw- «برو»

اما گاهی به این صیغه، شناسه‌ی ē- افزوده می‌گردد:

farmāyē «بفرما»

<sup>۴۹</sup> شناسه‌های -om و -am (اول شخص جمع مفرد) در متون پهلوی زردشتی، صورت‌های متأخر هستند.

• مضارع التزامی:

برای ساختن مضارع التزامی، شناسه‌های مضارع التزامی به ماده‌ی مضارع افزوده می‌شوند:

مفرد		جمع	
۱	(raw-ām)	بروم	(raw-ām)
۲	(raw-āy)	بروی	(raw-ād)
۳	raw-ād	برود	raw-ānd

(آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۴).

• فعل تمنایی (خواستاری):

ساختمان این فعل عبارت است از پیوستن شناسه‌ی خاص فعل تمنایی به ماده‌ی مضارع. این شناسه  $-ēh$  است. موارد استفاده‌ی این فعل در جایگاهی است که قرار است آرزو و یا شک و تردید گوینده نشان داده شود. باید خاطرنشان شود که از این نوع فعل در جملات شرطی نیز استفاده می‌شود:

bēh «باشدی»

ahreman...be ōzanēm, abāz dahē(h), awāwandīh...agar-im ān «اگر آن

نیرومندی را... به من بازدهی، اهریمن را... بکشم».

(آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۴-۷۵).

در مقام مقایسه و بیان تفاوت‌ها باید گفت که ساختمان مضارع متعدی و لازم در کردی سورانی اعم از اخباری، استمراری و آینده تفاوتی ندارند. در فارسی میانه نیز چنین است. گاهی برای نشان دادن استمرار در فارسی میانه، چنانکه در بخش‌های پیشین شرح آن گذشت پیشوند hamē و در گونه‌ی کردی سورانی æ و dæ به فعل اضافه می‌شوند. بنابراین نشان دادن نمود استمراری در هر دوی این گونه‌های زبانی امری نیست که در ساختمان خود فعل خود را نشان دهد بلکه از طریق ملحقات و اضافات است که این امر بروزمی کند.



اما در مضارع التزامی، فارسی میانه دارای شناسه‌های مخصوص به خود است که در بخش شناسه‌ها خواهد آمد. کردی سورانی برای مضارع التزامی از همان شناسه‌های مضارع اخباری بهره می‌برد.

در فعل امر نیز ساخت‌ها دقیقاً یکسان‌اند. ماده‌ی مضارع بدون هیچ شناسه‌ای می‌تواند امر باشد.

در فعل تمنایی نیز تفاوت در شناسه‌ها است که در بخش شناسه شرح آن خواهد آمد.

#### ۴-۲-۶- مشتقات ماده‌ی ماضی:

- در کردی:

ماضی ساده در گویش سورانی در افعال ناگذر و گذرا به شیوه‌ی زیر ساخته می‌شود:

- ماضی ساده:

فعل ماضی ساده‌ی ناگذر از "بن ماضی + شناسه" ساخته می‌شود.

مثال: هاتن / hətən "آمدن"

مفرد	جمع
هاتم / hətəm "آمدم"	هاتین / hətin "آمدیم"
هاتی(ت) / həti(t) "آمدی"	هاتن / hətən "آمدید"
هات / hət "آمد"	هاتن / hətən "آمدید"

فعل ماضی ساده‌ی گذرا از "بن ماضی + ضمائر مفعولی" ساخته می‌شود.

مثال: هاوردن / həwərdən "آوردن"

مفرد	جمع
هاوردم / həwərdəm "آوردم"	هاوردمان / həwərdmən "آوردیم"
هاوردی(ت) / həwerdi(t) "آوردی"	هاوردتان / həwərdtən "آوردید"
هاوردی / həwərdy "آورد"	هاوردیان / həwərdijən "آوردند"

"زبان کردی با ساخت پایه‌ای فاعل-مفعول-فعل، در زمره‌ی زبان‌های کنایی قرار می‌گیرد و ساخت کنایی(ارگاتیو) در این زبان، از نوع زبان مبناست؛ به بیانی دیگر ساخت کنایی در زبان کردی، محدود به بافتی است که در آن، فعل اصلی جمله، نشانگر زمان گذشته باشد. با توجه به این تعمیم، انتظار می‌رود در همه‌ی ساخت‌های متعدی که فعل اصلی جمله از بن ماضی مشتق شده است، شاهد الگوی کنایی باشیم"(کریمی، ۱۳۹۱: ۲). در واقع گویش‌های زبان کردی و به طبع گویش سورانی در زمان ماضی متعدی ساخت ارگاتیو دارد. از این جهت با زبان فارسی میانه مطابقت دارد.

• ماضی استمراری:

"ماضی استمراری در بعضی از زبان‌های هند و اروپایی امروز برای فعلی به کار می‌رود که در جریان وقوع بوده و به پایان نرسیده است. به این سبب است که آن را غالباً ماضی ناتمام یا غیرتام می‌خوانند، در مقابل ماضی تام یا مطلق که پایان قطعی جریان فعل را بیان می‌کند و آن را ماضی کامل یا ساده نیز می‌نامند"(خانلری، ۱۳۸۷: ج ۲: ۲۲۱).

مفهوم استمرار در گویش سورانی به آوردن "ده- /ئه-" پیش از فعل لازم یا متعدی آورده می‌شود. مابین "ده- و ئه-" هیچ تفاوتی در القای معنای استمرار نیست و هر دو از یک میزان بسامد کمی برخوردارند. زمان گذشته‌ی استمراری در سورانی-هم گذرا و هم ناگذر- از بن ماضی ساخته می‌شود. اما در دو ساخت گذرا و ناگذر متفاوت است. بدین گونه که ماضی استمراری ناگذر از پیوستن "ده- /ئه-" به بن ماضی و شناسه‌های خاص آن ساخته می‌شود.

شیوه‌ی ساخت ماضی استمراری در گویش کردی سورانی:

"ماضی استمراری افعال ناگذر از(نشانه‌ی استمراری "ده- /ئه-" + بن ماضی + شناسه) ساخته می‌شود.

مثال: هاتن / hətən "آمدن"

مفرد	جمع
------	-----

ʔæ/dæhtin / نه/دههاتین "می آمدیم"	ʔæ/dæhtəm / نه/دههاتم "می آمدم"
ʔæ/dæhatən / نه/دههاتن "می آمدید"	ʔæ/dæhti (ت) / نه/دههاتی(ت) "می آمدی"
ʔæ/dæhatən / نه/دههاتن "می آمدید"	ʔæ/dæht / نه/دههات "می آمد"

ماضی استمراری افعال گذرا از(نشانه‌ی استمراری "ده- / نه- " + ضمائر مفعولی + بن ماضی) ساخته می‌شود.

مثال: هینان / henon "آوردن"

مفرد	جمع
نه/دهمهینا / ʔæ/dæmhenn "می آوردم"	نه/دهمانهینا / ʔæ/dæmɒnhenn "می- آوردیم"
نه/دهیهینی(ت) / ʔæ/dæjhene(t) "می- آوردی"	نه/دهتانهینا / ʔæ/dætɒnhenn "می- آوردید"
نه/دهیهینی(ت) / ʔæ/dæjhene(t) "می آورد"	نه/دهیانهینا / ʔæ/dæjɒnhenn "می- آوردند"

• ماضی نقلی ساده:

ماضی نقلی در گویش سورانی با بن ماضی ساخته می‌شود. در ماضی نقلی ساخت ناگذر، نشانه‌ی ماضی نقلی "وو" (-u) به بن ماضی اضافه می‌شود و پس از آن شناسه‌های خاص ماضی نقلی می‌آید. ماضی نقلی ساخت گذرا نیز مانند ساخت ناگذر آن از پیوستن نشانه‌ی ماضی نقلی "وو" (-u) به بن ماضی ساخته می‌شود. اما در ساخت گذرا این ماده به ضمائر مفعولی و فاعلی می‌پیوندند و فعل ماضی نقلی گذرا ساخته می‌شود.

ماضی نقلی در گویش سورانی ساختاری مانند فارسی میانه دارد و مانند آن از فاعل واقعی به صورت عامل قبل از ماده‌ی ماضی می‌آید. یعنی در اینجا هم ما با ارگاتیو روبرو هستیم.

مثال: مردن / mærdən "مردن"

مفرد	جمع
مردووم / mærdum "مردهام"	مردووين / mærdujn "مرده-ایم"
مردووی(ت) / mærduj(t) "مردهای"	مردوون / mærdun "مرده-اید"
مردووه / mærduwæ "مرده است"	مردوون / mærdun "مرده-اند"

فعل ماضی نقلی ناگذر از "بن ماضی + نشانه‌ی ماضی نقلی -وو(-u) + شناسه" ساخته می‌شود.

مثال: مردن / mærdən "مردن"

مفرد	جمع
مردووم / mærdum "مردهام"	مردووين / mærdujn "مرده-ایم"
مردووی(ت) / mærd(u) "مرده-ای"	مردوون / mærdun "مرده-اند"
مردووه / mærduwæ "مرده است"	مردوون / mærdun "مرده-اند"

• ماضی نقلی گذرا از "بن ماضی + نشانه‌ی ماضی نقلی -وو(-o/-u) + ضمایر مفعولی + ضمایر فاعلی" ساخته می‌شود.

مثال: کوشت / kuft "کُشت"

مفرد	جمع
کوشتوومه / kuftumæ "کشته‌ام"	کوشتوومانه / kuftumønæ "کشته‌ایم"
کوشتووته / kuftutæ "کشته‌ای"	کوشتوتانه / kuftutønæ "کشته‌اید"
کوشتوویه / kuftujæ "کشته است"	کوشتویانه / kuftujønæ "کشته‌اند"

● ماضی بعید:

"ماضی بعید که آن را "ماضی مقدم" و "گذشته‌ی گذشته" و "ماضی دور" نیز نامیده‌اند، فعلی است که انجام گرفتن کاری یا وقوع امری را در زمان گذشته‌ی دور می‌رساند و اغلب از نظر زمان، مقدم بر فعل دیگری است؛ از این رو آن را "ماضی مقدم" نیز نامیده‌اند" (احمدی‌گیوی، ۱۳۸۰: ۴۲۵).

ماضی بعید ناگذر از بن ماضی به‌اضافه‌ی نشانه‌ی ماضی بعید "بوو" (bu) به‌اضافه‌ی شناسه و ساخت گذرای آن از بن ماضی به‌اضافه‌ی نشانه‌ی ماضی بعید "بوو" (bu) به‌اضافه‌ی ضمائر مفعولی ساخته می‌شود. در واقع فعل ماضی بعید در گویش سورانی، هم در ساخت ناگذر و هم گذرا به کمک صیغه‌های ماضی ساده‌ی "بوو" (bu) به بن ماضی ساخته می‌شود.

"او را دیده بودم" æwə-m di bu

شیوه‌ی ساخت فعل ماضی بعید در زبان کردی سورانی<sup>۵۰</sup>:

ماضی بعید افعال ناگذر از (بن ماضی + نشانه‌ی ماضی بعید "بوو" + شناسه) ساخته می‌شود.

مثال: کهوتن / kəwtən "افتادن"

مفرد	جمع
کهوت بووم / kəwt bum "افتاده بودم"	کهوت بووین / kəwt bujn "افتاده بودیم"
کهوت بووی(ت) / kəwt "افتاده بودی" buj(t)	کهوت بوون / kəwt bun "افتاده بودید"
کهوت بوو / kəwt bu "افتاده بود"	کهوت بوون / kəwt bun "افتاده بودند"

<sup>۵۰</sup> برای فعل ماضی بعید همچنین نک به: علی امین، نوری، ۲۰۱۲. ریزمانی کوردی. هه ولپیر: انتشارات رۆژه لات. صص ۱۵۹-۱۵۷.

ماضی بعید افعال گذرا از (بن ماضی + نشانه‌ی ماضی بعید بوو + ضمائر مفعولی) ساخته می‌شود.

مثال: خستن / xəstən "انداختن"

مفرد	جمع
xəst bum / خست بووم "انداخته بودم"	xəst / خست بوومان "انداخته بودیم"
xəst but / خست بووت "انداخته بودی"	xəst butən / خست بووتان "انداخته بودید"
xəst buj / خست بووی "انداخته بود"	xəst butən / خست بووتان "انداخته بودند"

• در فارسی میانه

• ماضی ساده:

۳- ماضی ساده ی افعال لازم با افزودن صیغه های مضارع فعل h- «بودن» به ماده‌ی ماضی (= اسم مفعول) ساخته می‌شود. این قاعده صرفاً در مورد سوم شخص مفرد صادق نیست. در سوم شخص مفرد فعل ماضی ساده ی لازم، خود ماده‌ی ماضی به عنوان فعل به کار می‌رود:

	مفرد		جمع	
۱	āmad hēm	آمدَم	āmad hēm	آمدِیم
۲	āmad hē	آمدِی	āmad hēd	آمدِید
۳	Āmad	آمد	āmad hēnd	آمدند

(آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۷-۷۶).

۴- ساختمان ماضی ساده ی افعال متعدی اما به شیوه ای دیگر بیان می‌شود. این شیوه عبارت است از بیان ماضی ساده ی افعال متعدی به کمک عامل<sup>۵۱</sup> و ماده‌ی ماضی. عامل

<sup>51</sup> agent

معمولا پیش از ماده‌ی ماضی می آید و می تواند اسم مفرد یا جمع، ضمائر شخصی متصل و یا ضمائر منفصل غیر صریح(غیر فاعلی)<sup>۵۲</sup> باشد<sup>۵۳</sup>:

مثال با ضمائر منفصل:

	مفرد		جمع	
۱	man guft	گفتم	amā guft	گفتیم
۲	tō guft	گفتی	ašmā guft	گفتید
۳	awē guft	گفت	awēšān guft	گفتند

مثال با ضمائر متصل:

	مفرد		جمع	
۱	-m guft	گفتم	-mān guft	گفتیم
۲	-t guft	گفتی	-tān guft	گفتید
۳	-š guft	گفت	-šān guft	گفتند

اگر جمله مفعولی صریح داشته باشد که مستقیما ذکر شده و یا در تقدیر جمله مستتر باشد، پس از ماده‌ی ماضی، صیغه ای از افعال مضارع فعل معین h- می آید که از نظر شخص و عدد با مفعول صریح یا مستتر مطابقت می کند:

## 52 oblique

<sup>۵۳</sup> در این جا باید ذکر شود که در فارسی میانه ضمائر شخصی منفصل در دو حالت صرف می شوند. یکی حالت مستقیم و دیگری حالت غیر مستقیم. در جدول زیر این ضمائر را نشان می دهیم:

	مفرد		جمع	
	مستقیم	غیرمستقیم	مستقیم	غیرمستقیم
۱	Az	man	amā(h)	amā(h)
۲	tō (برخی tu می نویسند) ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۰۴	tō	ašmā(h)	ašmā(h)
۳	Ōy	awē	Ōyšān	awēšān

در مورد سوم شخص مفرد و جمع باید ذکر کرد که در متون متقدم پهلوی «احتمالا» ōy برای حالت مستقیم و صریح و awē برای حالت غیر مستقیم و غیر صریح بوده است. این دو به ترتیب در فارسی نو به «او» و «وی» تحول یافته اند (آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۶۸. پا).

مستتر: man dīd hē «من تو را دیدم»

در این مثال از صرف دوم شخص مفرد فعل معین می فهمیم که یک tō در تقدیر جمله مستتر بوده است.

ظاهر: tō mardān dīd hēnd «تو مردان را دیدی»

اگر این مفعول صریح اسم مفرد یا ضمیر سوم شخص مفرد باشد، این صرف فعل h- دیگر نیازی نیست:

man zan dīd ø «من زن را دیدم»

man ōy dīd ø «من او را دیدم»

و نیز اگر این مفعول صریح که پس از فعل می آید، جمله باشد، باز هم به صرف فعل h- نیازی نیست:

um guft kū... «گفتم که...»

این شیوه ی بیان را اطلاحا ارگاتیو<sup>۵۴</sup> می نامند. در این شیوه ی بیان باید توجه شود که ما در جمله یک فاعل منطقی و معنایی داریم که عامل نقش آن را بازی می کند. عامل همان ضمائر غیر مستقیم هستند. علاوه بر این فاعل منطقی ما یک فاعل دستوری نیز داریم. این فاعل دستوری که اگر قرار باشد ضمیری به جای آن بیاید از ضمائر دسته ی مستقیم استفاده می شود، در سطح منطقی و معنایی، و به عبارت دیگر واقعی، مفعول جمله است. در این شیوه ی بیان صرف فعل h- با مفعول منطقی و معنایی یا همان فاعل دستوری مطابقت می کند و نه فاعل معنایی و منطقی (عامل). به عنوان مثال جمله ی زیر تجزیه و تحلیل می شود تا نکات گفته شده تصریح و ایضاح شود:

man mardān dīd hēnd «من مردان را دیدم»

در جمله ی اخیر، man فاعل واقعی و منطقی است که در قالب مفعول دستوری ظاهر شده است. mardān مفعول واقعی و منطقی است که در قالب فاعل دستوری ظاهر شده است.

<sup>54</sup> ergative



صرف فعل hēnd همواره با فاعل دستوری (= مفعول واقعی و منطقی) مطابقت می کند.  
(ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۷۶-۷۷؛ Skaejervo, 2004: 158-61).

در صورتی که عامل (فاعل منطقی و مفعول دستوری) در جمله نیاید، جمله مجهول خواهد شد که سپس تر به آن خواهیم پرداخت.

فعل ماضی در زبان فارسی امروزی، چه در افعال ماضی لازم و چه متعدی، بازمانده و تحول یافته‌ی ساختمان ماضی ساده لازم است.

• ماضی نقلی

۳- فعل ماضی نقلی لازم با استفاده از صرف مضارع اخباری فعل *estādan* و افزودن آن به ماده‌ی ماضی ساخته می شود.

	مفرد		جمع	
۱	<i>āmad estēm</i>	آمده ام	<i>āmad estēm</i>	آمده ایم
۲	<i>āmad estē</i>	آمده ای	<i>āmad estēd</i>	آمده اید
۳	<i>āmad estēd</i>	آمده است	<i>āmad estēnd</i>	آمده اند

۴- برای ساختن فعل ماضی نقلی متعدی، همچون فعل ماضی ساده ی متعدی، باید از ساختار ارگاتیو استفاده کرد. به این منظور فاعل منطقی و واقعی را به صورت عامل پیش از ماده‌ی ماضی می آوریم و سپس صیغه ی سوم شخص مفرد فعل مضارع اخباری از مصدر *estādan* را به ماده‌ی ماضی می افزاییم:

«او را گفته ام» *um guft estēd*

«تو او را دیده ای» *ut dīd estēd*

اگر مفعول صریح در مقام فاعل دستوری در جمله ذکر شود، صرف مضارع فعل *estādan* از نظر شخص و شمار با آن مطابقت می کند:

«من تو را دیده ام» *um tō dīd estē*

• ماضی بعید

۱. شیوه ی ساخت ماضی بعید لازم عبارت است از افزودن صرف صیغه های ماضی از مصدر *estādan* به ماده ی ماضی:

«آمده بودم» *āmad estād hēm*

«رفته بودم» *raft estād hēm*

۲. ماضی بعید متعدی نیز همچون ماضی ساده متعدی و ماضی نقلی متعدی از شیوه ی ساخت ارگاتیو پیروی می کند. عامل جمله در آغاز می آید سپس ماده ی ماضی فعل و بعدتر صرف ماضی مطلق از فعل *estādan* می آید. باید خاطر نشان شود که همچون دیگر ساخت های ماضی متعدی، فعل معین از نظر شخص و شمار با فاعل دستوری (=مفعول منطقی) مطابقت می کند:

«او را دیده بودم» *um (ōy) dīd estād*

گاهی به جای فعل کمکی *estādan* از صیغه های ماضی فعل *būdan* برای ساختن فعل ماضی بعید استفاده می شود:

«دیده بودم» *um dīd būd*

● مقایسه ی مشتقات ماده ی ماضی در کردی سورانی و فارسی میانه:

مهم ترین عنصر در تعیین ساختمان فعل در نظام فعلی ماضی کردی، همچون نظام فعلی فارسی میانه در زمان ماضی، گذرا (متعدی) و ناگذر (لازم) بودن است.

افعال لازم در عموم ساخت های خود، چه در کردی سورانی و چه در فارسی میانه، به صورت مستقیم صرف می شوند. به این معنا که شناسه های فعلی به ماده های ماضی متصل شده و فعل ماضی لازم تصریف می شود.

شیوه ی بیان نظام فعلی ماضی متعدی در هر دو گونه ی زبانی «کنایی» یا «ارگاتیو» است. واژه ی «ارگاتیو» مشتق از واژه ی یونانی *ergon*<sup>۵۵</sup> به معنای «کار» یا «عمل» است. پذیرفته شده ترین تعریف «کنایی» مبتنی بر حالت دستوری است یعنی حالت فاعل فعل متعدی که طبق آن، این حالت در تقابل با حالت دومی به نام «حالت مطلق» (فاعلی) قرار

<sup>55</sup> εργον

می گیرد. «حالت مطلق» شامل فاعل فعل لازم و مفعول فعل متعدی است. «حالت کنایی» متضمن تمایز یا فقدان ارتباطی است میان فاعل فعل لازم و فاعل فعل متعدی. ساختار کنایی غالباً جمله ای الزاماً متعدی دانسته می شود که در آن حالت کنایی به کار رفته است (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۹-۴۸).

این ساخت تا ۱۹۷۱ بازمانده ی صورت مجهول به حساب می آمد. بنویسند نخستین کسی بود که جمله ی فارسی باستان:

«این است آنچه من کرده ام» *ima tya manā kartam*

را نه ساختی مجهول، همچون قدما، بلکه ساخت ارگاتیو به حساب آورد. تقطیع جمله ی بالا به این صورت است:

**ima tya manā kartam**  
(*nom.neut.sing*) (*nom.neut.sing*) (*gen*) (*perf.part.neut.sing*)

او با یافتن دو مثال مجهول فارسی باستان که حائز فرآیند ساختواژی مجهول سازی در فارسی باستان بود (ساخته شده از پیوستن *ya*-به ماده ی مضارع که کنشگر در آن به کمک پیش اضافه ی *hača* و در حالت ازی بیان می شود):

«که توسط من به آنان فرمان داده شد» *tyašān hacāma aθahya*

«چنانکه توسط من به آنان فرمان داده شد» *yaθāšān hacāma aθahya*

حکم به مجهول نبودن ساخت هایی همچون جمله ی پیشین (*ima tya...*) داد. جمله ی *ima tya manā kartam* در فارسی میانه در واقع الگویی است که ارگاتیو مبتنی بر آن است. ضمائر ملکی نشانگر همان *manā* هستند که در واقع عامل صفت مفعولی (در واقع فعل. از همین رو است که همیشه در فارسی میانه و کردی سورانی، آن چه به ظاهر فعل است، شناسه نمی پذیرد. زیرا در واقع بازمانده ی صفت مفعولی است) *kartam* است.

این فرآیند به عینه در کردی سورانی نیز اتفاق می افتد و در کردی ضمائر ملکی (بازمانده ی صورت های اضافی باستانی) هستند که در نقش عامل جمله ظاهر می شوند. مفعول منطقی جمله در این ساخت در جایگاه فاعل دستوری قرار می گیرد. این وجه مشترک میان کردی سورانی و فارسی میانه است.

از منظرگاه استفاده از افعال کمکی در ساختمان افعال ماضی باید گفت که کردی سورانی به جز در فعل ماضی، در هیچ فعل دیگری از افعال کمکی بهره نمی برد و وجوه و نمودها را با

استفاده از فرآیندهای ساختواژی نشان می دهد. فرآیند ساختواژی یعنی اینکه تکواژی به درون ماده‌ی فعل افزوده می شود و ماده ای جدید می سازد که نشان دهنده ی نمود استمراری و یا نقلی است. در فعل ماضی بعید از صرف فعل bu «بودن» استفاده می شود. در افعال گذرا کماکان سیستم ارگاتیو رواج دارد. برای نشان دادن نمود استمرار از پیشوند -u/-o و برای نشان دادن نقلی از پسوند -æ-/dæ استفاده می شود.

#### ۴-۲-۷- ساخت مجهول:

##### • در کردی:

"در زبان کردی گویش سورانی، نشانه‌های -rd و -re- در آخر افعال نشانه‌ی مجهول هستند و نباید با پیشوندهای فعلی همسان اشتباه کرد" (رحیمی، ۱۳۹۱؛ ۵۲). -rd نشانه‌ی ماضی مجهول و -re- نشانه‌ی مضارع مجهول است.

مثال:

• bər-rd  
"گل برده شد"

• dæxo-re  
"میوه‌ها خورده می‌شود"

##### • در فارسی میانه:

در فارسی میانه فعل مجهول به دو نحو بیان می شود:

۱- با استفاده از ماده‌ی مجهول:

۲-۱- فعل مضارع مجهول: فعل مضارع مجهول از پیوستن شناسه‌های مضارع به ماده‌ی مضارع مجهول ساخته می شود. ماده‌ی مضارع مجهول از پیوست دادن -īh (صورت کهن تر آن -īy است) به ماده‌ی مضارع ساخته می شود:

wēn-īh-ēd «دیده می شود»

bar-īh-ēnd «برده می شوند»

۱-۲- فعل ماضی مجهول: فعل ماضی مجهول از افزودن *-ist* به مادهی مضارع مجهول به دست می آید. از این ساختمان فعل صرفاً صیغه ی سوم شخص ماضی ساده در دست است و در متون آمده است:

*wēn-īh-ist* «دیده شد»

۳- با استفاده از مادهی ماضی و افعال کمکی:

۳-۱- مضارع مجهول می تواند از افزودن صیغه های مضارع فعل *būdan* به مادهی ماضی ساخته شود:

*guft bawēd* «گفته می شود»

۳-۲- در ساختمان وجوه مختلف فعل ماضی متعدی (همچون ماضی ساده، نقلی و بعید) اگر «عامل» ذکر نشود، مفهوم جمله مجهول خواهد بود:

*dīd hēm* «دیده شدم»

*guft estēd* «گفته شده است»

*guft estād* «گفته شده بود»

*guft būd* «گفته شده بود»

چند فعل مضارع مجهول نیز در متون آمده است که از افزودن شناسه های مضارع به مادهی ماضی ساخته شده است. این افعال مختوم به *-xt* و *-ft* هستند (Skajervo, 2009:221):

*bōxt-ēm* «نجات داده می شوم»

*bōxt-ēd* «نجات داده می شود»

*ēraxt-ēd* «محکوم می شود»

*frēft-ēd* «فریب خورده می شود»

(ibid:80-1).

در ادامه ی بیان افعالی که از مادهی ماضی مشتق می شوند باید فعل های زیر را نقل کرد:

- فعل امر مجهول:

از مادهی ماضی متعدی به همراه صورت های فعل امر از مادهی *-baw* ساخته می شود:

*stūd bāš* «ستوده باش»

• فعل مضارع التزامی مجهول:

از ماده‌ی ماضی متعدی با صورت های فعل مضارع التزامی از ماده ی -baw ساخته می شود:

xward bawāh «خورده باشی»

• فعل مضارع تمنایی مجهول:

از ماده‌ی ماضی متعدی به همراه bēh ساخته می شود:

guft bēh «گفته باشد، گفته باشند»

• فعل ماضی اخباری مجهول:

از ماده‌ی ماضی متعدی به همراه صورت های مضارع اخباری از -h(a) ساخته می شود:

grift hēm «گرفته شدم»

• فعل ماضی التزامی مجهول:

از ماده‌ی ماضی متعدی به همراه صورت های مضارع التزامی از -h(a) ساخته می شود:

grift hād «گرفته شده باشد»

• فعل ماضی تمنایی مجهول:

از ماده‌ی ماضی متعدی به همراه صورت های مضارع تمنایی از -h(a) ساخته می شود:

grift hē ē(h) «گرفته شده باشدی»

• فعل ماضی بعید اخباری مجهول:

از ماده‌ی ماضی متعدی به همراه صورت های ماضی ساده ی اخباری از -baw ساخته می شود:

frēstād būdē(h) «فرستاده شده بودی»

• فعل ماضی نقلی مجهول:

این فعل ساختش همچون ساخت فعل ماضی نقلی متعدی است منتها عامل ذکر نمی شود:

nibišt estēd «نوشته شده است»

● فعل ماضی بعید مجهول:

این فعل ساختش همچون ساخت ماضی بعید متعدی است منتها عامل ذکر نمی شود:

guft estād būd «گفته شده بود»

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۷۹-۱۷۸).

در پایان بحث از ماده های فعلی و ساختمان آنها باید به یک نکته ی مهم که خصوصیتی زنده و زایا در زبان فارسی بوده است اشاره کنیم. در فارسی میانه ماده های لازم می توانند با ā شدن a اصلی و درون ماده ای آن ها به ماده ی متعدی تبدیل شوند:

ahram «بالا رفتن» < ahrām «بالا بردن»

nišast «نشستن» < nišāst «نشاندن» (Skæjervo, 2009: 220)

نظام ساخت مجهول در کردی سورانی، مترتب است بر پدیده ای ساختواژی؛ تکواژ بین ماده ی اصلی و شناسه ها می نشیند و فرآیند مجهول کامل می گردد. "اگر بپذیریم که در تحول ماده ساز مجهول از باستان تا نو، در سورانی مصوت روان /j/ به صامت روان /r/ تبدیل شده است می توان ادعا کرد که ماده مجهول ساز در همه گویشهای کردی با اندک تغییرات آوایی بازمانده ماده مجهول ساز در زبانهای ایرانی باستان است" (کریمی دوستان و ویسی، ۱۳۸۷: ۱۴۴). بنابر این می توان گفت که در گویش سورانی همچون زبان های ایرانی باستان، می توان کماکان شاهد فرآیند ساختواژی در ساخت مجهول بود.

در فارسی میانه با تمایل این زبان به سمت «ترکیبی»<sup>۵۶</sup> شدن، فرآیند مجهول نیز در زمان مضارع فرآیندی ساختواژی است اما در زمان ماضی ما شاهد دو گونه شیوه ی ساخت مجهول هستیم: یکی فرآیندی ساختواژی و دیگری با استفاده از ترکیب. در اغلب نمودها و وجوه فعل ماضی در فارسی میانه می توان تمایل زبان به سوی «ترکیبی» بودن را به وضوح مشاهده کرد. این سیر، سیری محتوم بوده که حرکت از زبان های «صرفی» به «تحلیلی» لامحاله بدانسو متمایل خواهند شد.

۴-۳- شناسه ها:

<sup>56</sup> Periphrastic

در مورد شناسه‌ها میان کردی سورانی و فارسی میانه نزدیکی بسیار است. در ماضی متعدی هر دو از شیوه ی بیان ارگاتیو استفاده می کنند و «عامل» که در واقع فاعل منطقی است، از ضمائر ملکی به حساب می آید. ذیلا به اجمال شناسه‌های کردی سورانی و فارسی میانه را می آوریم و به مقایسه می پردازیم.

• شناسه‌های مضارع:

در فارسی میانه شناسه‌های اخباری از التزامی جدا است حال آنکه در کردی سورانی از یک نوع شناسه برای تمام وجوه و نموده‌های افعال مضارع استفاده می شود و شناسه‌های فعل التزامی از بین رفته است.

شخص و شمار	کردی سورانی	ایرانی باستان	فارسی میانه	ایرانی باستان
۱ مفرد	-əm / م-	-ayā-mi	-ēm	-ayā-mi
۲ مفرد	-i(t) / (ت)-	-aya-hi	-ē(h)	-aya-hi
۳ مفرد	-e / ی-	-aya-ti	-ēd	-aya-ti
۱ جمع	-in / ین-	-ayā-mahi	-ēm	-ayā-mahi
۲ جمع	-ən / ن-	؟	-ēd	-aya-ta
۳ جمع	-ən / ن-	-aya-nti	-ēnd	-aya-nti

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۷۴؛ ۶۸؛ Skajervo, 2004: 111; Blochet, 2005: 68).

تقریبا می توان تحول از ایرانی باستان را در هر دو گروه شناسه‌ها دید. در اول شخص جمع در کردی، صامت خیشومی /m/ به /n/ تبدیل شده است. تنها در دوم شخص جمع در کردی سورانی، وجود واج -n- را باید توجیه کرد.

وجود این واج می تواند به دو دلیل باشد:

- ۱- آنکه این واج در قیاس<sup>۵۷</sup> با سوم شخص جمع به این شناسه افزوده شده باشد.
- ۲- آنکه این واج از صورتی مجزا، به غیر از صورت -aya-ta- ایرانی باستان مشتق شده باشد. باید خاطرنشان کرد که در فارسی عامیانه نیز شناسه‌ی دوم شخص جمع، به جای «-ید» فارسی رسمی، «-ین» است.

<sup>57</sup> analogy



• شناسه‌های ماضی ناگذر:

در کردی سورانی شناسه‌های مضارع اخباری (به جز سوم شخص مفرد که در ماضی ناگذر شناسه تهی است) برای صرف افعال ماضی ناگذر استفاده می‌شود. اما در فارسی میانه تمایل به سمت «ترکیبی» بودن، باعث شده تا از صرف مضارع فعل h- «هستن» برای نشان دادن ماضی بهره‌برند:

فارسی میانه	کردی سورانی	شخص و شمار
- hēm	-m /م-:ə	۱ مفرد
- hē	-i(t) /ی(ت)-	۲ مفرد
∅	∅	۳ مفرد
- hēm	-in /ین-	۱ جمع
- hēd	-ən /ن-	۲ جمع
- hēnd	-ən /ن-	۳ جمع

(آموزگار و تفضلی، ۱۳۸۲: ۷۶-۷۷).

همان مسائلی که در باب اول شخص و دوم شخص جمع مضارع پیشتر ذکر شد در باب شناسه‌های افعال ماضی در کردی سورانی نیز قابل ذکر است.

• شناسه‌های ماضی گذرا:

همانطور که در بخش فعل ماضی گذرا سخن گفته شد، در این دو گونه‌ی زبانی از شیوه‌ی بیان ارگاتیو بهره می‌برند. فاعل منطقی و معنای یا همان «عامل» می‌تواند ضمائر شخصی منفصل باشند و یا ضمائر متصل. ضمائر متصل که در کردی سورانی و فارسی میانه به کار می‌روند را ذیلا مورد بررسی تطبیقی قرار می‌دهیم:

ایرانی باستان	فارسی میانه	کردی سورانی	شخص و شمار
-mē	-m	-m /م-	۱ مفرد
-tē	-t	-t /ت-	۲ مفرد
-šē	-š	-j /ی-	۳ مفرد
-mē-ānām	-mān	-mən /مان-	۱ جمع

-tē-ānām	-tān	-tan / تان-	۲ جمع
-šē-ānām	-šān	-jan / جان-	۳ جمع

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۶-۱۰۵)

در مورد ضمائر متصل شخصی در هر دو گونه ی زبانی باید خاطرنشان کرد که همه بازمانده ی یک صورت ایرانی باستان هستند. در سوم شخص مفرد و جمع نیز در کردی سورانی -š- حذف شده است و نیم مصوت -y- به شکل [j] تلفظ شده است.

شناسه‌های فعل تمنایی مضارع در گویش سورانی شناسه‌های فعل مضارع است. حال آنکه در فارسی میانه ēh- است.

#### ۴-۴- نشانه های نهی، نفی، استمرار:

- نشانه های نهی و نفی:

در کردی سورانی و فارسی میانه از اداتی که از صورت ایرانی باستان یکسانی مشتق شده اند، برای نشان دادن نهی و نفی استفاده می شود:

ایرانی باستان	فارسی میانه	کردی سورانی	
mā	mā	mæ	نشانه ی نهی
naid	Nē	np	نشانه ی نفی

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۸۱)

- نشانه ی استمرار:

کردی سورانی و فارسی میانه از این جهت که یک ادات پیش از فعل می آید و نماینده ی نمود استمراری در فعل هستند با یکدیگر اشتراک دارند اما فارسی میانه از hamē استفاده می کند و کردی از æ? و dæ که منشأ ایرانی باستانشان نامعلوم است. در مورد نشانه های کردی سورانی می توان حدس زد که هر دو نشانه، دو صورت لهجه ای از یک صورت واحد بوده است.

#### ۴-۵- فعل های کمکی:

در نظام فعلی کردی سورانی یک فعل کمکی شخصی وجود دارد و سه فعل کمکی غیر شخصی.

تنها فعل کمکی شخصی صرف فعل bu است که نشان دهنده ی زمان و یا نمود فعل بعد از خود است. ریشه ی ایرانی باستان این فعل -bav\* است. در کردی سورانی از این فعل در صرف افعال ماضی بعید استفاده شده است.

اما افعال کمکی غیر شخصی نیز وجود دارند که پیش از فعل می آیند و وجه افعال بعد از خود را تغییر می دهند. این افعال عبارتند از : توانین «توانستن»، بوون «بودن» و ویستین «خواستن». این دسته از افعال را افعال وجهی نیز می نامند زیرا نشان دهنده ی وجوه التزامی، خواستاری و ... هستند (رخزادی، ۱۳۹۰: ۱۳-۲۱۰).

اما در فارسی میانه افعال شخصی عبارتند از صرف ماضی، مضارع و امر فعل būdan، صرف مضارع و ماضی فعل griftan و kāmistan، ēstādan.

افعال غیر شخصی یا وجهی نیز عبارتند از abāyēd «باید»، šāyēd «شاید»، tuwān «توان» و sazēd «سزد».

فعل tuwān در فارسی میانه با «توانین» کردی سورانی از ریشه ی -tav\* ایرانی باستان هستند.

#### ۴-۶- پیشوندهای فعلی:

برخی پیشوندهای کردی سورانی با فارسی میانه منشأ مشترک دارند و برخی نه:

کردی	معنا	معنا	فارسی میانه
pe- / پی-	به-		
te- / تی-	باز	abāz-	
da- / دا-	نشاندهنده ی معنای «پایین»	در	ēr-
ra- / را-		زیر	Andar
le- / لی-		فرا	frāz-
wær- / وەر-	بر-	بر	abar-
we- / وئ-		پیش	pēš-
re- / ری-	راه-	فرو	frōd-
hæ[- / هەل-	بالا	بالا	ul-

برای برخی از پیشوندهای فعل در کردی سورانی نمی توان معنایی ثابت یافت. آنها که در جدول در ستون معنایی خالی گذاشته شده اند آنها هستند. تنها در دو مورد «ههل» کردی سورانی و -ul فارسی میانه و نیز «وهر» کردی سورانی و abar فارسی میانه از لحاظ ریشه شناسی می توان نزدیکی ای یافت. در باقی موارد چنین چیزی یافت نمی شود.

علاوه بر چنین پیشوندهای بسیط و ساده ای، کردی سورانی از پیشوندهای گسترده تری بهره می برد که از ترکیب چند جزء به وجود آمده اند. تعداد زیادی از این پیوندهای مرکب در این گونه ی زبانی وجود دارد. تعدادی از این پیشوندها در فصل مربوط به بررسی افعال در کردی سورانی مورد معرفی قرار گرفت. فارسی میانه از این لحاظ با کردی سورانی توان برابری ندارد. اصولا کردی سورانی دارای سیستم قوی و پرشاخه ای از نظام ترکیب واژگانی است که در اسامی و صفات نیز به خوبی می توان ناظر آنها بود.

#### ۴-۷- افعال مرکب:

افعالی که در ساختمان افعال مرکب به عنوان جزء فعلی از آنها استفاده می شود در هر دو گونه ی زبانی متفاوت هستند (به جز مورد اول). در جدول زیر چند فعل مشترک میان هر دو گونه ی زبانی آورده می شود و افعال غیر مشترک نیز ذکر می شوند:

کردی	معنا	معنا	فارسی میانه
kərdən	کردن	کردن	kardan
xəstən	انداختن	نمودن	nimūdan
gərtən	گرفتن	بردن	burden
bərin	بریدن	خواستن	xwāstan
xwərdən	خوردن	دادن	dādan

(ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۸۴-۱۸۲).

فصل پنجم

نتیجه گیری

## ۵-۱- نتیجه گیری:

در بخش نتیجه گیری قاعدتا پرسش های اصلی ( که در رساله ی ما سه پرسش بودند) مطرح می شوند و پاسخ هایی که در طول رساله به آنان دست یافته شده است به اجمال خواهند آمد.

در این جا باید به طور اجمال از تلخیص بخش نخست کار، که در آن بیان مسأله، پرسش های اصلی، فرضیه ها و غیره معرفی شد صرف نظر کنیم. تنها سه پرسش اصلی اثر باز مطرح خواهند شد:

### ۵-۱-۱- پرسش نخست:

«ساختمان فعل» از منظر صرف و ساختواژه در فارسی میانه ی زردشتی چگونه است؟

در باب این پرسش ما، با توجه به منابعی که از پیش منتخب شده بودند، ابتدا مقولاتی که ساختمان فعل باید ذیل آنها تعریف شود را فهرست کردیم. سپس ماده های فعل، که تحول یافته ی ایرانی باستان بودند، بررسی شدند. در این قسمت «ماده ی مضارع» به مثابه تنها ماده ای که متحول یافته از ریشه ها و ماده سازهای ایرانی باستان معرفی شد و چگونگی تحول بررسی شد. سپس ساختمان ماده هایی که مبتنی بر ماده ی مضارع هستند و یا آنان که ساختمانی به غیر از ماده های فعلی در ایرانی باستان داشته اند (همچون ماده ی ماضی که بازمانده ی صفت های فاعلی و مفعولی گذشته است) معرفی شد. در ادامه ی سخن از ماده های فعلی، ماده های مجهول، واداری و جعلی (چه ماضی و چه مضارع) نیز بررسی شد.

سپس روابط میان ماده های ماضی و مضارع در این گونه ی زبانی مورد بررسی قرار گرفت و دو طریق سماعی بودن و ماده ی مکمل بودن به عنوان دو نحوه ی رابطه میان این دو ماده معرفی شد.

از این جای این بخش به معرفی مشتقات از ماده ی مضارع پرداخته شد. صرف افعال: مضارع اخباری، مضارع التزامی، فعل امر و تمنایی در این بخش ذکر شد. ذل توضیحات هر بخش شناسه های مخصوص به آن نیز به نحو مجزا مورد بررسی قرار گرفت. در بررسی شناسه ها، صورت های ایرانی باستان و خط و ربط تحول آن ها از آن زبان مورد بررسی قرار گرفت.

بررسی مشتقات از ماده ی ماضی مبحثی بود که قاعدتا باید در این جا می آمد. تصریف افعال از ماده ی ماضی در فارسی میانه، با نظر به گذرا (متعدی) و ناگذر (لازم) بودنش، دارای دو نوع تصریف خاص و مجزا به خود است. افعال لازم به نحو مستقیم و افعال متعدی به نحو «کنایی» یا «ارگاتیو» تصریف می شوند. منشأ «ارگاتیو» را در فصل چهارم بررسی کردیم. در ادامه ی بحث مشتقات ماده ی ماضی افعال ماضی ساده، ماضی نقلی و ماضی بعید به تفصیل و با ذکر مثال توضیح داده شد.

کار با بررسی ماده‌ی مجهول، در مضارع و ماضی، و چگونگی ساخت آن در وجوه و نمودهای مختلف پیش رفت. در این بخش سه گونه فعل مجهول مورد بررسی قرار گرفت: «افعال ماضی و مضارع با کمک ماده‌ی مجهول»، «ساختمان فعل ماضی مجهول با فعل کمکی»، «چند نمونه فعل مضارع مجهول که در متون دیده شده اند». در ادامه بحث از مجهول، شیوه‌ی ساخت افعال مجهول در وجوه و نمودهای دو زمان ماضی و مضارع بررسی شد. در این بخش شیوه‌ی ساخت افعال: مضارع التزامی مجهول، مضارع تمنایی مجهول، ماضی اخباری مجهول، ماضی التزامی مجهول، ماضی تمنایی مجهول، ماضی بعید اخباری مجهول، ماضی نقلی مجهول و فعل ماضی بعید مجهول مورد بررسی قرار گرفتند.

فعل در فارسی میانه با کمک تعدادی پیشوند می تواند منفی، ناهیه، استمراری و یا تأکیدی شود. این پیشوندها در این جای کار معرفی شدند.

ساختمان فعل در فارسی میانه دارای مشتقاتی است که در دستور زبان اسم یا صفت به شمار می آیند. از این جا به بحث از مشتقات اسمی و صفتی از ماده‌های فعلی پرداخته شد. ابتدا مشتقات اسمی و صفتی از ماده‌ی مضارع و سپس مشتقات اسمی و صفتی از ماده‌ی ماضی مورد بررسی قرار گرفت.

معرفی افعال کمکی، که در ساخت نمودها و زمان ها و نیز وجوه مختلف به یاری افعال می آید، یکی از مباحثی بود که در این بخش بررسی شد. افعال شخصی نشان دهنده‌ی زمان ها و نمودها و افعال غیر شخصی نشانه‌ی وجوه مختلف است.

تا اینجای کار هر چه گفته شده بود در باب ساختمان افعال بسیط بود، از این جا ساختمان افعال غیر بسیط نیز مورد بررسی قرار گرفت:

افعال پیشوندی از جمله افعال غیر بسیط است. پیشوندهای زبان فارسی میانه بر دو دسته‌ی مرده و زایا هستند. با ذکر مثال هر کدام از این پیشوندها معرفی شدند. هم چنین کوشیده شد تا صورت های ایرانی باستان این پیشوندها نیز معرفی شوند.

افعال مرکب نیز از جمله‌ی افعال غیر بسیط است. افعال کمکی ای که از آنها در ساختمان افعال مرکب استفاده می شود، با ذکر مثال بررسی شد.

در نهایت نیز چند عبارت فعلی در زبان فارسی میانه ذکر شد و بدین ترتیب این بخش خاتمه یافت.

۵-۱-۲ پرسش دوم:

«ساختمان فعل» از منظر صرف و ساختواژه در زبان کردی گویش سورانی (از دسته ی گویش های مرکزی کردی) چگونه است؟

این پرسش، موضوع اصلی فصل سوم اثر پیش رو بود. در این بخش نیز همچون فصل پیشین کوشیده شد تا پاسخی به این پرسش داده شود.

نخستین بحثی که در این فصل مطرح شد، بحث از ویژگی های فعل در زبان کردی گویش سورانی بود. این بحث در واقع مقوله بندی برای سامان بخشیدن به مسیر پاسخ در ادامه ی این بخش بود.

پس از ذکر مقولات بررسی در فعل زبان کردی گویش سورانی، به بحث از مواد فعلی در این گویش ادامه داده شد. ابتدا مصدر و چگونگی ساخت آن در این گونه ی زبانی مورد بررسی قرار گرفت. صورت های مختلف مصدر و تکواژهای مصدر ساز نیز معرفی شدند.

سپس چگونگی ساختن ماده های ماضی و مضارع از مصدر و شیوه ی انتزاع آن مورد بررسی قرار گرفت. تکواژهایی در این گونه ی زبانی وجود دارند که با افزوده شدن آن ها یک از دو ماده ی ماضی و مضارع ساخته خواهد شد. این شیوه ی ساخت و نیز این تکواژها یک یک با مثال بررسی شد.

نظام فعلی در کردی سورانی، همچون دیگر گونه های زبانی ایرانی، مبتنی بر ماده های فعلی اش است. در واقع از این ماده های فعلی است که مشتقات مختلف در زمان ها، نمودها و وجوه مختلف ساخته می شوند و صورت های بالفعل زبان خلق می گردند. در این فصل نیز همچون فصل پیشین این مشتقات از ماده ی مضارع معرفی شد. بعدتر و پس از بررسی ماده ها، باب ها و معرفی ماده ی مجهول هر یک از این مشتقات با مثال ذکر خواهند شد. مشتقات ماده ی ماضی نیز به قیاس و همسان با ماده ی مضارع معرفی شد.

بحث در باب ساختمان گذرا و یا ناگذر بودن افعال در کردی سورانی همچون فارسی میانه بسیار حائز اهمیت است. این اهمیت در زمان ماضی خود را نشان می دهد که بعدتر شرح خواهد گذشت.

بررسی ساختمان افعال مجهول در دو زمان ماضی و مضارع در این قسمت به نحوی اختصاری آمد زیرا اصولاً بحث از ماده ی مجهول و تکواژهای سازنده ی ماده ی مجهول در این گونه ی خاص زبانی بسیار مختصر است.

در این بخش وجوه اخباری، التزامی، امری و تمنایی با ذکر مثال توضیح داده شد.



بحث اصلی از این جای کار سخن گفتن از افعال بالفعل در زبان و تصریف آن ها است. ساختمان افعال مضارع ساده و نیز مضارع استمراری در این قسمت بررسی شد. سپس شیوه ساخت ماضی ساده، ماضی استمراری، ماضی نقلی و ماضی بعید معرفی شد.

ساختمان فعل در کردی سورانی همانگونه که پیشتر گفتیم همچون فارسی میانه در زمان ماضی مبتنی بر گذرا و یا ناگذر بودن است. این سخن به این معنی است که از دو نوع صرف خاص تبعیت می کند. شناسه‌های فعلی در این بخش مورد بررسی واقع شد. شناسه‌های فعل مضارع، ماضی ناگذر، امری و تمنایی. در فعل ماضی گذرا فعل شناسه ای نمیگیرد و فاعل معنایی آن ضمائر متصل ملکی هستند که در جمله می آید. این ضمائر متصل نیز معرفی و مورد بررسی واقع شدند.

کردی سورانی نیز دارای اداتی است که نشان دهنده ی استمرار، نفی و یا نهی هستند. این ادات همیشه پیش از فعل می آیند. هر سه این ادات مورد بررسی واقع شدند.

افعال کمکی شخصی که در ساخت نموده‌های مختلف به یاری افعال می آید در کردی سورانی محدود است. این فعل نیز معرفی شد.

بحث از ساختمان افعال غیر بسیط انتهای بخش سوم را به خود اختصاص داد. پیشوندهای فعلی که تعدا معتنا بهی هستند و از نظر ساختمان درونی شان بر سه دسته می باشند با ذکر مثال معرفی شدند.

سپس افعال مرکب و نهایتاً عبارات فعلی در این گونه ی زبانی مورد بررسی قرار گرفت.

۵-۳-۱- پرسش سوم:

«ساختمان فعل» از منظر صرف و ساختواژه در فارسی میانه ی زردشتی و نیز کردی سورانی از دسته ی گویش های مرکزی کردی) چگونه است؟

در واقع دو فصل پیشین به منزله ی مقدمه ای برای فصل چهارم اثر بود. این فصل به مقایسه ای تطبیقی در دو نظام فعلی از دو گونه ی زبانی ایرانی غربی، یکی جنوبی و میانه و دیگری شمالی و نو اختصاص داده شد. همچون فصول گذشته ابتدا مقولاتی که قرار است مقایسه در آن صورت بگیرد معرفی شد تا به مثابه میزان و مقیاسی ما را در کانون بحث نگه دارد.

باید خاطر نشان کرد که در این بخش کوشیده شد تا هر دوی این گونه های زبانی در پرتو زبان ایرانی باستان مورد مقایسه قرار بگیرد زیرا این زبان در دو مسیر جداگانه به هر یک از دو گونه ی زبانی مورد بررسی ما متحول شده است.

ابتدا ماده های فعلی ماضی و مضارع مورد مقایسه قرار گرفت. مشخصا در هر دو زبان ماده های مضارع بازمانده ی ماده های مضارع ایرانی باستان هستند. ماده سازهای ایرانی باستان در دل ماده های مضارع فریز شده اند و در اکنونیت هیچ یک از دو گونه ی زبانی نقشی پویا و فعال ندارند. اما در ماده ی ماضی می توان به طور فرضیه مطرح کرد که علاوه بر بازماندگان صفت های فاعلی و مفعولی مختوم به -ta ایرانی باستان در هر دو گونه ی زبانی، در کردی سورانی رد پای ماده ساز ماده ی ماضی ساز مختوم به -a ایرانی باستان نیز یافت می شود.

در بحث ساختمان افعال مشتق از ماده ی مضارع در مقام قیاس روشن شد که ساختمان مضارع متعدی و لازم در کردی سورانی اعم از اخباری، استمراری و آینده تفاوتی ندارند. در فارسی میانه نیز چنین است. گاهی برای نشان دادن استمرار در فارسی میانه، چنانکه در بخش های پیشین شرح آن گذشت پیشوند hamē و در گونه ی کردی سورانی æ? و dæ به فعل اضافه می شوند. بنابراین نشان دادن نمود استمراری در هر دوی این گونه های زبانی امری نیست که در ساختمان خود فعل خود را نشان دهد بلکه از طریق ملحقات و اضافات است که این امر بروزمی کند. اما در مضارع التزامی، فارسی میانه دارای شناسه های مخصوص به خود است که در بخش شناسه ها خواهد آمد. کردی سورانی برای مضارع التزامی از همان شناسه های مضارع اخباری بهره می برد. در فعل امر نیز ساخت ها دقیقا یکسان اند. ماده ی مضارع بدون هیچ شناسه ای می تواند امر باشد.

مهم ترین عنصر در تعیین ساختمان فعل در نظام فعلی ماضی کردی سورانی، همچون نظام فعلی فارسی میانه در زمان ماضی، گذرا(متعدی) و ناگذر(لازم) بودن است.

افعال لازم در عموم ساخت های خود، چه در کردی سورانی و چه در فارسی میانه، به صورت مستقیم صرف می شوند. به این معنا که شناسه های فعلی به ماده های ماضی متصل شده و فعل ماضی لازم تصریف می شود.

در تصریف افعال ماضی متعدی در هر دو گونه ی زبانی ضمائر ملکی(بازمانده ی صورت های اضافی باستانی) هستند که در نقش عامل جمله ظاهر می شوند. مفعول منطقی جمله در این ساخت در جایگاه فاعل دستوری قرار می گیرد.

از منظرگاه استفاده از افعال کمکی در ساختمان افعال ماضی باید گفت که کردی سورانی به جز در فعل ماضی، در هیچ فعل دیگری از افعال کمکی بهره نمی برد و وجوه و نمودها را با استفاده از فرآیندهای

ساختواژی نشان می دهد. فرآیند ساختواژی یعنی اینکه تکواژی به درون ماده ی فعل افزوده می شود و ماده ای جدید می سازد که نشان دهنده ی نمود استمراری و یا نقلی است. در فعل ماضی بعید از صرف فعل bu «بودن» استفاده می شود. در افعال گذرا کماکان سیستم ارگاتیو رواج دارد. برای نشان دادن نمود استمرار از پیشوند -dæ/-æ و برای نشان دادن نقلی از پسوند -o/-u استفاده می شود.

شیوه ی ساخت مجهول در فارسی میانه و کردی سورانی تفاوت اساسی دارد. شیوه ی ساخت مجهول در کردی ساختواژی است اما در فارسی میانه ساختواژی- ترکیبی است که شرح آن در بخش مقایسه گذشت.

در مبحث شناسه ها، تحول از ایرانی باستان در هر دو گونه ی زبانی بسیار به یکدیگر نزدیک بوده است.

در مبحث افعال غیر بسیط نیز، پیشوندهای فعل در کردی سورانی روندی بسیار پویاتر است و نیز میزان و تعداد پیشوندها نسبت به فارسی میانه بیشتر است.

جدول زیر تا حدی مقایسه را جمع بندی کرده است:

مقولات	مسائل	فارسی میانه زردشتی	کردی سورانی
ماده ها، وجوه، زمان ها، باب ها، شناسه ها	ماده ی مضارع	بازمانده ی ماده سازهای ایرانی باستان با تحولات درون زبانی	بازمانده ی ماده سازهای ایرانی باستان با تحولات درون زبانی
	ماده ی ماضی	بازمانده ی صفت های فاعلی و مفعولی ایرانی باستان	بازمانده ی صفت های فاعلی و مفعولی ایرانی باستان و نیز ردیابی یکی از ماده ماضی سازهای ایرانی باستان
	ماده ی مجهول	فرآیند ساختواژی و نیز ترکیبی	فرآیند ساختواژی
	وجه امری	ماده های مضارع مخاطب و غایب در نقش امر با شناسه های خاص	ماده های مضارع مخاطب و غایب در نقش امر با شناسه های مضارع
	وجه التزامی	ماده ی مضارع با شناسه های خاص	ماده ی مضارع با پیشوند خاص و شناسه های مضارع
	وجه تمنایی	با استفاده از شناسه ی خاص	با استفاده از شناسه ی خاص
	شناسه های فعلی	شناسه های مضارع، التزامی، امری و تمنایی بازمانده از صورت های ایرانی باستان	شناسه های مضارع و تمنایی بازمانده از صورت های ایرانی باستان
نشانه های	نفی	با استفاده از پیشوند	با استفاده از پیشوند

با استفاده از پیشوند	با استفاده از پیشوند	نهی	نهی، نهی، استمرار
با استفاده از پیشوند	با استفاده از پیشوند	استمرار	
فعال در ساخت زمان و نمودهای مختلف	فعال در ساخت زمان و نمودهای مختلف	افعال کمکی شخصی	افعال کمکی
فعال در ساخت وجوه مختلف	فعال در ساخت وجوه مختلف	افعال کمکی غیر شخصی	
میزان معتنابعی از پیشوندهای زنده و پویا که به دو دسته ی بسیط و غیر بسیط تقسیم می شوند	تعدادی محدود از پیشوندهای زنده که همگی بسیط هستند. تعدادی نیز پیشوند مرده	پیشوندهای فعلی	افعال غیر بسیط
چند فعل برای ساخت فعل از اسم، صفت و قید	چند فعل برای ساخت فعل از اسم، صفت و قید	افعال کمکی	

ساختمان افعال مرکب و عبارت فعلی نیز مشابهت دارد هر چند که واژگان به کار رفته در هر کدام از گونه های زبانی متفاوت است.

به این ترتیب رساله ی حاضر به بررسی ساختمان فعل و مقایسه ی آن در فارسی میانه ی زردشتی و کردی سورانی پرداخت.

## منابع فارسی

- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی. ۱۳۸۲. زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن. تهران: نشر معین.
- ابوالقاسمی، محسن. ۱۳۸۰. تاریخ زبان فارسی. تهران: انتشارات سمت.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۸. راهنمای زبانهای باستانی ایران. دو جلد. تهران: انتشارات سمت.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۹. ریشه‌شناسی. تهران: انتشارات ققنوس.
- احمدی گیوی، حسن. ۱۳۸۰. دستور تاریخی فعل. تهران: نشر قطره. (هر دو جلد)
- آرانسکی، یوسیف میخائیلوویچ. ۱۹۶۰. مقدمه‌ی فقه‌اللغه‌ی ایرانی. ترجمه‌ی کریم کشاورز. ۱۳۷۹. تهران: انتشارات پیام.
- اشمیت، رودیگر. ۱۹۸۹. «دوره‌ی زبان‌های ایرانی باستان». در رودیگر اشمیت (ویراستار)، راهنمای زبان‌های ایرانی، جلد اول؛ زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه. ۶۹-۵۹ ترجمه‌ی زیر نظر حسن رضایی باغ‌بیدی. چاپ دوم. تهران: انتشارات ققنوس. ۱۳۸۷.
- بدلیسی، شرف‌خان. ۱۸۶۰. شرف‌نامه. سن پترزبورگ: Académie Impériale des Sciences.
- بلو، جوپس. ۱۹۸۹. «گردی». در رودیگر اشمیت (ویراستار)، راهنمای زبان‌های ایرانی، جلد دوم؛ زبان‌های ایرانی نو. ۵۵۴-۵۴۱ ترجمه‌ی زیر نظر حسن رضایی باغ‌بیدی. چاپ دوم. تهران: انتشارات ققنوس. ۱۳۸۷.
- \_\_\_\_\_ . ۱۹۸۹. «گورانی و زازا». در رودیگر اشمیت (ویراستار)، راهنمای زبان‌های ایرانی، جلد دوم؛ زبان‌های ایرانی نو. ۵۶۲-۵۵۵ ترجمه‌ی زیر نظر حسن رضایی باغ‌بیدی. چاپ دوم. تهران: انتشارات ققنوس. ۱۳۸۷.
- حسن دوست، محمد. ۱۳۹۳. فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی. پنج جلد. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- حق‌شناس، علی‌محمد و دیگران. ۱۳۸۷. دستور زبان فارسی. تهران: انتشارات مدرسه.
- دبیر مقدم، محمد. ۱۳۸۷. «زبان، گونه، گویش و لهجه: کاربردهای بومی و جهانی». مجله‌ی ادب پژوهی ۵. ۹۱-۱۲۸.
- رحیمی، محمد. ۱۳۹۱. توصیف ساختارهای گویش سورانی زبان کردی. سنندج: انتشارات شیخی.
- رخزادی، علی. ۱۳۸۹. آواشناسی و دستور زبان کردی. سنندج: انتشارات کردستان.
- رشید یاسمی، غلامرضا. ۱۳۶۹. گرد و پیوستگی نژادی و تاریخی او. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- زوندرمان، ورنر. ۱۹۸۹. «فارسی میانه». در رودیگر اشمیت (ویراستار)، راهنمای زبان‌های ایرانی، جلد اول؛ زبان‌های ایرانی باستان و ایرانی میانه. ۲۶۰-۲۲۳ ترجمه‌ی زیر نظر حسن رضایی باغ‌بیدی. چاپ دوم. تهران: انتشارات ققنوس. ۱۳۸۷.

- شقاقی، ویدا. ۱۳۹۲. مبانی صرف. تهران: انتشارات سمت.
- فرشیدورد، خسرو. ۱۳۸۶. فرهنگ پیشوند و پسوندهای زبان فارسی. تهران: زوار.
- قریب، عبدالعظیم و دیگران. ۱۳۶۳. دستور زبان فارسی پنج استاد. تهران: انتشارات مرکزی.
- کالر، جانان. ۱۹۷۶. فردینان دو سوسور. ترجمه کوروش صفوی ۱۳۸۶. تهران: انتشارات هرمس.
- کریمی دوستان، غلامحسین و رحمان ویسی. ۱۳۸۷. حفظ یک ماده‌ساز باستانی در ساخت مجهول در زبان کردی. مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد (علمی-پژوهشی). ۱ (سال چهارم و یکم).
- کریمی دوستان، غلامحسین. ۱۳۸۰. کردی ایلامی بررسی گویش بدره. سنندج: دانشگاه کردستان.
- کریمی، یادگار. ۱۳۹۱. تحلیل نحوی ساخت کنایی بر پایه‌ی شواهدی از زبان کردی. دو فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهراء (س). ۳ (سال چهارم).
- کلباسی، ایران. ۱۳۷۱. ساخت اشتقاقی واژه در فارسی امروز. تهران: موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۳. گذشته‌ی نقلی در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی. گویش‌شناسی: ضمیمه‌ی نامه‌ی فرهنگستان ۱ (۲): ۸۹-۶۶.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۵. گویش کردی مهاباد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مشکور، محمد جواد. ۱۳۴۶. دستورنامه در صرف و نحو زبان فارسی. تهران: موسسه‌ی مطبوعاتی شرق.
- مکنزی، دیوید نایل. ۱۹۷۱. فرهنگ کوچک پهلوی. ترجمه مهشید میر فخرایی. ۱۳۹۰. چاپ پنجم. تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- منصور، یدالله. ۱۳۸۲. «بررسی ساختار فعل‌های جعلی در فارسی میانه و فارسی دری». نامه‌ی فرهنگستان زبان و ادب فارسی. دوره ۶. شماره ۲ (پیاپی ۲۲). صص ۱۲۴-۱۰۸.
- \_\_\_\_\_ . ۱۳۸۴. بررسی ریشه‌شناختی فعل‌های زبان پهلوی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- مینورسکی، ولادیمیر فئودوروویچ. ۱۹۱۵. کرد. ترجمه‌ی حبیب‌الله تابانی. ۱۳۷۹. تهران: نشر گستره.
- ویندفور، گرنوت لودویگ و ان آرپور. ۱۹۸۹. «گویش‌های ایرانی غربی». در رودیگر اشمیت (ویراستار)، راهنمای زبان‌های ایرانی، جلد دوم؛ زبان‌های ایرانی نو. ۴۸۷-۴۸۵. ترجمه زیر نظر حسن رضایی باغ‌بیدی. چاپ دوم. تهران: انتشارات ققنوس. ۱۳۸۷.
- همایونفرخ، عبدالرحیم بن حاج محمد حسین. ۱۳۶۴. دستور جامع زبان فارسی. تهران: علی اکبر علمی.

#### منابع کردی

- ئیبراهیم عزیز، ئیبراهیم. ۱۳۶۷. نامراز له زمانی کوردیدا. ورمی: سه‌لاحدین ئه‌یووبی.
- ئەمین، وریا عومەر. ۱۹۸۶. ریزمانی راناوی لکاو. به‌غداد: دهن‌گای چاپی روشنبیری.

- بابان، شیرکو. ۲۰۰۴. ریزمانی کەسی سێیهمی تاک. ههولێر: کۆری زانیاری کوردستان.
- \_\_\_\_\_ ۲۰۰۵. دهنگ‌سازی و برگه‌سازی له ریزمانی کوردیدا. گهولێر: کۆری زانیاری کوردستان.
- حاجی مارف، ئهورمحمان. ۲۰۰۰. ریزمانی کوردی بهشی ۵، کردار. سلیمانی: چاپی سه‌ردهم.
- خال، محهمهد. ۱۹۷۴. پێشگر و پاشگر. به‌غداد: گۆفاری کۆری زانیاری کورد. به‌رگی ۲. ل. ۲۵۶ تا ۲۷۵.
- خۆشناو، نه‌ریمان عه‌بدوڵلا. ۲۰۰۹. ریزمانی کوردی (به‌شه‌کانی ناخواتن). ههولێر: انتشارات هێفی.
- میراوده‌لی، که‌مال. ۲۰۰۷. فهره‌نگی ریزمانی کوردی. سلیمانی: مه‌لبه‌ندی کوردلۆجی.

#### منابع انگلیسی

- **Anonby, Erik John.** 2004/2005. "Kurdish or Luri?". *Kurdische Studien* 4+5: 7-22.
- **Bloch, E.** 2005. *Studies in Pahlavi Grammar*. translated into English by Pranabesh Sinha Roy. Kolkata. The Asiatic Society.
- **Chambers, J.K and Peter Trudgill.** 2004. *Dialectology*. London: Cambridge University Press.
- **Durkin-Meisternest, D.** 2015. *Grammatik des Westmitteliranischen (Parthisch und Mittelpersisch)*. Wien. verlag der Österreichischen Akademie der Wissenschaften.
- **Fattah, Ismail Kamandar.** 2000. *Les dialectes kurdes m' meridionaux. Etude linguistique et dialectologique*. Leuven: Peeters.
- **Fossum, L. O.** 1919. *A Practical Kurdish Grammar*. Michigan: The Inter-Synodical EV. Lutheran Orient- Society.
- **Justi, Ferdinand.** 1880. *Kurdische Grammatik*. St. Petersburg.
- **Kaya, Mehmet s.** 2011. *The Zaza Kurds of Turkey*. London-New York: I.B. TAURIS.
- **Kreyenbroek, Philip G.** 2000. "On the Kurdish language" in Philip G. Kreyenbroek and Stefan Sperl (eds.) *The Kurds, a Contemporary Overview*. 53-64. London and New York: Routledge.
- **MacKenzie, David Neil.** 1956. "Bājalānī". *Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London*, Vol. 18, No. 3, In Honour of J. R. Firth .pp. 418-435.
- \_\_\_\_\_ 1961. a. *Kurdish Dialects Studies I*. London: Oxford University Press.
- \_\_\_\_\_ 1961. b. "The origins of Kurdish". *Transactions of the Philological Society*. 68-86.
- \_\_\_\_\_ 1961. *The Dialect of Auroman*. København.

- McCarus, Ernest N.**1958.A Kurdish Grammar: Descriptive Analysis of the Kurdish of Sulaimaniya, Iraq. New York: American Council of Learned Societies.
  
- Minorsky, Vladimir.**1943."The Guran". Bulletin of the School of Oriental and African Studies, University of London, Vol. 11, No. 1.75-103.
  
- Paul, Ludwig** .1998."The position of Zazaki among West Iranian Languages", in Sims-Williams, N. (ed.) Proceedings of the Third European Conference of Iranian Studies held in Cambridge. 11 th to 15th September 1995, Part I, Old and Middle Iranian Studies.163-176.Wiesbaden: L. Reichert.
  
- Skjærvø, Pros Oktor.**2009."Old Iranian" in Gernot Windfuhr(ed.) Iranian Languages.43-195.London and New York: Routledge.
- \_\_\_\_\_.2008.Pahlavi Primers.Electronic Version.
  
- Soane, E. B.**1913.a Grammar of Kurmanji or Kurdish Language.London:LUZAC & CO.
  
- Tedesco, P.**1921. "Dialektologie der westiranischen Turfantexte".Le Monde Oriental. 15/1-2: 184-258.
  
- Thackston, M. W.**2006.Sorani Kurdish:A Reference Grammar with Selected Reading.Massachusetts:Harvard University.



## Abstract:

Iranian languages in terms of time divide into three periods: Ancient, Medieval and modern. According to geography speakers all three divided into four parts Northeast, Northwest, Southeast and Southwest. The Zoroastrian Middle Persian language is one of the Southwest middle Iranian and the categories of Kurdish dialects considered Northwest New Iranian. These two languages had been investigated several times but there are many gaps in the field of comparative studies between Kurdish dialects and Middle Persian language. The study examined and compared the structure of the verb in the middle of the Zoroastrian Persian language and dialect of Kurdish Sorani. After the preliminaries in the first part, the second part was studied in Middle Persian verb structure. In order to do this, first check the following issues were considered in each category (the verb were effective in building consistency) special investigations into the language. The third chapter also contains a review of the current system and its buildings in the Kurdish of Sorani, with the same style and manner of last season. In the fourth chapter comparative study was conducted between the two types of language. The study reviews the various categories of the verb, as in previous chapters listed. Then give explanations and examples from two previous chapter and finally to the extent that previous research allowed. To examine the linguistic structure of the verb in both species achieved in the light of ancient Iranian language. In conclusion section is also the main questions were and tried to brief and concise to what on the path of research were reviewed as well as the tabular results of the work in the introduction.

Keywords: Middle Persian Zoroastrian, Sorani dialect, making verbs, comparison, time, numbers person.

